

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مطالعات ایران شناسی

(مطالعات میان رشته‌ای، علمی - تخصصی)

سال پنجم | شماره پانزدهم | زمستان ۱۳۹۸

شماره استاندارد بین‌المللی: ۲۴۷۶-۲۹۸۹

صاحب امتیاز: بنیاد ایران‌شناسی

مدیر مسئول: دکتر محمد بهرام‌زاده

سر دبیر: دکتر حکمت‌اله ملاصالحی

مدیر داخلی: دکتر مسعود دادبخش

هیئت تحریریه

دکتر مه‌ری باقری	استاد دانشگاه تبریز
دکتر ناصر تکمیل همایون	استاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
دکتر محمود جعفری دهقی	استاد دانشگاه تهران
دکتر زهره زرشناس	استاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
دکتر فتح‌الله مجتبابی	استاد دانشگاه تهران
دکتر حکمت‌اله ملاصالحی	استاد دانشگاه تهران
دکتر محمد بهرام‌زاده	معاون پژوهشی و عضو هیئت علمی بنیاد ایران‌شناسی
دکتر محمود طاووسی	استاد دانشگاه تربیت مدرس

ویراستار: زهره دولتی

مترجم: دکتر رویا خوبی

صفحه‌آرا و حروفچین انگلیسی: مونیکا طوسی

چاپ و انتشار: بنیاد ایران‌شناسی

نشانی: تهران، خیابان شیخ بهایی جنوبی، خیابان ایران‌شناسی، معاونت پژوهشی، دفتر فصلنامه مطالعات ایران‌شناسی

تلفن: ۰۲۱ - ۸۸۶۰۸۹۲۵

دورنما: ۰۲۱ - ۸۸۶۰۸۹۲۲

رایانامه: Faslnameh@iranology.ir

شرایط پذیرش مقاله در فصلنامه مطالعات ایران‌شناسی

مباحث تخصصی ایران‌شناسی و نیز مقالات مرتبط با فرهنگ و تمدن ایران از جمله موضوعاتی است که در فصلنامه مطالعات ایران‌شناسی بدان پرداخته می‌شود. شرایط کلی پذیرش مقاله در این نشریه به شرح زیر است: مقاله باید نتیجه تحقیقات نویسنده (یا نویسندگان) بوده و در نشریه دیگری به چاپ نرسیده باشد.

پذیرش مقاله بر اساس تصمیم و نظر هیئت تحریریه مجله است و پس از داوری، صلاحیت چاپ آن اعلام خواهد شد.

مسئولیت مطالب مقاله بر عهده نویسنده (یا نویسندگان) آن است.

در صفحه نخست، نام و نشانی کامل، شماره تماس نویسنده، محل خدمت و رتبه علمی وی مشخص شود.

متن مقاله به ترتیب، شامل «عنوان»، «چکیده»، «کلیدواژگان»، «مقدمه»، «نتیجه‌گیری»، «فهرست منابع طبق راهنمای شیوه ارجاع» و «چکیده انگلیسی» تدوین شود.

مقاله بر روی کاغذ استاندارد A4 در محیط Word (2007) و با فونت B nazanin و قلم ۱۳، تهیه و ارسال شود. مقاله نباید از ۷ هزار واژه بیشتر شود.

توضیحات تصاویر و نمودارها به همراه منبع در زیر تصویر و توضیحات جدول‌ها، به همراه منبع در بالای آنها آورده شود.

در صورت استفاده از واژگان غیرفارسی یا واژه‌هایی که تلفظ آنها برای خواننده مشکل است، آوانگاری و آوردن معادل فارسی آنها در پانویس از موارد ضروری است.

ارجاع منابع در این فصلنامه درون‌متنی و مطابق با شیوه ذیل است:

(نام خانوادگی نویسنده، سال انتشار کتاب: شماره صفحه؛ مثال: (زرشناس، ۱۳۹۱: ۲۶).

در صورتی که کتاب چند جلد دارد، شماره جلد در منبع درون‌متنی بدین شکل خواهد بود (صفا، ۱۳۶۳، ج ۳: ۶۵).

در تنظیم فهرست منابع نخست کتاب‌ها و سپس مقالات به ترتیب زیر خواهند آمد:

کتاب: نام خانوادگی نویسنده، نام. (سال نشر). نام کتاب. جلد. شماره چاپ. شهر محل نشر: ناشر. مثال: آل‌احمد، جلال. (۱۳۵۶). غرب‌زدگی. ج ۲. تهران: رواق.

مقاله: نام خانوادگی نویسنده، نام. (سال چاپ). «عنوان مقاله». نام نشریه. نام مترجم (در صورتی که مقاله ترجمه باشد). سال. شماره. صفحه آغازین مقاله و صفحه پایانی مقاله. مثال: سرکاراتی، بهمن. (۱۳۹۲).

«راه و روش شناخت ایران». فصلنامه ایران و اسلام. سال ۱. ش ۱. تابستان. صص ۲۰-۳۲.

فهرست مطالب

۴	سر مقاله حکمت‌اله ملاصالحی
۵-۲۲	سفرنامه‌ها و سفرنامه‌نویسان دوره صفویه محمد بهرام‌زاده؛ مسعود دادبخش
۲۳-۳۴	مناظر طبیعی چشمه ناز ونک (شهرستان سمیرم) حسن داداشی آرانی
۳۵-۵۲	بررسی و معرفی مسجد تاریخی روستای سویناس مهاباد اسماعیل سلیمی
۵۳-۶۰	انتظارات ایرانیان از ایران‌شناسی روسیه محسن شجاعی
۶۱-۷۶	تأملی بر ساختار و محتوای اسناد عرایض؛ بررسی موردی: عرایض اصناف در دوره ششم تا هشتم مجلس شورای ملی زهره شیرین‌بخش
۷۷-۸۷	بنای سرخه دیزه، قلعه‌ای ساسانی بر سر شاهراه خراسان صبا غلامی؛ سید رسول موسوی حاجی
۸۸-۹۳	چکیده مقالات به انگلیسی

سر مقاله

به لطف ایزدمنان و به کوشش و همت همکاران و پژوهشگران، پانزدهمین شماره فصلنامه «مطالعات ایران‌شناسی» برای استفاده ایران‌شناسان و ایران‌دوستان گرامی منتشر شد. شماره پیش رو، حاصل تلاش‌های فکری و علمی شماری از استادان و پژوهشگران حوزه ایران‌شناسی به شرح ذیل است:

در مقاله نخست با عنوان «سفرنامه‌ها و سفرنامه‌نویسان دوره صفویه»، آقایان دکتر محمد بهرام‌زاده و دکتر مسعود دادبخش به بررسی بیست و یک سفرنامه موجود در دوره صفوی پرداخته‌اند و شرح حال نویسندگان این سفرنامه‌ها، دلایل حضور آنان در ایران و نکات حائز اهمیت در سفرنامه ایشان را مورد واکاوی قرار داده‌اند. در مقاله دوم این شماره با عنوان «مناظر طبیعی چشمه‌ناز و نک (شهرستان سمیرم)»، آقای حسن داداشی آرانی این منطقه سردسیر کوهستانی در رشته کوه زاگرس را از دیدگاه مناظر طبیعی بررسی کرده است. مقاله سوم با عنوان «بررسی و معرفی مسجد تاریخی روستای سویناس مهاباد» از آقای اسماعیل سلیمی به معرفی و بررسی ویژگی‌های معماری مسجد تاریخی روستای سویناس در شهرستان مهاباد و مقایسه آن با دیگر مساجد عصر قاجاریه در مناطق کُردنشین، پرداخته است. آقای دکتر محسن شجاعی در مقاله چهارم با عنوان «انتظارات ایرانیان از ایران‌شناسی روسیه» که برگرفته از متن سخنرانی ایشان در چهارمین همایش ایران‌شناسان روسیه در مسکو می‌باشد، دیدگاه‌های ایران‌شناسان روسی در دوره حکومت کمونیستی شوروی و سال‌های پس از آن را مورد واکاوی قرار داده‌اند. خانم دکتر زهره شیرین‌بخش در مقاله پنجم با عنوان «تأملی بر ساختار و محتوای اسناد عریض؛ بررسی موردی: عریض اصناف در دوره ششم تا هشتم مجلس شورای ملی»، با تکیه بر اسناد ارسال اصناف مختلف به مجلس شورای ملی در خلال سال‌های ۱۳۰۵ تا ۱۳۱۱ش، مطالبات و انتظارات عارضین را مورد مطالعه قرار داده است. در مقاله پایانی این شماره با عنوان «بنای سرخه دیزه، قلعه‌ای ساسانی بر سر شاهراه خراسان»، خانم صبا غلامی به همراه آقای دکتر سیدرسول موسوی حاجی با تحلیل داده‌های باستان‌شناسی و تطبیق آن با اطلاعات ذکر شده در منابع، به بررسی صحت اطلاعات جغرافیایانویسان در ارتباط با قلعه سرخه دیزه پرداخته‌اند.

در پایان از نویسندگان گرامی و داوران محترم که ما را در آماده‌سازی این شماره از فصلنامه یاری رسانده‌اند سپاسگزاری می‌نماییم. با امید آنکه شماره پیش رو مورد توجه و مقبول نظر پژوهشگران و دوست‌داران حوزه ایران‌شناسی قرار گیرد.

حکمت‌اله ملاصالحی

بنیاد ایران‌شناسی، زمستان ۱۳۹۸

سفرنامه‌ها و سفرنامه‌نویسان دوره صفویه

محمد بهرام‌زاده^۱

مسعود دادبخش^۲

چکیده

حدود و ثغور کشور با به قدرت رسیدن حکومت صفویه در ایران به تدریج مشخص شد و گستره جغرافیایی ایران پس از سده‌ها تحت سلطه یک حکومت واحد قرار گرفت. حکومت صفوی با ایجاد امنیت در سرزمین‌ها و راه‌های تجاری و رسمی نمودن مذهب شیعه در کشور، توانست مردم ایران را دوباره در زیر چتر یک پرچم واحد و مشترک جمع کند. در این دوره به دلیل گسترش ارتباطات سیاسی و تجاری میان ایران و سایر کشورها، حضور سفیران خارجی در کشور گسترش یافت و سفرنامه‌های بسیاری از سیاحانی همچون برادران شرلی، شاردن، تاورنیه، کمپفر به جای مانده است. پژوهش حاضر تلاش دارد تا با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی سفرنامه‌های موجود در این دوره پرداخته و شرح حال نویسندگان این سفرنامه‌ها، دلایل حضور آنان در ایران و نکات حائز اهمیت در سفرنامه ایشان را مورد ارزیابی و واکاوی قرار دهد. آنگونه که از بررسی‌های پژوهش حاضر برمی‌آید اهداف سیاسی و تجاری از مهم‌ترین دلایل حضور سیاحان دوره صفوی به ایران بوده است.

کلید واژگان: صفویه، سفرنامه‌ها، شاردن، تاورنیه، برادران شرلی، کمپفر.

۱. معاون پژوهشی و عضو هیئت علمی بنیاد ایران‌شناسی. mohammadbahramzade@gmail.com

۲. دانش‌آموخته دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی دانشگاه خوارزمی. مدرس دانشگاه علمی کاربردی. پژوهشگر بنیاد

ایران‌شناسی. dadbakhsh.Masoud@gmail.com

مقدمه

دوره صفوی (۱۱۴۸-۹۰۷ ه.ق)، عصر تجدید اعتلای حکومت ایران بر مناطق مختلف و پهناوری است که پس از هجوم قوم مغول، دچار هرج و مرج و تفرقه گشته و تحت سلطه حکومت‌های کوچک و موازی قرار گرفته بود. شاهان صفوی با جلوگیری از سلطه امپراتوری قدرتمند عثمانی و سرکوب اهداف استعماری برخی از کشورهای اروپایی، موفق به ایجاد انسجام و یکپارچگی در کشور شدند و اقتدار دوران گذشته ایران را تا حدود زیادی احیا کردند. کشورهای اروپایی که در ممانعت از توسعه قدرت عثمانی با ایرانیان هم‌جهت و همسو بودند، مراودات خود را با ایران گسترش دادند^۱ و این امر بالطبع باعث افزایش آمد و شد فرستادگان و نمایندگان کشورهای اروپایی به ایران گردید (دانش پژوه، ۱۳۸۵: ۳۹-۴۰).

هرکدام از این جهانگردان و سیاحان از طبقات گوناگون اجتماعی بوده‌اند و برای مسافرت و گشت و گذار در ایران دلایل مختلفی داشته‌اند، از جمله سیاحت و جهانگردی، مأموریت‌های سیاسی، سفرهای علمی، تجارت و تبلیغات مذهبی مهم‌ترین این اهداف است. بسیاری از این سیاحان، خاطرات، دیده‌ها و شنیده‌های خود را به رشته تحریر درآورده‌اند که امروزه این سفرنامه‌ها از منابع مهم پژوهشی به شمار می‌روند (میراحمدی، ۱۳۶۸: ۴۹۵-۴۹۷؛ حاجیان‌پور، ۱۳۸۶: ۸۶).

به طور کلی سفرنامه‌های دوره صفوی، حاوی اطلاعات ارزشمندی درباره وضعیت اجتماعی، سیاسی، جغرافیایی، اقتصادی و مذهبی شهرهای مختلف ایران و به ویژه شهر اصفهان هستند. بررسی این سفرنامه‌ها از آن منظر حائز اهمیت است که افزون بر مشخص نمودن وضعیت اجتماعی و سیاسی ایران در دوره صفوی، رویکرد جهانگردان و دولتمردان غربی نسبت به ایران را نیز روشن می‌سازد.

بنابراین، در این پژوهش تلاش شده است تا با بررسی سفرنامه‌ها و سایر مکتوبات مرتبط با دوره صفوی، افزون بر گردآوری اطلاعات درباره جهانگردان این دوره، مناطق مورد بازدید هرکدام از آنان مشخص شود و نقطه نظرات و دیدگاه‌های ایشان نیز مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد.

۱. یکی از اهداف مهم اروپاییان در این دوره، بهره‌گیری از اختلافات مذهبی میان حکومت ایران و عثمانی بود. سلاطین سنی مذهب عثمانی خود را وارثان بر حق خلافت عباسی می‌دانستند و معتقد بودند که تمامی کشورهای اسلامی می‌بایست از آنان تبعیت کنند. از آن سو شاهان شیعه مذهب صفوی این قاعده را بر نمی‌تاییدند و خود را از نسل امام موسی کاظم (ع) و حق حکومت را از آن خود می‌دانستند.

پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهشگران مختلف، سفرنامه‌های دوره صفوی را بارها به صورت کلی یا جزئی، مورد پژوهش و بررسی قرار داده‌اند. منوچهر دانش‌پژوه در کتاب‌های سفرنامه و بررسی سفرنامه‌های دوره صفوی، به جمع‌آوری مطالبی درباره سفرنامه‌های این دوره پرداخته است (دانش‌پژوه، ۱۳۸۰: ج ۲؛ دانش‌پژوه، ۱۳۸۵). وی در این کتاب‌ها به شرح زندگی جهانگردان مختلف این دوره پرداخته و گوشه‌هایی از نوشته‌های آنان را بدون ارائه تحلیل خاصی گردآوری کرده است.

موسوی دالینی و همکاران، در مقاله‌ای با عنوان «تحلیلی بر مردم‌نگاری جامعه ایرانی عصر صفوی به روایت سیاحان فرنگی»، به بررسی رویکردهای اجتماعی سفرنامه‌نویسان این دوره پرداخته‌اند (موسوی دالینی و همکاران، ۱۳۹۵). رضا رمضان نرگسی با رویکردی انتقادی شش سفرنامه اروپایی در دوره صفوی را مورد ارزیابی قرار داده و حمید حاجیان‌پور به بررسی نوع ادبیات و سبک نگارش سفرنامه پیترو دل‌واله پرداخته است (حاجیان‌پور، ۱۳۸۶). محمد کریم یوسف جلالی و پرویز عادل نیز در مقالاتی مجزا، سفرنامه‌های ونیزیان را در ایران مورد بررسی قرار داده‌اند (یوسف جلالی، ۱۳۸۵؛ عادل، ۱۳۸۳).

افزون بر مقالات مذکور پژوهش‌های متعدد دیگری نیز وجود دارند که در آنها از بخش‌های مختلف سفرنامه‌های دوره صفوی استفاده شده است. محمد شورمیچ به بررسی خلیج فارس در سفرنامه‌های دوره صفوی پرداخته است (شورمیچ، ۱۳۹۳). سمیه کرمی و همکاران، با تکیه بر سفرنامه‌های دوره صفوی، وضعیت آموزشی بانوان دربار را مورد بررسی قرار داده‌اند (کرمی و همکاران، ۱۳۹۶). حمید حاجیان‌پور در مقاله‌ای دیگر با همکاری رقیه جوادی به بررسی مفاهیم هنر معماری اصفهان در چهار سفرنامه این دوره (دل‌واله، تاورنیه، شاردن، سانسون) پرداخته است (حاجیان‌پور و جوادی، ۱۳۹۵). محمد حسن رازنهان و تقی شیردل مؤلفه‌های تقدیرگرایی را در سفرنامه‌های دوره صفوی مورد بررسی قرار داده‌اند (رازنهان و شیردل، ۱۳۹۶) و ایلناز رهبر و همکاران، نیز به پژوهش درباره سازهای موسیقی دوره صفوی با تکیه بر سفرنامه‌های کمپفر و شاردن پرداخته‌اند (رهبر و همکاران، ۱۳۹۶).

حضور جهانگردان غربی در ایران دوره صفوی

اندکی پیش از تشکیل حکومت صفویه، دریانورد پرتغالی، «بارتولومئو دیاز» توانست با دور زدن دماغه امیدنیک راه جدید دریایی را به سمت سرزمین‌های شرقی و به ویژه هند بگشاید



(۱۴۸۸م)؛ این راه جدید دریایی و کالاهای شرقی تبدیل به عامل اصلی توسعه طلبی سیاسی و تجاری کشورهای اروپایی در شرق گردید. از این رو، سیاحت و جهانگردی، در سرزمین‌های شرقی مورد توجه اروپاییان قرار گرفت و سیاحان متعددی تحت حمایت‌های سیاسی و اقتصادی کشورهای اروپایی و با اهداف متفاوت به ایران سفر کردند. این جهانگردان گزارش‌ها، یادداشت‌ها و سفرنامه‌هایی را به زبان‌های پرتغالی، اسپانیولی، هلندی، فرانسوی، انگلیسی، آلمانی، روسی و ایتالیایی از خود به جای گذاشتند که بیشتر آنها امروزه جزو منابع مهم پژوهشی در حوزه صفویه به شمار می‌آیند. سفرنامه‌های مهم این دوره عبارتند از:

سفرنامه جوان ماریا آنجلو (حدود ۱۵۰۰م)، سفرنامه بازرگان ونیزی در ایران (حدود ۱۵۱۰م)، سفرنامه وینچنتو دالساندری (۱۵۷۴-۱۵۷۱م)، سفرنامه برادران شرلی (۱۵۹۸م)، سفرنامه ژرژ تکتاندرفن دریابل، (ایتر پرسیکوم ۱۶۰۵م)، سفرنامه دن گارسیا (۱۶۱۴م)، سفرنامه پیترو دلاواله (۱۶۱۷م)، سفرنامه کانتف (۱۶۲۳م)، سفرنامه استودارت (۱۶۲۶م)، سفرنامه یان اسمیت (۱۶۲۸م)، سفرنامه تاورنیه (۱۶۳۲م)، سفرنامه آدام اولتاریوس (۱۶۳۴م)، سیاحت‌نامه شاردن (۱۶۶۴م)، سفرنامه آندره دولیه دلد (زیبایی‌های ایران ۱۶۶۴م)، سفرنامه سانسون (۱۶۸۳م)، سفرنامه کمپفر (۱۶۸۳م)، سفرنامه کاری (۱۶۹۳م)، گزارش فیدالگو، سفیر کشور پرتغال (۱۶۹۳م)، سفیر زیبا (۱۷۰۶م)، سفرنامه کروسینسکی (۱۷۰۷م) و سفارت‌نامه احمد دری (حدود ۱۷۱۳م).

به طور کلی با توجه به احوال اجتماعی، توصیف مظاهر زندگی، اخلاق و روحیات مردم ایران، پرداختن به اوضاع اقتصادی و جغرافیایی، بیان وضعیت دینی و عقاید مذهبی، وضع تعلیم و تربیت، گردآوری افسانه‌ها و اساطیر ملی و باستانی و آگاهی از کیفیت نفوذ تدریجی دول اروپایی در ایران را می‌توان از مهم‌ترین ویژگی‌های سفرنامه‌های این دوره دانست (دالینی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۲۶-۱۲۷).

۱. سفرنامه آنجلو

جوان ماریا آنجلو، یکی از بازرگانان ونیزی که با اهداف سیاسی و تجاری به ایران سفر کرد؛ حوادث دوران حکومت شاه اسماعیل را از نزدیک مشاهده نمود و شرح خاطرات خود را به نگارش درآورد. منوچهر امیری سفرنامه وی را با عنوان *سفرنامه‌های ونیزیان در ایران* ترجمه کرده است. آنجلو در آغاز به معرفی نبردهای اوزون حسن با حکومت عثمانی و حوادث مرتبط با اواخر حکومت آق‌قویونلوها در ایران پرداخته است و در ادامه قدرت‌گیری شاه اسماعیل و

نبردهای شاه اسماعیل و سلطان سلیم عثمانی را شرح می‌دهد. وی همچنین مطالبی را درباره مرگ شاه اسماعیل و به قدرت رسیدن شاه تهماسب به نگارش درآورده است (آنجلو، ۱۳۸۱: ۲۷۳-۳۸۳). آنجلو بخش‌هایی از نوشته‌های خود را تنها بر اساس شنیده‌ها و به اشتباه مطرح کرده است و در بیشتر موارد نیز منبع شنیده‌های وی مشخص نیست (یوسف جمالی، ۱۳۸۵: ۱۴۰). هرچند که با تمام این اوصاف سفرنامه وی حاوی اطلاعات ارزشمندی درباره سال‌های آغازین حکومت صفویه در ایران است.

۲. سفرنامه بازرگان ونیزی

یکی دیگر از سفرنامه‌های دوره صفوی، سفرنامه تاجر گمنام ونیزی است که سفرش در ایران حدود هشت سال و هشت ماه طول کشید. وی در سفرنامه خود به شرح وقایع مربوط به اواخر دوره حکومت آق‌قویونلو و اوایل حکومت صفوی پرداخته و اطلاعات مفید جغرافیایی را راجع به شهرهای خوی و تبریز به رشته تحریر درآورده است (دانش‌پژوه، ۱۳۸۵: ۷۴-۷۸؛ سفرنامه بازرگان ونیزی در ایران، ۱۳۸۱: ۳۷۵-۴۵۷).

۳. سفرنامه دالساندري

وینچنتو دالساندري در دوره شاه تهماسب به ایران سفر کرد و بیست و یک ماه در کشور حضور داشت. وی مشاهدات خود را در قالب گزارشی تقدیم به نجبای جمهوری ونیز کرده است. از همین رو به نظر می‌رسد که دلیل اصلی مسافرت وی به ایران مأموریت سیاسی بوده است (دالساندري، ۱۳۸۱: ۴۷۹). دالساندري بیش از پرداختن به جغرافیای شهرها و ولایات مختلف ایران در این دوره به شرح احوال، اخلاق و خانواده شاه تهماسب پرداخته است (دانش‌پژوه، ۱۳۸۵: ۷۹). وی در سفرنامه خود سن شاه تهماسب را ۶۴ سال و مدت سلطنت وی را ۵۱ سال معرفی می‌کند (دالساندري، ۱۳۸۱: ۴۶۵)؛ با توجه به آنکه تهماسب در ۱۰ سالگی و در سال ۹۳۰ ه.ق/ ۱۵۲۴ م به سلطنت رسیده، کتاب در حدود سال‌های ۱۵۷۴-۱۵۷۱ م به نگارش درآمده است. نکته حائز توجه آنکه با توجه به تاریخ تولد شاه تهماسب (۱۵۱۴ م/ ۹۱۹ ه.ق)، مشخص می‌شود که دالساندري در محاسبه سن یا مدت پادشاهی وی اشتباه کرده است.

آن طور که از مطالعه سفرنامه دالساندري برمی‌آید وی در آغاز تحت تأثیر شنیده‌های خود از اطرافیان شاه تهماسب قرار داشت و تنها به تعریف و تمجید از وی پرداخته است. هرچند به دلیل



آنکه سفیری کاردان، آگاه و مطلع از مسائل سیاسی بود، به تدریج به وضعیت دربار ایران و شخصیت شاه طهماسب پی برد و از وی طبعی مالیخولیایی ارائه می‌دهد (یوسف جمالی، ۱۳۸۵: ۱۴۱-۱۴۲).

۴. سفرنامه برادران شرلی

یکی از همراهان برادران شرلی این سفرنامه را به نگارش درآورد و ترجمه فارسی آن به قلم «آوانس» و به اهتمام «علیقلی سردار اسعد» نخستین بار در سال ۱۳۳۰ هـ.ق در تهران به چاپ رسید (سفرنامه برادران شرلی، ۱۳۶۲: ۳۴). آنتوان و رابرت شرلی سفیرانی بودند که از طرف حکومت انگلستان نزد شاه عباس اول صفوی آمدند. این دو برادر از مشهورترین سفیران اروپایی در دوره صفویه بودند و در تاریخ مناسبات سیاسی ایران با کشورهای دیگر از شهرت زیادی برخوردار هستند (دانش‌پژوه، ۱۳۸۵: ۸۸). آنتوان شرلی از سوی دولت انگلستان وظیفه داشت که نزد شاه عباس برود، وی را به جنگ با دولت عثمانی برانگیزد و برای بازرگانان انگلیسی امتیازات تجاری کسب کند. شاه عباس، پیشنهادات آنتونی شرلی را به صورت مشروط پذیرفت و برادر کوچکتر وی رابرت شرلی را به عنوان فرمانده دسته‌ای از سپاهیان ایران به جنگ با عثمانی فرستاد. رابرت شرلی به دلیل رشادت‌هایش در این نبرد مورد تکریم شاه عباس قرار گرفت و با دختر یکی از بازرگانان ایرانی ازدواج کرد (دانش‌پژوه، ۱۳۸۰: ج ۱: ۱۳۳-۱۳۴). این دو برادر پیش از شروع جنگ وظیفه آموزش ساخت سلاح‌های گرم و تجهیز سپاه صفوی را بر عهده گرفتند. اروج بیگ بیات (۱۵۶۰-۱۶۰۵م) که نخستین سفیر شاه عباس در اروپا بود، درباره این دو برادر می‌نویسد:

«در این زمان او [سر آنتونی شرلی]، در اروپا شهرت و آوازه‌ای به دست آورده بود و این به واسطه خدماتی بود که در سفر جنگی به کشور هلند تحت فرمان کنت اسکس انجام داده بود. به علاوه به پاداش خدمت او در فرانسه، هانری چهارم به او لقب شوالیه داده بود، گو اینکه این لقب را هیچ‌گاه ملکه الیزابت تأیید نکرد. همچنین، سفری جنگی به هند غربی و متصرفات اسپانیا در آمریکای مرکزی کرد که معروف است. سپس انگلستان را در ۱۵۹۸م (۱۰۰۷ق) به منظور جلب کمک و مداخله در امور دوک فرارا ترک گفت اما این سفر سیاسی بی‌نتیجه ماند... وی و برادرش با بیست و پنج تن انگلیسی دیگر در بندرگاه ونیز در ماه مه ۱۵۹۹م (شوال ۱۰۰۷ق) به کشتی نشستند و به سوی مشرق روانه و... سپس به خاک ایران گام نهادند و به قزوین و از آنجا به اصفهان رفتند در آنجا مورد تفقد و مراحم بسیار شاه عباس بزرگ واقع گشتند» (اروج بیگ، ۱۳۳۸: ۱۴-۱۵).

در این سفرنامه درباره برخی از مسائل اعتقادی و رفتاری ایرانیان ادعاهایی مطرح شده است که یا به صورت سهوی و از سر ناآگاهی نویسنده بوده و یا به نوعی تحریف تاریخی صورت پذیرفته است. این ادعاها در مقدمهٔ مصحح کتاب، علی دهباشی، پاسخ داده شده است (شرلی، ۱۳۶۲: ۱-۳۳).

۵. سفرنامهٔ تکنادر فن دریا بل

پس از حضور برادران شرلی در ایران، شاه عباس به ایجاد ارتباط با سایر کشورهای اروپایی و جلب نظر و حمایت آنان بر ضد حکومت عثمانی علاقه‌مند شد. وی سر آنتوان شرلی را به همراه حسینعلی بیگ به سفارت اروپا فرستاد. پس از حضور آنان در پراگ و ملاقات با رودلف دوم امپراتور آلمان، وی نیز سفیری را با نام «استفان کاکاش فن زالان کمنی» به دربار شاه عباس اعزام کرد. کاکاش به همراه تمام همراهان خود به غیر از منشی مخصوصش در گیلان بیمار شدند و در گذشتند. از همین رو «ژرژ تکنادر فن دریا بل» منشی مخصوص وی مأموریتش را تکمیل کرد و نزد شاه عباس رفت. پس از ملاقات با شاه عباس به اتفاق سفیری از ایران به نام «مهدیقلی بیگ» ایران را به مقصد آلمان ترک و در سال ۱۶۰۵ م گزارش سفر خود را به رودلف تقدیم کرد. وی در ایران به شهرهای قزوین، لنگرود و تبریز سفر کرد و مطالبی را دربارهٔ این شهرها به نگارش درآورده است (فن دریا بل، ۱۳۵۱؛ دانش‌پژوه، ۱۳۸۰، ج ۱: ۱۵۱-۱۵۲).

۶. سفرنامهٔ دن گارسیا دسیلوا فیگوئروا

دن گارسیا، سفیر فیلیپ سوم پادشاه اسپانیا، در دربار شاه عباس اول بود. وی در سال ۱۶۱۴ م، در سن ۵۷ سالگی به دربار شاه عباس اعزام شد و نزدیک به ده سال در ایران و هند اقامت داشت و از این مدت حدود دو سال و هفت ماه را در ایران گذراند. با وجود آنکه این کتاب را مانند سفرنامهٔ برادران شرلی، یکی از همراهان دن گارسیا به رشته تحریر درآورد و هدف از نگارش آن ارائهٔ گزارش سفر به پادشاه اسپانیا بود اما حاوی اطلاعات مفید و جامعی دربارهٔ وضعیت جغرافیایی و اجتماعی برخی از شهرهای ایران است و از این منظر در شناخت تاریخ صفویه اهمیت دارد (دانش‌پژوه، ۱۳۸۰، ج ۱: ۱۶۷-۱۶۸).

دن گارسیا در خلال این سفر از هرمز، لار، شیراز و تخت جمشید، اصفهان، قزوین، قم و ساوه دیدن کرد و مطالبی را دربارهٔ این مناطق، سیما و خلیقات شاه عباس به نگارش درآورد (فیگروا، ۱۳۶۳).

۷. سفرنامه پیترو دل‌واله

پیترو دل‌واله، جهانگرد مشهور ایتالیایی، در سال ۱۵۸۶ م، در رم متولد شد. وی به تحصیل در رشته ادبیات و حقوق پرداخت و بر اساس آداب زمان، شوالیه‌گری آموخت. دل‌واله در نزاع بین پاپ پل پنجم و جمهوری ونیز بر سر مسائل مذهبی، در جرگه هواخواهان پاپ درآمد و با برقراری آشتی، در سال ۱۶۱۱ م به ناوگان جنگی اسپانیا برای جنگ با دزدان دریایی در سواحل آفریقا پیوست. دل‌واله پس از بازگشت به رم گرفتار عشقی نافرجام شد که آینده و سرنوشتش را دگرگون ساخت. وی در سال ۱۰۲۵ ق/ ۱۶۱۷ م از راه قصر شیرین و همدان وارد ایران شد و نزدیک به پنج سال در خدمت شاه ایران بود. در سال ۱۶۲۱ م از اصفهان عازم شیراز و تخت جمشید شد و مشاهدات خود را با جزئیاتی کامل، به رشته تحریر درآورد. دل‌واله در سال ۱۶۲۳ م ایران را به مقصد هند ترک کرد و پس از بیست ماه اقامت در هند به رم بازگشت و در جرگه ملازمان پاپ اوربان هشتم درآمد. دل‌واله در همین ایام به تنظیم و بازنویسی خاطرات سفرش پرداخت (حاجیان‌پور، ۱۳۸۶: ۴۱-۴۴).

وی در این سفرنامه مطالب بسیاری را درباره شهرهای اصفهان، شیراز، کاشان، کردستان، همدان، بهشهر، تهران، سلطانیه، اردبیل و قم به رشته تحریر درآورد (دل‌واله، ۱۳۷۰). اما با وجود آنکه به طور قطع شهرکرمانشاه را نیز دیده، مطلبی را درباره آن به نگارش در نیآورده است (گابریل، ۱۳۴۸: ۱۰۴).

۸. سفرنامه کاتف

فدت آفاناس یویچ کاتف، بازرگان روسی، به قصد تجارت به ایران وارد شد و شرح مشاهدات خود را در سال‌های ۱۶۲۴-۱۶۲۳ م در سفرنامه‌ای کم حجم به رشته تحریر درآورد (دانش‌پژوه، ۱۳۸۵: ۱۳۴). کاتف از سمت روسیه به ایران وارد شده بود و از شهرهای اردبیل، زنجان، سلطانیه، ابهر، قزوین، ساوه، قم، کاشان دیدن کرد و بخش اعظم زمان حضور خود در ایران را در شهر اصفهان اقامت داشت (کاتف، ۲۳۵۶).

۹. سفرنامه استودارت

استودارت از اعضای هیئتی انگلیسی بود که در ۶ ژانویه ۱۶۲۸ م از طریق بندر گمبرون (بندر عباس) وارد ایران شد. این هیئت پس از عبور از شهرهای لار و شیراز به اصفهان رسید و در دهم آوریل همان سال با تشریفات رسمی وارد دربار شاه عباس صفوی گردید. شاه در این زمان، در

اشرف (بهشهر) حضور داشت، از همین رو استودارت به همراه این هیئت انگلیسی در ۳۰ آوریل ۱۶۲۸ م به سمت بهشهر حرکت کردند. از استودارت سفرنامه بسیار کوتاهی به جای مانده که احمد توکلی آن را ترجمه کرده و در جلد هشتم فرهنگ ایران زمین در شصت صفحه به چاپ رسیده است. این سفرنامه به شرح مسافرت‌های وی و همراهانش از این تاریخ به بعد پرداخته و استودارت در خلال آن توصیفات بسیار مختصری را از شهرهای اشرف، تهران، قزوین، لار، شیراز و... ارائه داده است (استودارت، ۱۳۳۹، ج ۸: ۱۶۱-۲۲۰).

۱۰. سفرنامه یان اسمیت

یان اسمیت نخستین سفیر هلند در ایران، تاجر ورشکسته‌ای بود که در سال‌های ۱۶۲۹ تا ۱۶۳۰ م در ایران حضور داشت. وی به شهرهای مختلف ایران مانند بندر گمبرون (بندرعباس)، شیراز، لار، اصفهان سفر کرد و مشاهدات خود را از این شهرها به رشته تحریر درآورد. اسمیت، هنگام مرگ شاه عباس در سال ۱۶۲۹ م در ایران حضور داشت و وضعیت جامعه ایران را در آن ایام شرح داده است (اولین سفرای ایران و هلند، ۱۳۵۶: ۵۷-۱۱۳).

۱۱. سفرنامه تاورنیه

ژان باتیست تاورنیه فرانسوی، یکی از بزرگترین سیاحان قرن هفدهم میلادی است. وی شش بار به ایران مسافرت کرد و مدت زمان طولانی را در ایران به سر برد. غالب سفرنامه‌نویسان این دوره مأمورانی هستند که از طرف دولت متبوع خود و برای برقراری ارتباطات سیاسی به ایران سفر کرده‌اند و تمامی مخارج سفر آنان از پیش تأمین شده است. این افراد در محل مأموریت و حتی در طول مسیر نیز غالباً مورد احترام و اعزاز قرار می‌گرفتند. از همین رو، سفرنامه‌های آنان بیشتر با پیش زمینه‌های سیاسی تدوین شده و بیشتر آنان به طور جامع و کامل به تشریح وضعیت اجتماعی مردم ایران پرداخته‌اند. اما افرادی مانند تاورنیه که با هزینه شخصی و به دلیل علاقه فردی رهسپار سرزمین‌های دور شده‌اند، با نگرشی عمیق‌تر به آن سرزمین و مردمان آن نظاره کرده‌اند و نگرش آنان چندان معطوف به کسب درآمد (مانند بازرگانان) و یا حتی مصلحت‌ها و منافع سیاسی نبوده است. به طور کلی، می‌توان گفت که تاورنیه در شناساندن ایران به مردم فرانسه و دیگر مردمان مغرب زمین سهم بسیار پررنگی داشته است (دانش‌پژوه، ۱۳۸۰، ج ۱: ۱۱۷؛ دانش‌پژوه، ۱۳۸۵: ۱۵۳).

سفرنامه تاورنیه در قالب پنج کتاب در یک مجلد، با ترجمه ابوتراب نوری و تصحیح حمید شیرانی

در سال ۱۳۳۶ ه.ش به چاپ رسیده است. کتاب نخست این سفرنامه درباره راه‌های مختلفی است که به شهر اصفهان ختم می‌شوند. نویسنده در این بخش به توصیف شهرهای تبریز، زنجان، سلطانیه، اردبیل، قزوین، کرمان و... کاروانسراهای موجود در اطراف این شهرها و مسکوکات رایج در ایران پرداخته است. بیشتر مطالب موجود در کتاب‌های دوم و سوم درباره شهرها و مناطق مرزی اطراف ایران است و برای پژوهش در زمینه تاریخ و جغرافیای ایران اهمیت کمتری دارد. کتاب چهارم این مجلد، بخش اصلی و مهم آن، که تاورنیه در این بخش، ابتدا به تقسیم‌بندی و معرفی ایالات ایران می‌پردازد و انواع گل‌ها، میوه‌ها، حیوانات، ماهی‌ها و طیور ایران را توصیف می‌کند. وی در ادامه وضعیت شهر اصفهان را تشریح کرده و به بررسی آداب و رفتار مسلمانان و سایر اقلیت‌های مذهبی ساکن در ایران و به ویژه اصفهان می‌پردازد. کتاب پنجم این سفرنامه نیز درباره نژاد و تاریخ حکومت صفویه و وضعیت سیاسی و اجتماعی ایران در این دوره است (تاورنیه، ۱۳۳۶).

۱۲. سفرنامه اولتاریوس

آدام اولتاریوس یکی از اعضای هیئت بیست و پنج نفره دولت آلمان در ایران بود که با هدف برقراری مناسبات تجاری با دولت صفوی (به ویژه تجارت ابریشم) به ایران اعزام شده بودند. وی به زبان‌های فارسی و ترکی آشنایی داشت و به عنوان مشاور و منشی این هیئت فعالیت می‌کرد. اولتاریوس در حدود یک سال و نیم در ایران حضور داشت (۱۶۳۷-۱۶۳۶ م) و پس از بازگشت به آلمان شرح مشاهدات خود را به نگارش درآورد. در این دوره میزان علاقه و تسلط وی به زبان فارسی تا حدی افزایش پیدا کرد که توانست گلستان سعدی را برای نخستین بار به زبان آلمانی ترجمه کند (دانش‌پژوه، ۱۳۸۵: ۱۸۱-۱۸۲). اولتاریوس از گیلان، اردبیل، سلطانیه، قزوین، قم، کاشان و اصفهان دیدن کرد و به بررسی معتقدات، آداب و رسوم، آموزش و پرورش، ازدواج و طلاق، خوراک و پوشاک مردم ایران در این شهرها پرداخته و از این منظر در شناخت دوره صفویه حائز اهمیت است (اولتاریوس، ۱۳۸۵).

۱۳. سفرنامه شاردن

ژان شاردن، سیاح و سفرنامه‌نویس مشهور فرانسوی (۱۷۱۳-۱۶۴۳ م) دو بار به ایران سفر کرد و در مجموع نزدیک به ده سال در ایران حضور داشت. وی که فرزند یک جواهرفروش فرانسوی بود بار نخست به عزم خرید جواهر، به دربار شاه عباس دوم آمد و نزدیک به شش سال در ایران زندگی کرد. او در آن روزها زبان فارسی را به خوبی آموخت و اوضاع سیاسی، اجتماعی، تاریخی و نظامی

ایران را مطالعه کرد. همچنین نقاشی که همراه با او به ایران مسافرت کرده بود از مناظر دیدنی ایران مانند تخت جمشید و از لباس‌های مردمان ایران تصویر برداشت. شاردن هنگام تاجگذاری شاه سلیمان صفوی در ایران (۱۶۶۶ م) حضور داشت و پس از بازگشت به فرانسه شرح مشاهدات خود را در سال ۱۶۷۱ م منتشر کرد. وی بار دیگر در سال ۱۶۷۳ م به ایران بازگشت و در حدود چهار سال در دربار صفوی حضور داشت. شاردن با آنکه در سفرهای خود به ایران بیشتر اوقات خود را در اصفهان گذراند اما دقت نظر او در ثبت و ضبط مشهوداتش در مسیر سفر باعث شده است تا کتاب وی تبدیل به یکی از مهم‌ترین سفرنامه‌های تاریخ ایران شود (دانش‌پژوه، ۱۳۸۰، ج ۱: ۲۴۵).

سفرنامه شاردن در پنج جلد به چاپ رسیده و به نوعی دانشنامه اجتماعی و سیاسی مردم ایران در دوره صفوی است. این سفرنامه حاوی اطلاعات بسیار مهمی درباره آداب و رسوم، حیوانات و گیاهان، پوشاک، علوم مختلف، ساختار آموزشی، اقتصادی و نظامی، ورزش‌ها و بازی‌ها، نوشیدنی‌ها و خوراک‌ها، افسانه‌ها و داستان‌های رایج، وضعیت اقلیت‌های مذهبی و... ایرانیان در این دوره است (شاردن، ۱۳۷۲-۱۳۷۵: ج ۱-۵).

۱۴. سفرنامه آندره دلند (زیبایی‌های ایران)

آندره دولیه دلند از همراهان تاورنیه در سفر پنجم او به ایران بود. وی نیز سال‌ها بعد (۱۶۷۳ م) خاطرات سفر خود به ایران را در قالب سفرنامه‌ای کوتاه به نام «زیبایی‌های ایران» به رشته تحریر درآورد. آندره دلند شهرهای تبریز، قزوین، ساوه، قم، کاشان، اصفهان، لار، شیراز و بندرعباس را دید و افزون بر توصیف مشاهدات خود از وضعیت اجتماعی و طبیعی این شهرها، تصاویری را نیز از مناظر مختلف ایران نقاشی کرده است (دولیه دلند، ۲۵۳۵؛ دانش‌پژوه، ۱۳۸۵: ۲۵۹-۲۶۰).

۱۵. سفرنامه سانسون

سانسون به عنوان یکی از اعضای هیئت مبلغین مذهبی (میسونر مذهبی) در سال ۱۶۸۳ م به دربار شاه سلیمان صفوی اعزام شد. وی به محض ورود به ایران به یادگیری زبان‌های ارمنی، ترکی و فارسی پرداخت و در اوقات فراغت خود درباره آداب و اخلاق، وضعیت اجتماعی و پیشینه تاریخی ایران مطالعه و تحقیق می‌کرد. سانسون بیش از سه سال در ایران حضور داشت و پس از بازگشت به کشورش، به دستور شاه فرانسه خاطرات سفر خود را به رشته تحریر درآورد. وی در این سفرنامه به توصیف شاه، حرمسرا، وزرا و صاحب منصبان نظامی و حکومتی می‌پردازد (سانسون، ۱۳۴۶).

۱۶. سفرنامه کمپفر

انگلبرت کمپفر، کشیش زاده آلمانی، در سال ۱۶۸۳ م به عنوان منشی و طبیب هیئتی تجاری، از دربار کارل یازدهم پادشاه سوئد، عازم ایران شد. وی در سال ۱۶۸۴ م به اصفهان رسید و نزدیک به بیست ماه در ایران اقامت داشت. مسافرت وی به ایران تقریباً همزمان با سانسون فرانسوی و در دوران حکومت شاه سلیمان صفوی رقم خورد. سفرنامه وی در سال ۱۷۱۲ م در نهمصد صفحه به چاپ رسید، اما تنها بخش‌های مرتبط با ایران در این سفرنامه به زبان فارسی ترجمه شده است. در این ترجمه کمپفر در شانزده فصل به شرح تاجگذاری شاه سلیمان و شخصیت وی، وضعیت قشون، وزارت، مستوفی‌گری، روحانیون، دربار، بیوتات سلطنتی، شهر اصفهان، کاخ‌ها و باغ‌های آن پرداخته است (کمپفر، ۱۳۶۳: ۴، ۹-۱۰؛ دانش‌پژوه، ۱۳۸۰، ج ۱: ۲۷۲-۲۷۳).

۱۷. سفرنامه کاری

جملی کاری جهانگرد ایتالیایی، در زمان حکومت شاه سلیمان صفوی به ایران مسافرت کرد و تا دوران حکومت شاه سلطان حسین در ایران حضور داشت. کاری در سال ۱۶۹۴ م / ۱۱۰۵ ه.ق از طریق جلفا به ایران وارد شد و شهرهایی چون تبریز، قم، اصفهان و شیراز را دید. وی در این سفرنامه به وصف وضعیت اجتماعی و جغرافیایی این شهرها و مراسم تاجگذاری شاه حسین پرداخت و وضعیت دینی و مذهبی مسلمانان و اقلیت‌های مذهبی، آب و هوا، گل‌ها، حیوانات، میوه‌ها، پول، اسلحه، معادن، مراسم ازدواج، سوگواری و پوشاک ایرانیان را مورد بررسی قرار داده است (کاری، ۱۳۸۳).

کاری در فصل نهم کتاب خود کامل‌ترین و جامع‌ترین توصیف را از وضعیت تخت‌جمشید در دوره صفوی ارائه داده است و این بنا را ارزشمندتر و با شکوه‌تر از آثار به جای مانده از روم باستان و اهرام مصر می‌داند (همان: ۱۸۰-۱۸۹).

۱۸. سفرنامه فیدالگو: گزارش سفیر کشور پرتغال در دربار شاه سلطان حسین صفوی

ایرانیان در زمان حکومت شاه عباس توانستند نیروهای نظامی پرتغال را از بنادر و جزایر جنوبی ایران مانند بندر عباس و جزیره هرمز بیرون کنند و نفوذ این کشور استعمارگر در جنوب کشور را از بین ببرند. با وجود این، پرتغالی‌ها برای حفظ ارتباط تجاری با ایران و به دلیل وجود دشمنی مشترک به نام عثمانی، تلاش داشتند تا ارتباط خود را با ایران حفظ کنند. از همین رو معاهده تجاری جدیدی با ایران منعقد شد و مطابق با این معاهده بندر کنگ برای استفاده بازرگانان پرتغالی

مفتوح باقی ماند. در همین راستا سفیری از پرتغال با نام «گرگوریو پیرا فیدالگو» به عنوان نماینده نایب السلطنه گوا (هندوستان) و مشاور پادشاه پرتغال در سال ۱۶۹۶ م به ایران آمد و مدتی را در بندر کنگ اقامت کرد. وی شرح مشاهدات خود را در قالب گزارشی تقدیم پادشاه پرتغال نمود. ژان اوبن این گزارش را نخست به زبان فرانسوی و بعداً پروین حکمت به فارسی ترجمه کردند. فیدالگو از بندر کنگ، لار، کازرون، شیراز و اصفهان دیدن کرد و در سفرنامه خود توصیفات را درباره این شهرها ارائه داده است (فیدالگو، ۲۵۳۷؛ دانش‌پژوه، ۱۳۸۵: ۳۲۲-۳۲۳).

۱۹. سفرنامه ماری کلود پوتی: سفیر زیبا

ماری کلود پوتی از زنان اسرارآمیز و ماجراجوی تاریخ فرانسه در دوران حکومت لویی چهاردهم است. وی در پاریس قمارخانه‌ای پر رونق و مشهور داشت، با شنیدن وصف زیبایی‌های افسانه‌آمیز مشرق زمین و دیدنی‌های شگفت‌انگیز ایران، تصمیم به فروش تمام دارایی خود و سفر به ایران گرفت. ماری کلود پوتی در سال ۱۷۰۵ م در قالب یک هیئت فرانسوی و با پوشیدن لباس‌های مردانه عازم ایران گردید. این هیئت در ژانویه ۱۷۰۶ م به شهر ایروان که آن روزها بخشی از خاک ایران بود وارد شد. وی به تدریج توانست با درایت و ذکاوت خود سرپرستی این هیئت را بر عهده بگیرد (گرس، ۱۳۷۰: ۹-۱۰؛ دانش‌پژوه، ۱۳۸۰، ج ۱: ۲۹۸-۲۹۹).

ایون گرس مشاهدات و خاطرات وی را سال‌ها بعد به صورت داستان به نگارش درآورد؛ علی‌اصغر سعیدی این کتاب را به زبان فارسی بازگردانی کرد. در این کتاب مطالب بسیاری درباره وضعیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شهرهای تبریز و اصفهان آمده است (گرس، ۱۳۷۰: ۱۷۰-۲۷۰).

۲۰. سفرنامه کروسینسکی

تادوز یودا کروسینسکی کشیش لهستانی که مدت هجده سال در دربار حکومت صفوی حضور داشت و سقوط این سلسله را از نزدیک مشاهده کرده است. وی از مبلغین مذهبی بود که به نمایندگی از پاپ در سال ۱۷۰۷ م به دربار شاه سلطان حسین صفوی اعزام شد و در دوران حکومت محمود و اشرف افغان در ایران حضور داشت. از این رو، سفرنامه وی برای شناخت وضعیت سیاسی و اجتماعی ایران در این دوران منبعی بسیار مهم و حائز اهمیت است. کروسینسکی در آن روزها از شهرهای اصفهان، کرمان، شیراز، قزوین و کاشان دیدن کرد و مشاهدات خود را به نگارش درآورد (دوسرسو، ۱۳۶۳).

۲۱. سفرنامه احمد درّی

نزدیک به یک سده پس از امضای قرارداد صلح میان شاه صفی و سلطان مراد چهارم_عهدنامه زهاب ۱۰۴۹ هـ.ق_، با ضعیف شدن دولت ایران در عهد شاه سلطان حسین صفوی حکومت عثمانی به فکر گرفتن امتیازهای بیشتر از دولت صفوی افتاد. از این رو، در سال ۱۱۳۳ هـ.ق احمد درّی مأموریت پیدا کرد تا به دربار صفوی بیاید و مقدمات قرارداد تجاری و ترانزیتی جدیدی را فراهم کند. اگر چه به اعتقاد بسیاری از پژوهشگران هدف اصلی درّی از این سفر بررسی وضعیت سیاسی و اجتماعی ایران و تهیه گزارشی برای دربار عثمانی بوده است. درّی در این سفرنامه اشاراتی به مناطق غربی ایران و اصفهان داشته اما این اشارات به صورت کلی بوده است و اطلاعات جدیدی را به خواننده منتقل نمی‌کند. تنها نکته جالب و حائز اهمیت در سفرنامه درّی آن است که وی در همین دوران به آبادانی شهرهای مختلف ایران اشاره و سقوط دولت صفوی را پیش‌بینی کرده است (غروب دولت صفویه (سفرنامه احمد درّی)، ۱۳۶۸: ۴۹-۹۸؛ دانش‌پژوه، ۱۳۸۵: ۳۷۲-۳۷۳).

نتیجه‌گیری

به طور کلی از بررسی‌های پژوهش حاضر می‌توان به نتایج زیر دست پیدا کرد:

۱. کثرت تعداد سفرنامه‌های دوره صفوی حکایت از رونق حضور گردشگران و مأموران سیاسی اروپایی در ایران دارد. در این دوران تعداد زیادی از سیاحان اروپایی با اهداف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به ایران مسافرت و شرح مشاهدات خود را در قالب سفرنامه یا گزارش گردآوری کرده‌اند.
۲. پژوهش حاضر بیست و یک سفرنامه دوره صفوی را شناسایی، مورد بررسی و واکاوی قرار داده که از این تعداد بیست مورد متعلق به سیاحان اروپایی و یک مورد متعلق به مأموری از کشور عثمانی است.
۳. از بیست و یک جهانگرد مطرح دوره صفوی، پنج نفر ایتالیایی، پنج نفر فرانسوی، سه نفر آلمانی و دو نفر انگلیسی هستند و از هرکدام از کشورهای اسپانیا، پرتغال، لهستان، روسیه، هلند و عثمانی یک نفر به ایران مسافرت کرده است. هرچند که می‌بایست این نکته را نیز مد نظر قرار داد که کمپفر آلمانی از طرف دولت سوئد و کروسینسکی لهستانی از طرف پاپ به ایران اعزام شده بودند.
۴. به طور کلی اهداف سیاسی و تجاری از دلایل اصلی حضور این جهانگردان در ایران بوده است و سیاحت و اهداف مذهبی در مرتبه بعدی قرار می‌گیرد.
۵. مشخصات کلی سفرنامه‌نویسان دوره صفوی به شرح ذیل است:

ردیف	نام	ملیت	دلیل سفر
۱	آنجلو	ونیز (ایتالیا)	تجاری- سیاسی
۲	بازرگان گمنام	ونیز (ایتالیا)	تجاری
۳	دالساندری	ونیز (ایتالیا)	سیاسی
۴	برادران شرلی	انگلیس	سیاسی
۵	تکنادر فن دریا بل	آلمان	سیاسی
۶	فیگوئرا	اسپانیا	سیاسی
۷	دلاواله	ایتالیا	سیاسی
۸	کاتف	روسیه	تجاری
۹	استودارت	انگلیس	سیاسی
۱۰	یان اسمیت	هلند	سیاسی
۱۱	تاورنیه	فرانسه	سیاحتی - تجاری
۱۲	اولثاریوس	آلمان	تجاری
۱۳	شاردن	فرانسه	تجاری
۱۴	آندره دلند	فرانسه	سیاحتی - تجاری
۱۵	سانسون	فرانسه	سیاسی - مذهبی
۱۶	کمپفر	آلمان (از طرف دولت سوئد)	تجاری
۱۷	کاری	ایتالیا	سیاحتی
۱۸	فیدالگو	پرتغال	سیاسی
۱۹	کلود پوتی	فرانسه	سیاسی
۲۰	کروسینسکی	لهستان (از طرف پاپ)	سیاسی - مذهبی
۲۱	احمد دری	عثمانی	سیاسی

کتابنامه

- آنجلو، جووان ماریا. (۱۳۸۱). «سفرنامه آنجلو». سفرنامه‌های ونیزیان در ایران (شش سفرنامه). ترجمه منوچهر امیری. چ ۲. تهران: خوارزمی. صص ۲۸۳-۳۷۴.
- استودارت. (۱۳۳۹). «سفرنامه (ترجمه احمد توکلی)». فرهنگ ایران زمین. صاحب امتیاز ایرج افشار. ج ۸. چاپ دوم از جلد اول تا بیستم ۱۳۵۳-۱۳۳۲. تهران: بنیاد نوشیروانی. صص ۱۶۱-۲۲۰.
- اولثاریوس، آدام. (۱۳۸۵). سفرنامه آدام اولثاریوس: ایران عصر صفوی از نگاه یک آلمانی. ترجمه و حواشی احمد بهپور. تهران: انتشارات ابتکار نو.
- اولین سفرای ایران و هلند. (۱۳۵۶). ترجمه و نگارش ویلم فلور. به کوشش داریوش مجلسی و حسین ابوتراییان. تهران: کتابخانه طهوری. صص ۵۷-۱۱۳.
- دالساندری، وینچنتو. (۱۳۸۱). «سفرنامه وینچنتو دالساندری». سفرنامه‌های ونیزیان در ایران (شش سفرنامه). ترجمه منوچهر امیری. چ ۲. تهران: خوارزمی. صص ۴۵۹-۴۷۹.
- تاورنیه، ژان باتیست. (۱۳۳۶). سفرنامه تاورنیه. ترجمه ابوتراب نوری. تصحیح حمید شیرانی. چ ۲. ج ۵-۱. تهران: انتشارات کتابخانه سنائی.
- حاجیان پور، حمید. (۱۳۸۶). «سفرنامه‌ها و ادبیات سفرنامه‌ای اروپاییان عصر صفوی: پیترو دلاواله». تاریخ اسلام در آینه پژوهش. سال ۴. ش ۳. صص ۳۱-۵۲.
- حاجیان پور، حمید؛ جوادی، رقیه. (۱۳۹۵). «بررسی شناخت مفاهیم هنر معماری اصفهان در سفرنامه‌های عصر صفوی و چگونگی انتقال آنها به اروپا؛ مطالعه موردی سفرنامه‌های دلاواله، تاورنیه، شاردن، سانسون»، پژوهشنامه تاریخ محلی ایران. سال ۴. ش ۸. صص ۲۹-۴۰.
- دانش پژوه، منوچهر. (۱۳۸۵). بررسی سفرنامه‌های دوره صفوی، اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.
- _____ (۱۳۸۰). سفرنامه. ج ۱. تهران: نشر ثالث.
- دلاواله، پیترو. (۱۳۷۰). سفرنامه پیترو دلاواله: قسمت مربوط به ایران. ترجمه شجاع‌الدین شفا. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- دوسرسو، ژان آنتوان. (۱۳۶۳). سفرنامه کروسینسکی: یادداشت‌های کشیش لهستانی عصر صفوی (۱۷۰۷-۱۷۲۵م). ترجمه عبدالرزاق دنبلی. مقدمه و تصحیح مریم میراحمدی. تهران: نشر توس.
- دولیه دلند، آندره. (۲۵۳۵). زیبایی‌های ایران. ترجمه محسن صبا. تهران: انجمن دوستداران کتاب.
- رازنهان، محمد حسن؛ شیردل، تقی. (۱۳۹۶). «بازتاب تقدیرگرایی و مؤلفه‌های آن در سفرنامه‌های عصر صفوی». فصلنامه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی. دوره ۸. ش ۲۹. صص ۱۱۹-۱۴۳.
- رمضان نرگسی، رضا. (۱۳۹۰). «بررسی انتقادی شش سفرنامه مهم اروپایی دوره صفوی». ماهنامه معرفت، سال ۲۰. ش ۱۱. صص ۱۱۹-۱۳۸.
- رهبر، ایلناز؛ اسعدی، هومان؛ گاژا، رامون. (۱۳۸۹). «سازهای موسیقی دوره صفوی به روایت کمپفر و

- شاردن، مقایسه‌ای تطبیقی در بخش سازشناختی از سفرنامه کمپفر و شاردن». هنرهای نمایشی و موسیقی. دوره ۲. ش ۴۱. صص ۲۳-۳۲.
- سانسون. (۱۳۴۶). *سفرنامه سانسون*. ترجمه تقی تفضلی. تهران: کتابخانه ابن سینا.
- «سفرنامه بازرگان ونیزی در ایران». (۱۳۸۱). *سفرنامه‌های ونیزیان در ایران (شش سفرنامه)*. ترجمه منوچهر امیری. چ ۲. تهران: خوارزمی. صص ۳۷۵-۴۵۸.
- *سفرنامه برادران شرلی*. (۱۳۶۲). ترجمه آوانس. به کوشش علی دهباشی. تهران: انتشارات نگاه.
- شاردن، ژان. (۱۳۷۲-۱۳۷۵). *سفرنامه شاردن*. ترجمه اقبال یغمایی. ج ۱-۵. تهران: انتشارات توس.
- شورمیچ، محمد. (۱۳۹۳). «خلیج فارس از منظر نه سفرنامه‌نویس اروپایی عصر صفویه». *فصلنامه مطالعات فرهنگی و سیاسی خلیج فارس*. سال ۱. ش ۱. صص ۵۷-۷۲.
- عادل، پرویز. (۱۳۸۳). «سفرنامه‌های ونیزیان در ایران: نگرش و نگارش». *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*. سال ۸. ش ۸۸-۸۹. صص ۹۰-۹۷.
- علیمحمدی، ساناز. (۱۳۸۹). «نگاهی بر سفرنامه‌نویسی و استفاده از آنها به عنوان منابع تاریخی: سفرنامه‌ها و تاریخ‌نگاری ایرانی». *روزنامه رسالت*. یکشنبه ۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۹. سال ۲۵. ش ۶۹۷۴.
- «غروب دولت صفویه (سفارت‌نامه احمد دری)». (۱۳۶۸). *سفارت‌نامه‌های ایران: گزارش‌های مأموریت سفیران عثمانی در ایران*. تألیف محمد امین ریاحی. تهران: انتشارات توس. صص ۴۹-۹۸.
- فن دریابل، ژرژ تکنادر. (۱۳۵۱). *ایترپرسیکوم*. ترجمه محمود تفضلی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- فیدالگو، گرگوریو پیرا. (۲۵۳۷). *گزارش سفیر کشور پرتغال در دربار شاه سلطان حسین صفوی*. ترجمه پروین حکمت. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- فیگروآ، گارسیا دسیلوا. (۱۳۶۳). *سفرنامه دن گارسیا دسیلوا فیگوئروا سفیر اسپانیا در دربار شاه عباس اول*. ترجمه غلامرضا سمیعی. تهران: نشر نو.
- کاتف، فدت آفاناس یویچ. (۲۵۳۶). *سفرنامه کاتف*. ترجمه محمد صادق همایون‌فرد. تهران: کتابخانه ملی ایران.
- کارری، جملی. (۱۳۸۳). *سفرنامه کارری*. ترجمه عباس نججوانی و عبدالعلی کارنگ. چ ۲. تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- کرمی، سمیه؛ مخبر دزفولی، فهیمه؛ عالم زاده، هادی. (۱۳۹۶). «وضع آموزشی بانوان دربار صفوی بر اساس سفرنامه‌ها و نگاره‌ها». *پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی*. سال ۵۰. ش ۲. صص ۲۳۳-۲۵۶.



- کمپفر، انگلبرت. (۱۳۶۰). *سفرنامه کمپفر*. ترجمه کیکاووس جهان‌داری. چ ۳. تهران: انتشارات خوارزمی.
- گابریل، آلفونس. (۱۳۴۸). *تحقیقات جغرافیایی راجع به ایران*. ترجمه فتحعلی خواجه نوری. تهران: ابن سینا.
- گرس، ایون. (۱۳۷۰). *سفیر زیبا: سرگذشت و سفرنامه فرستاده فرانسه در دربار شاه سلطان حسین صفوی*. ترجمه علی اصغر سعیدی. تهران: انتشارات تهران.
- موسوی‌دالینی، جواد؛ مودت، لیلا؛ موسوی، سیده طاهره، طباطبایی، سید حسین. (۱۳۹۵). «تحلیلی بر مردم‌نگاری جامعه ایرانی عصر صفوی به روایت سیاحان فرنگی». *مطالعات تاریخ فرهنگی*. سال ۷. ش ۲۸. صص ۱۲۳-۱۵۲.
- میراحمدی، مریم. (۱۳۶۸). «اهمیت تاریخی سفرنامه‌های ایران (۱۹۰۰-۱۴۰۰م)». *تحقیقات تاریخی*. سال ۱. ش ۳. صص ۴۹۵-۵۳۲.
- یوسف جلالی، محمد کریم. (۱۳۸۵). «نقد و بررسی سفرنامه‌های ونیزیان در ایران». *فصلنامه تاریخ*. سال ۱. ش ۱. صص ۱۲۶-۱۵۱.

مناظر طبیعی چشمه‌ناز و نک (شهرستان سمیرم)

حسن داداشی آرانی^۱

چکیده

رودخانه و چشمه‌ناز و نک یکی از جذاب‌ترین مکان‌های شهرستان سمیرم و در یک منطقه کوهستانی در میان رشته کوه‌های زاگرس واقع شده است و جزو مناطق سردسیر استان اصفهان محسوب می‌شود. سرشاخه‌های رودخانه کارون در این حوزه قرار و پوشش گیاهی متنوعی دارد. آب و هوای این منطقه معتدل تا سرد است. رودخانه و چشمه‌ناز در فاصله ۱۰ کیلومتری جنوب غربی شهر و نک قرار دارد. شهر و نک و چشمه‌ناز در دامنه‌های شمالی کوه دالان واقع است. آب چشمه‌ناز شفاف و زلال است و پس از جاری شدن به یک رودخانه محلی کم عرض و کم عمق، به طول چند کیلومتر به نام رودخانه آب و نک می‌پیوندد. عرض و عمق رودخانه کم است. کوه‌های اطراف شهر و نک را سنگ‌های رسوبی تشکیل می‌دهند و ناهمواری‌ها و دره‌های ایجاد شده در اثر فرآیندهای زمین‌ساختی و فرسایشی در این سنگ‌ها چشم‌انداز زیبایی را به منطقه داده است که نظر هر بیننده‌ای را به خود جلب می‌کند. مناظر طبیعی منطقه محیط‌های مناسبی برای فعالیت‌های علمی، ورزشی، تفریحی و اقتصادی هستند. این پژوهش بر اساس منابع کتابخانه‌ای و بر مبنای روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است.

کلید واژگان: چشمه‌ناز، رودخانه، و نک، سمیرم، مناظر طبیعی.

مقدمه

مناظر و چشم‌اندازهای طبیعی سطح زمین در هر منطقه میراث طبیعی آن را تشکیل و تاریخچه تغییرات را در طول زمان بر سطح زمین نشان می‌دهند. ایران با داشتن اقلیم‌های گوناگون و جاذبه‌های طبیعی فراوان و متنوع به عنوان کشوری چهار فصل با طبیعت و چشم‌اندازهای زیبا در جهان شناخته شده است. بوستان‌های طبیعی و ملی، رشته کوه‌های بلند و کشیده مانند زاگرس و البرز در غرب و شمال کشور با مناظر متنوع و جذاب نمونه‌ایی از میراث طبیعی گرانبهای ایران هستند. جاذبه‌های گردشگری جغرافیایی عبارتند از: رودخانه‌ها، چشمه‌ها، کوه‌ها و آبشارها. چشم‌اندازهای طبیعی اغلب پدیده‌هایی زمین‌شناسی با اشکال متفاوت هستند که طی فرایندهای مختلف از جمله شرایط اقلیمی و نوع فرسایش سنگ‌ها به وجود می‌آیند. شهرستان سمیرم با رودخانه‌ها و چشمه‌های طبیعی متعدد در امتداد رشته کوه‌های زاگرس در یک منطقه کوهستانی در جنوب استان اصفهان قرار دارد (شفیعی، ۱۳۸۱: ۹). مهم‌ترین ارتفاعات آن رشته کوه‌های دینار (قله دنا) در جنوب و کوه‌های علی جوق، کوه سیاه، بوه روز، چال قفا و سورمند است. پوشش گیاهی منطقه عمدتاً شامل استپ‌های کوهی، علفزارها و درختان جنگلی است و مراتع آن برای پرورش دام بسیار مناسب‌اند. رودخانه ماربر^۱ از رودخانه‌های دائمی منطقه در حوضه خلیج فارس و دریای عمان با طول ۶۰ کیلومتر از ارتفاعات ۲۷۰۰ تا ۲۸۰۰ متری سرچشمه می‌گیرد و با شیبی در حدود ۱/۵ درصد به سمت شمال غرب جریان دارد و پس از پیوستن به رود حسن آباد (کال حسن آباد) از رودخانه‌های فصلی به طول ۱۳ کیلومتر و رود تنگ ریگان با عبور از دامنه‌های شمالی کوهستان دنا در ۳۳ کیلومتری جنوب غرب سمیرم به رودخانه سمیرم می‌ریزد (جعفری، ۱۳۸۴، ج ۲: ۴۷۴). بارش سالیانه سمیرم حدود ۳۰۰ میلی‌متر به صورت برف، باران و تگرگ است و با ایجاد روان آب‌های سطحی، رودخانه‌ها و چشمه‌های متعدد تشکیل می‌شوند. شهرستان سمیرم در جنوب غربی استان اصفهان با مختصات جغرافیایی ۵۱ درجه و ۱۷ دقیقه تا ۳ دقیقه طول شرقی و ۳۰ درجه و ۴۲ دقیقه تا ۳۱ درجه و ۵۱ دقیقه عرض شمالی و با ارتفاع متوسط ۲۴۰۰ متر از سطح دریا، بین چهار استان اصفهان، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد و فارس در حاشیه جنوب شرقی رشته کوه‌های زاگرس واقع شده است و رشته کوه‌های دنا به صورت حصاری در غرب و جنوب غربی آن قرار دارد. سمیرم منطقه‌ای کوهستانی با آب و هوای معتدل و زمستان سخت است؛ به طوری که گاهی در اثر بارش زیاد برف راه‌های منطقه مسدود می‌شود. آب آن از رودخانه سمیرم، رودخانه حنا، رودخانه

گندمان و رودخانه شمس آباد است، کلیه این رودها به رود خرسان و آن نیز به رود کارون می‌ریزد. عمق رودخانه چشمه ناز کم اما در برخی جاها و نزدیک چشمه به حدود ۲ متر می‌رسد.

مهم‌ترین کوه‌ها در جنوب کوه دینار واقع است که عبارتند از: کوه بهروز و الجوق در شمال سمیرم، کوه چالقا و ابوساقي در باختر، کوه بابک در جنوب و کوه سینا که سمیرم در جنوب آن واقع شده است. کوه‌ها از سنگ‌های رسوبی دانه ریز تا دانه درشت تشکیل شده‌اند و شامل سنگ‌های آهکی روشن، آهک‌های دولومیتی، مارن‌های رنگارنگ، ماسه سنگ و کنگلومرای قرمز است. ناهمواری‌ها و دره‌ها در اثر فرآیندهای زمین‌ساختی و فرسایشی ایجاد شده‌اند.

معرفی شهر ونک

شهر ونک در بخش مرکزی شهرستان سمیرم استان اصفهان قرار دارد. شهر ونک با مختصات ۵۱ درجه و ۲۵ دقیقه طول شرقی و ۳۱ درجه و ۳۲ دقیقه عرض شمالی، در جنوب غربی استان اصفهان و در دامنه ارتفاعات زاگرس مرکزی قرار گرفته است. ونک تا شهر اصفهان، از طریق شهرهای سمیرم و شهرضا حدود ۱۹۰ کیلومتر فاصله و در فاصله حدود ۳۰ کیلومتری غرب سمیرم قرار دارد. آب و هوای آن معتدل کوهستانی است. در اطراف ونک کوه دالان به ارتفاع ۳۴۹۲ متر قرار دارد. رودخانه و چشمه ناز از ارتفاعات کوه دالان سرچشمه می‌گیرد و با پیوستن به رودخانه شمس آباد به یکی از سرشاخه‌های مهم کارون تبدیل می‌شود. چشمه ناز، تنگ ده، تنگ دالان و منطقه شمس آباد، کوه‌های مرتفع همراه با باغ‌ها و جنگل‌های انبوه، منطقه گردشگری و طبیعی زیبایی را ساخته است.

ونک ۲۰۷۰ متر بالاتر از سطح دریا قرار دارد و در طول جغرافیایی ۱۹،۵۱ و عرض جغرافیایی ۳۱،۳۱ واقع است (پاپلی یزدی، ۱۳۶۷: ۵۷۸). ونک جزو شهرستان سمیرم (سمیرم علیا)، ناحیه‌ای کوهستانی با گردنه‌های بسیار است که کوه دینار از جنوب آن می‌گذرد. شعبه‌هایی از رودخانه خرسان از ریزابه‌های کارون از آن می‌گذرند. ونک در ۴۶ کیلومتری شمال غرب سمیرم است (مصاحب، ۱۳۸۳، ج ۱، بخش اول: ۱۳۴۵).

ونک از شمال به شهرستان بروجن، از جنوب به شهرستان یاسوج، از شرق به شهرستان سمیرم و از غرب به شهرستان لرکون بچه دگان با مساحت ۵۰۰ کیلومتر مربع محدود می‌گردد. شهر ونک را می‌توان به دلیل وجود هوای بسیار مطبوع در فصل بهار و تابستان، دور بودن از دود، دم و آلودگی شهرهای بزرگ و همچنین وجود مناظر طبیعی، بکر و بی‌نظیر مانند کوه‌ها، دره‌های تنگ و سرسبز و چشمه‌های متعدد یکی از مراکز مهم گردشگری به حساب آورد.

وجه تسمیه و نَک

وَنَک به معنای جای گرفتن در میان قوم و نیز به معنای زشت و کریه است. وَنَک جانوری بی دم، کبود رنگ و شبیه گربه است که به عربی به آن وَبَر گویند و نیز قصبه بخش سمیرم بالا را گویند (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۵: ۲۶۳). در فرهنگ آنندراج وَنَک به معنای تهیدستی و درویشی، همچنین به معنای صدا و آواز نیز آمده است (پادشاه، ۱۳۶۳، ج ۷: ۴۵۲۴).

در فرهنگ لغت عمید، وَنَک یا وَبَر به معنای پشم؛ پشم شتر، خرگوش، روباه و امثال اینها آمده است و اهل و بر به مردمی در عربستان می گفتند که در زیر چادرهای پشمی به سر می بردند و اغلب شتر و گوسفند داشتند. همچنین و بر جانوری است کوچکتر از گربه با موهای دراز، دم کوتاه و گوش های کوچک که در فارسی به آن وَنَک گفته شده است (عمید، ۱۳۵۷، ج ۲: ۱۹۴۲). احتمال دارد نام شهر را از گونه درختان جنگلی به نام ون (ون زار) که در کوه های منطقه فراوان است گرفته باشند و به تدریج به ونک تبدیل شده است. از طرفی گفته شده نام جانوری بوده که در گذشته به وفور در این منطقه وجود داشته و اکنون کمیاب است. شاید نام قومی چادر نشین بوده است که در این منطقه ساکن شده اند. با توجه به کوچ عشایر که از گذشته تا به امروز نیز در این منطقه کوهستانی و سرسبز رواج داشته است می توان گفت قومی به همین نام به این منطقه کوچ کرده و ساکن آن شده اند و یا ممکن است آنها این نام را برای این منطقه انتخاب کرده باشند. قدمت ونک به حدود ۱۰۰۰ سال می رسد به طوری که در گذشته در این محل درخت ون بسیار می روییده و احتمال می رود نام ونک به همین دلیل است.

پوشش گیاهی

بوته ها و درختان شامل انجیر، بادام، بتک، بلوط، بنیو، بید (شامل بیدمشک، بید مجنون، بید معمولی، جریید که در بافت سبد به کار می رود)، پسته (به صورت محدود)، بنه- ون (پسته کوهی)، تاک، تبریزی، تربک، تیدره (تمشک)، توت، چنار، زردآلو، زربک (زرشک)، سیب (شامل گلاب بهاره، گلدان یا زرد، سیب زرد یا قرمز، سیب محلی و...) سپیدار، شن، صنوبر، قز، کژدرنگ، کل خنگ، کلک (زالزالک)، کی کم، کنده خیش، گردو، گویج (کویج) گیته (همان گون است و چندین نوع متنوع دارد از آن جمله کتیرا)، گزانگبین، گاوی، بز، داری، کپی، گیلاس، رز (مو)، وهل، هلو، هرزن (ارژن)، لیلی سور که اغلب جزو گیاهان داروئی هستند. جامعه گون خوشک در ارتفاعات ۲۰۰۰ تا ۳۰۰۰ متری کوه های اطراف سمیرم با حدود ۳۰۰ میلی متر بارندگی می رویند (شفیعی، ۱۳۸۱: ۲۲۷).

آب و هوا

با توجه به موقعیت جغرافیایی و قرار گرفتن ونک و مزارع آن در دامنهٔ سلسله جبال زاگرس، آب و هوای این منطقه متنوع و معتدل است. مزارعی که در ارتفاعات بالاتر واقع شده‌اند، هوایی سردتر و آنهایی که در کف دره‌ها هستند هوای گرمتری دارند. شهر ونک و مزارع شمس‌آباد، تنگده (تنگدم)، حنادر و کشتگان از نقاط گرمتر و مزارع نخودان، کمانه، چمه، اسفراهان و جسور از مناطق سردتر هستند. در برخی نقاط دالانکوه پوشش برف دائمی وجود دارد که با بارش سالیانه روی یکدیگر جمع شده‌اند و این در صورتی رخ می‌دهد که ذوب برف نسبت به بارش سالیانهٔ آن کمتر باشد. در محدودهٔ ونک بیشتر از یکصد چشمهٔ کوچک و بزرگ جاری است که در خشکسالی‌ها تعداد زیادی از آنها کم آب یا به کلی خشک می‌گردند. آب آشامیدنی و کشاورزی ونک و مزارع آن از سه طریق رودخانه‌ها، چشمه‌ها و قنوت تأمین می‌شود.

با توجه به شرایط اقلیمی و وجود جریان آب در رودخانه‌ها می‌توان آنها را به دو دسته تقسیم کرد: ۱. رودخانه‌های دائمی که در طول سال در آنها آب جریان دارد و اغلب در مناطق کوهستانی هستند. ۲. رودخانه‌های موقتی که در برخی از ماه‌های سال در آنها آب جریان دارد و در اغلب ماه‌های سال خشک هستند. رودخانهٔ ونک با توجه به مسیر کوتاه خود، جریان دائمی در طول سال دارد. با توجه به بهینه‌سازی اطراف رودخانه مکان‌های مناسبی برای بازدیدکنندگان و گردشگران فراهم شده است، ریزش قطعات بزرگ سنگ از دامنهٔ کوه‌ها در بستر رودخانه، افزون بر آنکه منظرهٔ جالبی ایجاد کرده مسیر رفت و آمد در عرض رودخانه را نیز فراهم کرده است.

چشمه‌ها

چشمه محل خروج طبیعی آب در سطح زمین است. آب حاصل از بارندگی و یا ذوب برف‌ها پس از نفوذ در زمین می‌تواند به صورت چشمه در نقطه‌ای دیگر ظاهر شود. چشمه هنگامی تشکیل می‌شود که سنگ‌ها و لایه‌های زمین نفوذپذیر باشند. آب پس از نفوذ در زمین از طریق درز، شکاف‌ها، شکستگی‌ها و حفرات مرتبط با یکدیگر در زمین جریان می‌یابد و سرانجام در مناطق پائین دست از یک نقطه در سطح زمین به صورت چشمه خارج می‌شود. چشمه یک جریان طبیعی است که می‌تواند دائم، یا موقتی و متناوب باشد.

چشمه ناز، محلی زیبا با طبیعت بکر در ۱۰ کیلومتری شهر ونک (فاصله با شهر سمیرم حدود ۳۰ کیلومتر) واقع شده است. آب این چشمه املاح معدنی دارد و در تنگه‌ای زیبا با درختچه‌های

فراوان واقع شده است و رودخانه از درون تنگه می‌گذرد، آب چشمه نیز به این رودخانه می‌ریزد (تصویر شماره ۱). چشمه‌ناز پس از پیوستن به رودخانه شمس آباد چند کیلومتر پایین تر به رودخانه گندمان و رودخانه ونک که پیشتر به یکدیگر پیوسته‌اند وارد می‌شود و از سرچشمه‌های رود کارون به حساب می‌آید (تصویر شماره ۱).



تصویر شماره ۱: کوه‌ها و درختان حاشیه رودخانه چشمه‌ناز (نگارنده)

کوه‌ها

کوه‌های اطراف عبارتند از: ۱. دالان کوه، ۲. کوه آشیانه، ۳. سیاه کوه، ۴. کوه کمانه، ۵. کوه دارمه، ۶. کوه سرخ یا سور. کوه دالان با ارتفاع ۳۴۹۲ متر، کوه آشیانه و کوه سیاه به ترتیب کوه‌های اطراف ونک می‌باشند. کم ارتفاع‌ترین نقطه ونک از سطح دریا مزارع شمس آباد و تنگ‌ده است. انواع گیاهان دارویی از ویژگی‌های پوشش گیاهی کوه دالان است. مرتفع‌ترین نقطه منطقه، کوه دارمه و پس از آن کوه بالا (بین مزارع کمانه و اسفراهان)، کوه دالان، کوه آشیانه و کوه سیاه به ترتیب خودنمایی می‌کنند. مناطق کم ارتفاع اطراف ونک را مزارع شمس آباد و تنگ‌ده (تنگ‌دم) تشکیل می‌دهند (تصویر شماره ۲).



تصویر شماره ۲: دالان کوه نزدیک روستای ونک (چشمه ناز) (نگارنده)

دالان کوه در دهستان خان میرزا، شهرستان لردگان - ۴۲ کیلومتری خاور جنوبی لردگان - شمال خاوری روستای شیرمرد، ۳۴۹۲ متر ارتفاع دارد. سرچشمه آب ونک و رودخانه گرداب از این کوه جاری می شود (جعفری، ۱۳۸۴، ج ۱: ۲۴۳).

سنگ فرش آهکی

در سنگ های آهکی ترک هایی به صورت افقی در سطوح لایه بندی و ترک های عمودی به صورت درزها وجود دارند. این ترک ها اجازه می دهد آب به داخل سنگ نفوذ کرده و از بین این سطوح عبور کنند، شکاف های بزرگ در سنگ های آهکی نیز مسیر جریان زیرزمینی را هموار می کنند که گاهی اوقات منجر به تشکیل غارها می شود. آبها می توانند پس از جریان یافتن در زیرزمین دوباره در سطح زمین به صورت چشمه ظاهر شوند.

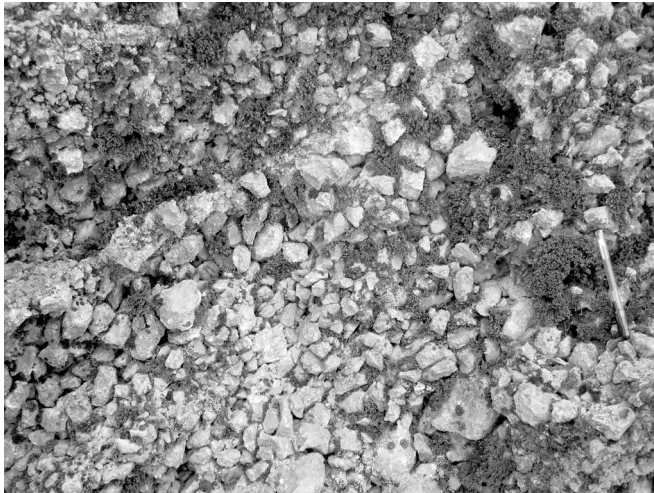
سنگ فرش آهکی^۱ شکل هایی است که در سنگ های آهکی در اثر فرسایش و انحلال طبیعی آهک به وجود می آید و سطح سنگ آهکی صاف و هموار را دربرمی گیرد، به طوری که خاک بر روی آن تشکیل نشده باشد. بلوک های سخت آهکی را کلینت^۲ و ترک های بین آن را گریک^۳ می نامند. گیاهان می توانند در این ترک ها رشد کنند. نمونه سنگ فرش از قطعات خرد شده درشت

1. Limestone Pavement

2. Clints

3. Grikes

ریگ و قلوه سنگ آهکی (در اندازه ۶۴ تا ۲۵۶ میلی‌متر) در کنار یکدیگر تشکیل می‌شود که به آن سنگ فرش پیلی^۱ می‌گویند (تصویر شماره ۳).



تصویر شماره ۳: سنگ فرش پیلی (نگارنده)

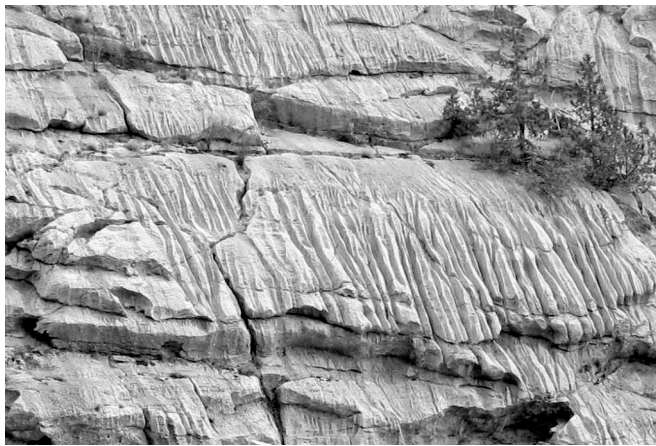
شکل‌های مختلف سنگ فرش را می‌توان در بسیاری از مکان‌های دنیا به ویژه در مناطق آلپ و مدیترانه مشاهده کرد. بنابراین، سنگ فرش آهکی عمدتاً در مکان‌هایی یافت می‌شود که سطح آنها در دوره آخرین یخبندان از یخ پوشیده شده بود اما در مناطق دیگر نیز نمونه سنگ فرش در ابعاد کوچکتر دیده می‌شود. سنگ فرش شامل تمام اشکالی است که بر روی سطح سنگ‌های آهکی با فرآیند انحلال یا رسوب‌گذاری ایجاد می‌شوند. پدیده‌های انحلالی بیشتر و مشهودتر است. سنگ فرش‌ها متنوع‌اند و می‌توان به بلوکی، خرد شده و کارن یا لاپیه‌ها اشاره کرد (Webb, 1998: 86).

کارن

اشکال بسیار کوچک به صورت بریدگی‌های کم‌عمق که با انحلال در سطح سنگ‌های آهکی به وجود می‌آید، در زبان آلمانی کارن^۲ یا در زبان فرانسه لاپیه^۳ نامیده می‌شوند. اما در زبان

1. Pebble
2. Karren
3. Lapiez

انگلیسی هر دو اصطلاح کارن و لاپیه به یک مفهوم به کار می‌رود. اصطلاح کارن برای اینگونه اشکال هم با منشأ سطحی و هم زیرسطحی کاربرد دارد. کارنها در سطح سنگ‌های آهکی کوه‌های آلپ در اتریش و آلمان نیز تشکیل شده‌اند. هنگامی که آب در سراسیمی سنگ‌های با قابلیت انحلال مانند سنگ آهک به سمت پائین جریان می‌یابد کارن تشکیل می‌شود. جریان آب در مسیر شیب دامنه موجب انحلال سنگ آهک شده است و با ایجاد اشکال سطحی به شیارهای کم‌عمق در مسیر آب منجر می‌شود به طوری که با تداوم جریان آب این بریدگی‌ها عمیق‌تر می‌گردند (تصویر شماره ۴).

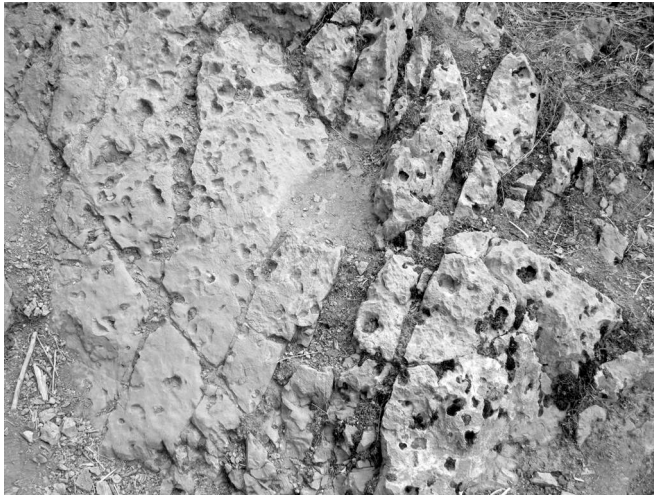


تصویر شماره ۴: کارن در سنگ‌های آهکی (شیارهای انحلالی) (نگارنده)

شیارها یا بریدگی‌های ایجاد شده ممکن است با خاک‌های سطحی پوشیده شده و یا برهنه و نمایان باشند که به نام‌های لاپیه پید و لاپیه ناپیدا (آشکار و پنهان) خوانده می‌شوند. این شیارها گاهی تا حدود یک متر عمق دارند و گاهی عمق آنها از یک متر نیز فراتر می‌رود. لاپیه‌ها به علت وجود خاک‌های مرطوب اسید کربنیک‌دار در سطح توده‌های آهکی تشکیل می‌شوند. لاپیه از نظر شکل به صورت متقارن، کم‌عمق و یا مرکب است. لاپیه مرکب از ترکیب لاپیه‌های دیگر به وجود می‌آید. اختلاف شکل لاپیه‌ها به علت تفاوت در ناهمواری‌های سنگ‌های موجود و یا تغییر در چگونگی انحلال سنگ‌های آهکی است. وجود اسید هومیک (اسید آلی) نیز ممکن است در منطقه آهکی موجب

۱. اسید کربنیک با ترکیب CO_2 با آب باران و CO_2 در جو تشکیل می‌شود، و در انحلال سنگ آهک مؤثر است.

تشکیل لایه شود. یکی از لایه‌های مهم، لایه خطی است که به صورت شیارهای مختلفی بر سطح سنگ‌های آهکی حفر می‌شوند و برجستگی‌های کم و بیش کوتاه و ممتدی در حد فاصل آنها باقی می‌ماند. گاهی امتداد لایه‌های خطی منطبق بر درز و شکاف لایه‌بندی سنگ است (تصویر شماره ۵).



تصویر شماره ۵: لایه‌های خطی منطبق بر درز و شکاف لایه‌بندی در سنگ‌های آهکی (نگارنده)

نتیجه‌گیری

با توجه به آنکه این منطقه به شهرستان سمیرم نزدیک و جاده آسفالت دسترسی به منطقه آسان است، مناظر طبیعی محیط مناسبی برای کاوش‌های علمی، ورزشی، تفریحی، اقتصادی و فرهنگی هستند. شرایط اقلیمی مناسب و پوشش گیاهی متنوع با وجود برخی گیاهان دارویی می‌تواند اهمیت پزشکی و اقتصادی نیز داشته باشد. آب آشامیدنی، کشاورزی و مزارع ونک از طریق رودخانه‌های دائمی و موقتی (در برخی از ماه‌های سال در آنها، آب جریان دارد)، چشمه‌ها و قنوات تأمین می‌شود، رودخانه ونک با توجه به شرایط اقلیمی و مسیر کوتاه آن جریان دائمی در طول سال دارد و چشم‌اندازهای جالبی را نیز ایجاد کرده است. آثار فرسایشی همراه با اشکال متفاوت در سنگ‌های آهکی که در اثر انحلال طبیعی سنگ آهک ایجاد شده از لحاظ تاریخ طبیعی و تعیین شرایط اقلیمی گذشته می‌تواند مورد مطالعه کاوش‌های علمی قرار گیرد. در صورت اجرای طرح‌های زیست محیطی، گردشگری و بهینه‌سازی بهتر حاشیه رودخانه، چشم‌اندازهای منطقه می‌تواند برای گردشگری، تفریح، کشت گیاهان دارویی و... مورد استفاده قرار گیرد.

کتابنامه

- پاپلی یزدی، محمد حسین. (۱۳۶۷). فرهنگ آبادی‌ها و مکان‌های مذهبی کشور. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- پادشاه، محمد. (۱۳۶۳). فرهنگ آندراج. زیر نظر محمد دبیرسیاقی. ج ۷. تهران: کتابخانه خیام.
- جعفری، عباس. (۱۳۸۴). رودها و رودنامه ایران. ج ۲. تهران: سازمان جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی.
- جعفری، عباس. (۱۳۸۴). کوه‌ها و کوه‌نامه ایران. ج ۱. تهران: مؤسسه گیتاشناسی.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا. ج ۱۵. چ دوم از دوره جدید. تهران: مؤسسه لغت‌نامه.
- شفیع، سیروس. (۱۳۸۱). جغرافیای اصفهان. اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.
- عمید، حسن. (۱۳۵۷). فرهنگ عمید. ج ۲. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- مصاحب، غلامحسین. (۱۳۸۳). دایرةالمعارف فارسی. ج ۱. بخش اول. چ ۴. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- Webb, S; Glading, P. (1998). "The Ecology and Conservation of Limestone Pavement in Britain", *British Wildlife*. Vol 10. No 2. PP: 103- 113.

بررسی و معرفی مسجد تاریخی روستای سویناس مهاباد

اسماعیل سلیمی^۱

چکیده

منطقه کردستان ایران از مناطقی است که از لحاظ مطالعه و نوع تحلیل معماری، به خصوص در دوره اسلامی، به شدت ناشناخته مانده است. شناخت معماری این منطقه می‌تواند، درک عمیق‌تری از وضعیت معماری ایران در دوران اسلامی به دست بدهد. هدف نوشتار پیش‌رو، معرفی و بررسی ویژگی‌های معماری مسجد تاریخی روستای سویناس در شهرستان مهاباد و مقایسه آن با دیگر مساجد عصر قاجاریه در مناطق کُردنشین، به عنوان مسجدی با سبک بومی است. تصاویر موجود عصر قاجاریه از علی‌خان والی حاکم مَکریان به مرکزیت مهاباد از روستای سویناس نشان از احداث بنای مسجد به وسیله قادر آغا، مالک روستا و تعلق آن به اواخر عصر قاجاریه دارد. افزون بر آن، مدارک تاریخی مؤید آن است که به سبب توجه خوانین محلی با احداث عمارت اربابی و بنای مسجد، روستای سویناس اهمیت قابل توجهی یافت و رسماً به عنوان مرکز مذهبی و سیاسی بخش گورک مَکری در عصر قاجاریه بدل گردید. روش پژوهش حاضر به شیوه میدانی و کتابخانه‌ای است و نتایج پژوهش پیش‌رو نشان می‌دهد که سبک مساجد قاجاریه در منطقه کردستان و از جمله مسجد سویناس سبکی است بومی - محلی و تفاوت و تمایز زیادی با الگوهای مساجد ایران از جمله نواحی مرکزی دارد.

کلید واژگان: مهاباد، سویناس، کردستان، مسجد، قاجاریه.

مقدمه

در میان اندام‌های درونی هر شهر و روستا، نیایشگاه‌ها همیشه جایگاه ویژه خود را دارند و از اندام‌های دیگر نمایان‌تر و چشمگیرتر هستند، از این رو، در مراکز آبادی‌ها جای گرفته‌اند (کیانی، ۱۳۹۰: ۴). مسجد از صدر اسلام، تاکنون از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی محسوب می‌شود که افزون بر کارکرد عبادی، فعالیت‌های آموزشی، نظامی و سیاسی نیز، در آن جریان دارد (هیلن براند، ۱۳۸۰: ۴۲). در دوره قاجار در ساخت مساجد، سه تحول مهم رخ داد: تحول نخست؛ قرارگیری گنبد در گنبدخانه بر روی کاربندی که در نتیجه پلان گنبدخانه حذف و در شبستان‌های اطراف ادغام می‌شود و نمونه‌های آن را می‌توان در مساجد آذربایجان و مساجد سپهسالار و نصیرالملک دید. تحول دوم؛ وارد شدن عناصری مانند مهتابی از خانه به مسجد و ترکیب آن با دیواره‌های رو به صحن که می‌توان این تحولات را در مساجد سید اصفهان و سلطانی سمنان، مشاهده کرد (سجادزاده و دیگران، ۱۳۹۵: ۲۲۶). تحول سوم؛ عنصر مناره در معماری این دوره، معمولاً به صورت کوتاه و باریک با دهلیزهای فوقانی کاشی‌کاری شده که معمولاً با سر مناره‌های کوچک گنبدی با رنگ‌های زرد، نارنجی، صورتی و سفید پوشانده شده‌اند که نمونه این مناره‌ها را می‌توان در مسجد امام تهران و امامزاده مشهد ارده‌ال دید (کیانی، ۱۳۹۰: ۳۳۲). در بخشی از جغرافیای مناطق کُردنشین استان آذربایجان غربی کنونی تحت عنوان مُکریان^۱ در عصر قاجاریه مساجدی بنا شده‌اند که به لحاظ ساختار معماری از جمله پلانی مستطیل شکل با سقف مسطح و ایوان ستون‌دار در ضلع جنوبی آن و استفاده از مواد و مصالح بومی به تبعیت از اقلیم کوهستانی، الگوهایی با سبک بومی و محلی، مناطق کُردنشین را معرفی می‌کنند. بنای مسجد سویناس به عنوان قدیمی‌ترین اثر روستای مزبور را اربابان روستا از جمله قادر آغا گورک در دوره قاجاریه احداث کرده‌اند و با توجه به اینکه در منطقه کوهستانی واقع شده است، سبکی متفاوت‌تر از دیگر مساجد ایران و از جمله نواحی مرکزی دارد.

پیشینه مطالعاتی

از نخستین افرادی که به شهر مهاباد و فضاهای معماری آن پرداخت کرپورتر بود (Ker Porter, 1821)

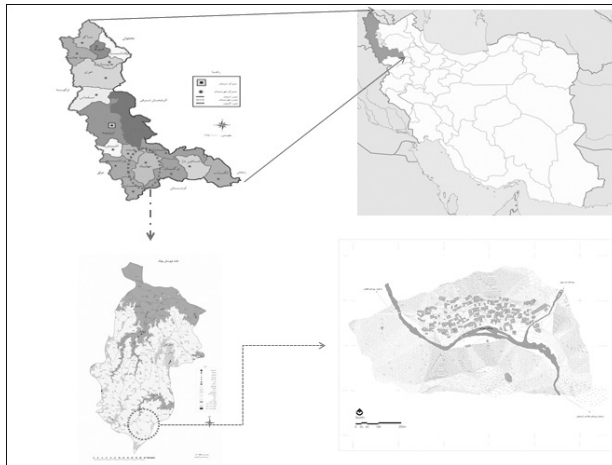
۱. در ارتباط با جغرافیای مُکریان باید گفت: «سرزمین مُکری یا مُکریان شامل قسمت اعظم جنوب استان آذربایجان غربی و بخش کوچکی از استان کردستان را در برمی‌گیرد و به طور کلی محدوده مُکریان بزرگ شامل: اشنویه، لاجان، نقده، پیرانشهر، صائین قلعه (شاهین دژ)، مهاباد، بوکان، میان‌دوآب، مراغه، سردشت، سقز، بانه و مناطق دیگری در این حدود به مرکزیت مهاباد (ساوجبلاغ سابق) بود» (روژیانی، ۱۳۸۱: ۳۱).

486. پس از وی، سیاحان و جهانگردان زیادی، از جمله هنری راولینسون (H.C. Rawlinson, 1840: 29)، ژاک دمورگان (دمورگان، ۱۳۳۹: ۴۴-۴۳)، مینورسکی (مینورسکی، ۲۰۰۷: ۹۹؛ مینورسکی، ۱۳۷۸: ۹-۳۰)، اوژن اوین (اوین، ۱۳۶۲: ۱۰۶-۱۲۲)، اوژن فلاندن (فلاندن، ۱۳۲۶: ۴۴۴-۴۴۵)، واگنر (Wagner, 1856: 222-225)، جرج. ن. کرزن (کرزن، ۱۳۴۷: ۷۰۴)، ایزابلا بیشوپ (Bishop, 1891: 206-209)، ایدیا فیفر (Pfeiffer, 1948: 28)، ویلیام ایگلتیون جونیر (ایگلتون جونیر، ۱۳۶۱: ۵۳-۶۰)، هرکدام با اقامت در مهاباد و مشاهده از این شهر، بناها، و شمار ساکنان آن شرح‌های جالبی ارائه داده‌اند و از آن به عنوان مهم‌ترین شهر جنوب دریایچه ارومیه و مرکز «کردستان مُکریان» یاد کرده‌اند. افزون بر سیاحان و جهانگردان خارجی، محققان و نویسندگان داخلی نیز به این امر مهم پرداخته‌اند. اعتمادالسلطنه و علی‌خان والی از نخستین این اشخاص هستند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۸: ۱۲۰-۱۳۲؛ والی، ۱۳۹۵: ۱۷۹). همچنین عبدالله ناهید (ناهید، ۱۳۶۲: ۹۸)، بهمن کریمی (کریمی، ۱۳۲۹: ۲۰۴-۲۰۳)، حبیب‌الله تابانی (تابانی، ۱۳۴۵: ۵۳-۵۰)، محمود پدram (پدram، ۱۳۷۳: ۱۰۷-۱۲۳)، کاظم مُلازاده و مریم محمدی (مُلازاده و محمدی، ۱۳۷۸: ۲۵؛ مُلازاده و محمدی، ۱۳۷۹: ۴۶)، محمدیوسف کیانی (کیانی، ۱۳۹۰: ۱۷-۱۴۵)، اسماعیل سلیمی (سلیمی، ۱۳۹۶: ۱۳۹-۱۹۸)، حسن کریمیان و اسماعیل سلیمی (کریمیان و سلیمی، ۱۳۹۸: ۱۴۳-۲۶۶) و حامید نوری (نوری، ۱۳۹۷: ۲۱-۱۳۰) از افرادی‌اند که به بافت و فضاهای شهر مهاباد و بناهای دوره اسلامی آن پرداخته‌اند. اما هیچ کدام به بنای مسجد سوناس اشاره نکرده‌اند. علی‌خان والی حکمران مُکریان و ساوجبلاغ^۱ (مهاباد فعلی) در عصر قاجاریه نخستین شخصی است که از روستای سوناس دو تصویر تهیه کرده که برای مطالعه بافت، عمارت اربابی و بنای مسجد سوناس بسیار اهمیت دارد (والی، ۱۳۹۵: ۱۷۹). در سندی در سال ۱۳۲۰ هـ.ش، درباره تقسیم املاک پسران عثمان آقا گورگ آمده است: «سوناس به همراه روستاهای آغوتمان، گردشیلان، ماژگه، قوزلوی علیا و سفلی، یاغیان، قروچای علیا و سه دانگ نستان از املاک پیروت آغا و محمد آغا است» (مامندی، ۱۳۹۵: ۳۷-۳۹). سعید مامندی در ارتباط با روستا، مسجد و خوانین سوناس به صورت گذرا نوشته است: «مسجد جامع روستا متعلق به اواخر دوره قاجاریه است... سوناس در دوران ریاست حسن آغا، عثمان آقا و علی آغا مرکز گورک مهاباد، بوکان و سردشت بوده و در واقع کهن‌ترین روستای گورک‌نشین در منطقه است» (همان، ۴۳). بنای مسجد سوناس در تاریخ ۱۳۹۳/۱۲/۲۵ و با شماره ۳۱۱۹۵، در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است (سازمان میراث فرهنگی استان آذربایجان غربی، ۱۳۹۳).

۱. مهاباد که در گذشته «ساوجبلاغ مُکری» و به زبان مردم بومی «سابلاغ» نامیده می‌شد، در سال ۱۳۱۶ ش. هم‌زمان با تعویض نام بسیاری از شهرهای ایران به «مهاباد» تغییر نام داد (نوحه‌خوان، ۱۳۹۱: ۱۱۸). رشید یاسمی، استاد دانشگاه تهران، در سال ۱۳۱۵ ش. پیشنهاد این اسم را داده است (صمدی، ۱۳۷۳: ۱۳۰).

موقعیت جغرافیایی سویناس

سویناس روستایی در استان آذربایجان غربی، در شهرستان مهاباد، بخش خلیفان، در دهستان کانی بازار به مرکزیت چیتکه، و در ۶۵ کیلومتری جنوب شهر مهاباد با مختصات جغرافیایی $36^{\circ} 21' 45.47''$ عرض شمالی و $45^{\circ} 47' 35.97''$ طول شرقی است که در ارتفاع ۱۵۹۰ متری از سطح دریا و در مسیر ارتباطی مهاباد به سردشت واقع شده است (نقشه شماره ۱). به بیان دیگر سویناس از شمال به روستاهای پاژبرد و گامیشان، از جنوب به ماژگه و گردشیلان، از شرق به گورگه و آغوتمان از شهرستان بوکان، و از غرب به کاولان علیا و سفلی و کانی‌رَش محدود است. روستای سویناس اقلیمی کوهستانی با تابستان‌های گرم و زمستان‌های سرد دارد. منطقه‌ای که سویناس در آن واقع شده به گورک^۱ مکرری معروف است، شامل مناطق کوهستانی قسمت‌هایی از بوکان به مرکزیت (گلوان سفلی)، مهاباد (سویناس)، سقز (میرده) و سردشت (نستان و پاراستان) (مامندی، ۱۳۹۵: ۲۲-۲۳)؛ و در واقع «ربط» مهم‌ترین مرکز شهرنشینی ایل گورک در مَکریان است. در ارتباط با وجه تسمیه سویناس باید گفت که آن را به معنی «سرزمین نورانی» دانسته‌اند (سویناسی، ۱۳۹۸). سویناس ۵۷ خانوار و ۲۹۶ نفر جمعیت دارد (خالدی، ۱۳۹۵: ۱) و مردم آن کُرد زبان و سنی مذهب (شافعی) هستند و معیشتی مبتنی بر کشاورزی، دامپروری، باغداری و زنبورداری دارند.



نقشه شماره ۱: موقعیت جغرافیایی-سیاسی روستای سویناس در ایران، استان آذربایجان غربی و شهرستان مهاباد (نگارنده).

۱. گورک نام ایلی است که خود را از اعقاب و سمان (عثمان) آقا و خضر آقا می‌دانند و از خاک عراق به ایران آمده‌اند و در حال حاضر در بخشی از جغرافیای سیاسی شهرستان‌های مهاباد، بوکان، سردشت و سقز سکونت دارند (صمدی، ۱۳۷۳: ۲۰۱-۲۰۲).

شواهد باستان‌شناسی

منطقه‌ای که روستای سویناس در آن واقع شده، تاکنون بررسی باستان‌شناسی نشده است. اما شواهد تاریخی نشان از اهمیت ویژه سویناس در مطالعات باستان‌شناسی عصر قاجار دارد. روستای سویناس از مهم‌ترین و بارزترین روستاهای منطقه گورک مکرری در شهرستان مهاباد است. سویناس به دلیل داشتن انواع گیاهان دارویی، طبیعت بکر و زیبا، چشمه‌های آب معدنی فراوان و معماری سنگی متمایز در میان مردم مهاباد و نواحی اطراف کاملاً شناخته شده است. این روستا به دلیل دوری نسبت به شهر مهاباد و کوهستانی بودن منطقه، همانند روستای آغوتمان^۱ در شهرستان بوکان (سلیمی، ۱۳۹۸: ۱۰۶-۱۲۶) بیشتر عناصر فرهنگی کردستان و به ویژه معماری خاص منطقه را از گذشته‌های دور در خود حفظ کرده است، به طوری که به دلیل واقع شدن سویناس در منطقه سرد و کوهستانی استفاده از سنگ به عنوان مهم‌ترین مصالح در ساخت فضاهای مسکونی و غیرمسکونی بسیار متداول و احداث روستا به صورت پلکانی و به سمت جنوبی و در ارتباط با اقلیم منطقه است. افزون بر بنای مسجد در این روستا، آسیاب و بنای عمارت اربابی نیز وجود داشته که در جریان نزاع و کشمکش‌های بین دو ایل گورک و منگور تخریب گشته است (دمورگان، ۱۳۳۹: ۲۵).

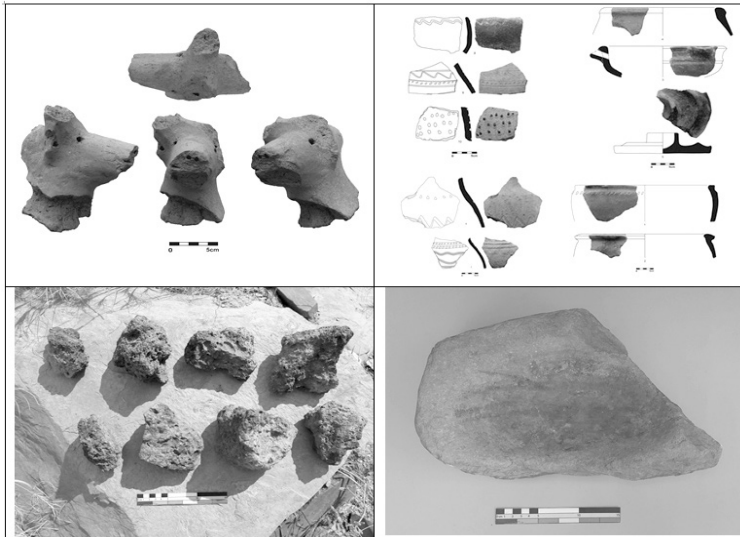
در فاصله ۲/۵ کیلومتری شرق روستای سویناس محوطه‌ای به نام «شاره‌کون»^۲ با مختصات جغرافیایی ۸۳° ۵۱' ۲۱" عرض شمالی و ۲۸° ۲۸' ۴۴" طول شرقی، در ارتفاع ۱۶۸۲ متری از سطح دریا در دره‌ای به نام «ماین و خوار» واقع شده است (تصویر شماره ۱).



تصویر شماره ۱: نمای کلی محوطه شاره‌کون از سمت شمال (نگارنده).

۱. در بخش گورک مکرری شهرستان بوکان.
 ۲. Shāra kon در زبان گُردی شار به معنی «شهر» و کون «کهنه، قدیمی» معنی می‌دهد.

اهالی روستا، محوطه شاره‌کون را شخم‌زده و به زمین‌های کشاورزی و باغ تبدیل کرده‌اند. براساس گفته کشاورزان در جریان شخم‌زدن این محوطه سرباره، تپوشه‌های سفالی و قطعات سفالی زیادی دیده شده است. در جریان بررسی محوطه مزبور مشخص گردید که شاره‌کون بیش از ۵ هکتار مساحت دارد و با توجه به پراکندگی سرباره‌های آهن به احتمال زیاد یکی از مراکز صنعتی در جنوب مهاباد بوده است. افزون بر آن، در جریان بررسی سفال‌های شاخصی احتمالاً متعلق به ادوار تاریخی-اسلامی، یک نمونه سنگ‌ساب، هاون و پیکره‌ای حیوانی به دست آمد (تصویر شماره ۲). نگارنده در جریان بررسی روستاهای کوران و گامیشان در نزدیکی روستای سویناس نیز موفق به شناسایی خمیره‌ای سفالی متعلق به دوره اشکانیان در قبرستان کنونی روستا و قه‌لای (قلعه) گامیشان مربوط به دوره مس سنگی متأخر شد.



تصویر شماره ۲: یافته‌های فرهنگی به دست آمده از محوطه شاره‌کون سویناس (نگارنده).

جغرافیای تاریخی منطقه سویناس

با وجود این که جهان‌گردان، سیاحان، پژوهش‌گران و نویسندگان بسیاری در ارتباط با منطقه مهاباد مطالبی نوشته‌اند، اما تعداد معدودی از آن‌ها به منطقه سویناس اشاره کرده‌اند. دمورگان از ارتفاعات کورتک در بین مهاباد-سردشت دیدن کرده و در ارتباط با آن نوشته است: «همه ساله از پانزده دسامبر ارتباطات در کورتک مطلقاً قطع است. در این موقع بخش‌های بانه و سردشت دیگر ارتباطی با دیگر نقاط دنیا ندارد و این وضع نابهنجار در تمام مدت زمستان تا ماه مارس ادامه دارد» (دمورگان، ۱۳۳۹: ۱۶).

مینورسکی نیز نوشته است: «بهرام تحت تأثیر صف آراییی دشمنان خود (بیزانسی‌ها و خسرو) سرزمین تپه‌دار ساوجبلاغ را در پیش گرفت و اردوگاه خود را به نقطه صعب‌العبور توده مرکزی کورتک (بین مهاباد و سردشت) انتقال داد» (مینورسکی، ۱۳۷۸: ۱۱). اوژن فلاندن به دلیل وجود قبایل غارت‌گر ارتباط تجاری تبریز با بغداد را با عبور از مسیر ارتباطی ساوجبلاغ به سردشت و بانه و از آنجا به موصل دشوار وصف کرده است، در نتیجه بازرگانان مجبور به تغییر مسیر تبریز-کرمانشاه و از آنجا به بغداد و بالعکس بوده‌اند (فلاندن، ۱۳۲۶: ۴۴۴). هنری راولینسون نیز از جمع‌آوری بلوط، مازو و گزه از جنگل‌های منطقه مورد مطالعه و فروش آن در بازار مهاباد صحبت کرده است (Rawlinson, 1840: 29). همچنین تعدادی از پژوهشگران به شبکه ارتباطی جاده فرعی ابریشم که از منطقه سویناس عبور می‌کرد و به سردشت، بانه و شمال عراق منتهی می‌شد، یاد کرده‌اند (مجیدزاده، ۱۳۶۶: ۳؛ ریاضی، ۱۳۷۴: ۴۹).

مسجد سویناس

مسجد سویناس در داخل بافت کنونی روستایی به همین نام و در ضلع شرقی آن و در کنار یکی از سرچشمه‌های رودخانه سیمینه‌رود که از کوهستان‌های «توره» جریان پیدا می‌کند با مختصات جغرافیایی $36^{\circ} 21' 45''$ عرض شمالی و $40^{\circ} 42' 35''$ طول شرقی در ارتفاع ۱۵۸۳ متری از سطح دریا واقع شده است.

بنای مسجد سویناس به طول و عرض $16/30 \times 19/60$ متر، با ارتفاع $7/04$ متر و در مجموع با $319/48$ مترمربع در جهت شمالی-جنوبی بنا شده است. پلان مسجد به شکل مستطیل و دارای فضای ایوان ستون‌دار با راه پله منتهی به آن، شبستان، کفش‌کن، آبدارخانه، انبار سوخت و... است (جدول شماره ۱، ردیف ۱). بنای مسجد سویناس همانند اکثر نمونه‌های مناطق کوهستانی فاقد صحن یا حیاط مرکزی است و از فضای بیرونی با یازده پله می‌توان به ایوان ستون‌دار آن راه یافت. بنای مسجد همانند مسجد ترجان سقز و دوکچی^۲ بوکان بر روی دیوار سنگ‌چینی به ارتفاع $2/70$ متر احداث شده است. در زیر دیوار سنگ‌چین مزبور فضایی وجود دارد که محل نگه‌داری سوخت و وسایل گرمایشی مسجد است و با در کوچکی می‌توان به داخل آن راه یافت. ایوان ستون‌دار به طول و عرض $3/54 \times 17$ متر و ارتفاع $3/85$ متر از کف تا سقف آن در حال حاضر سه ستون چوبی بدون سرستون و پایه ستون برخلاف نمونه‌های فضای شبستان با میانگین ارتفاع $3/63$ متر و قطر 67 سانتی‌متر دارد. افزون بر

۱. در حال حاضر نیز بخشی از مناطق اطراف سویناس از جمله روستای کوران با جنگل‌های بلوط پوشیده شده است.

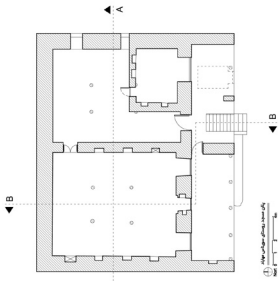

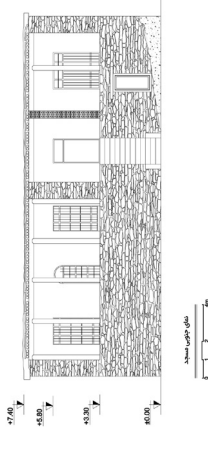

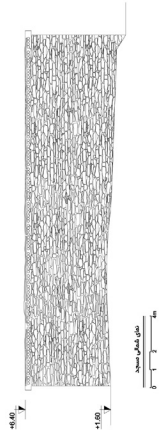
۲. متأسفانه اکنون از ساختار اولیه مسجد دوکچی بوکان اثری باقی نمانده است.


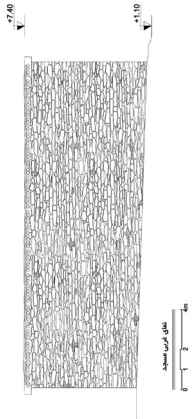

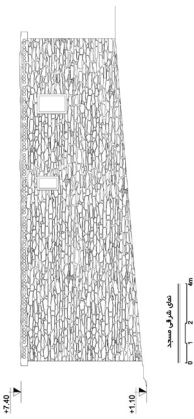

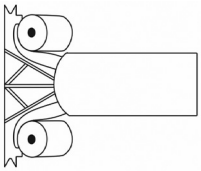
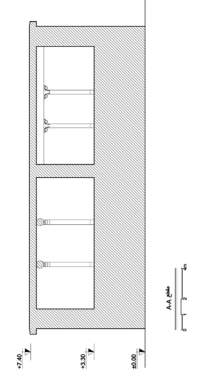
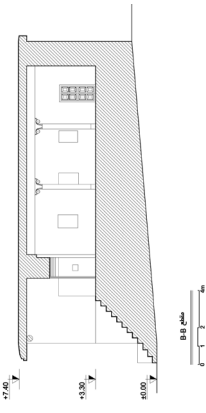


ستون‌های چوبی دیواری سنگی به عرض نزدیک به ۱ متر و ارتفاع $۳/۸۰$ متر ایوان ستون‌دار را دو قسمت کرده که به احتمال زیاد هدف از ایجاد این دیوار نگه‌داشتن وزن سقف ایوان و تیرک‌های چوبی آن بوده است. همچنین فضای ایوان در ضلع غربی طاقچه‌ای به ابعاد ۱۲۴×۹۰ با عمق ۲۰ سانتی‌متر و سکوهایی با میانگین ابعاد $۲/۲۹$ متر طول، ۳۳ سانتی‌متر عرض و ۲۵ سانتی‌متر ارتفاع برای نشستن اهالی روستا دارد. سقف ایوان ستون‌دار و مسجد به صورت مسطح و با ملاط کاهگل و ستون‌های چوبی چنار به فواصل منظم از همدیگر و همچنین با شاخ و برگ درختان پوشانده شده است (جدول شماره ۱، ردیف ۲). از فضای ایوان با دری با ارتفاع $۱/۹۸$ متر و عرض ۸۴ سانتی‌متر می‌توان داخل فضای کفش‌کن شد. فضای مزبور که به علت احداث فضای آبدارخانه شکل L به خود گرفته است، ابعادی به طول و عرض $۷/۷۰ \times ۱۰/۵۰$ متر دارد. این قسمت سه ستون چوبی به میانگین $۳/۰۶$ متر ارتفاع و قطر ۶۴ سانتی‌متر با سرستون‌های شبه ایونی و دو پنجره به سمت فضای بیرون دارد. با دری دیگر به ارتفاع $۲/۱۷$ و عرض $۱/۱۰$ متر از کفش‌کن می‌توان به فضای شبستان مسجد راه یافت. فضای شبستان چهار ستون چوبی به ارتفاع $۲/۹۳$ متر و قطر ۸۷ سانتی‌متر به فاصله $۲/۷۱$ و $۲/۵۸$ متر از همدیگر با پایه ستون‌هایی به میانگین ارتفاع ۱۵ سانتی‌متر و قطر ۹۸ سانتی‌متر و سرستون‌های شبه‌ایونی منحصر به فردی دارد و دیوارهای آن را با کاهگل پوشانده‌اند. فضای مزبور در داخل به طول $۱۰/۰۸$ متر و عرض $۸/۵۰$ متر است. این فضا در ضلع غربی، کم‌دی به ارتفاع $۱/۹۶$ متر و عرض ۹۰ سانتی‌متر دارد. همچنین این ضلع دارای سه طاقچه با میانگین ابعاد ۷۳×۱۰۵ و عمق ۳۵ سانتی‌متر است. در ضلع غربی شبستان نیز کم‌دی به ارتفاع ۲ متر و عرض ۹۰ سانتی‌متر و دو طاقچه به میانگین ابعاد ۷۵×۱۰۵ و عمق ۳۵ سانتی‌متر وجود دارد. محراب در سمت جنوب به ارتفاع $۲/۵۸$ و عرض $۱/۱۰$ متر همراه با دو پنجره دیگر به ابعاد ۲۴۰×۱۴۸ و ۲۴۳×۱۵۱ برای نور و روشنایی به داخل فضای شبستان قرار گرفته است (جدول شماره ۲، ردیف ۳-۴). در بنای مسجد سوناس، استفاده از مصالح سنگ در تمام فضاهای بنا، قابل توجه و منحصر به فرد است. بدین صورت که دیوارها را با ضخامت بیش از یک متر (از سنگ‌های نواحی رودخانه سوناس)، همراه با ملاط کاهگل به شکل منظمی ردیف به ردیف ساخته‌اند. سپس سقف‌ها را با تیرک‌های چوب چنار، شاخ و برگ درختان می‌پوشانند، اینگونه آب‌چکان‌های سنگی از دیوار بیرون می‌زند تا از ریزش مستقیم نزولات جوی به دیوارهای مسجد جلوگیری شود (جدول شماره ۱، ردیف ۲ تا ۵). در بیرون از مسجد و در سمت جنوب آن حوض آبی همانند نمونه مسجد ترجان برای وضو وجود دارد که آب آن در حال حاضر از آب لوله‌کشی روستا و در گذشته به دلیل نزدیکی به رودخانه و دائمی بودن آن از آب

رودخانه تأمین می‌شد. با توجه به کتیبه سنگی، در سال ۱۳۵۱ خورشیدی که در نمای بیرونی مسجد قابل مشاهده است. بنای مسجد را از روی همان پلان و نقشه قبلی و با مصالح سنگ احداث کرده‌اند و در، کمد و پنجره‌های چوبی آن را نجاری ارمنی ساخته است (سوناسی، ۱۳۹۸).

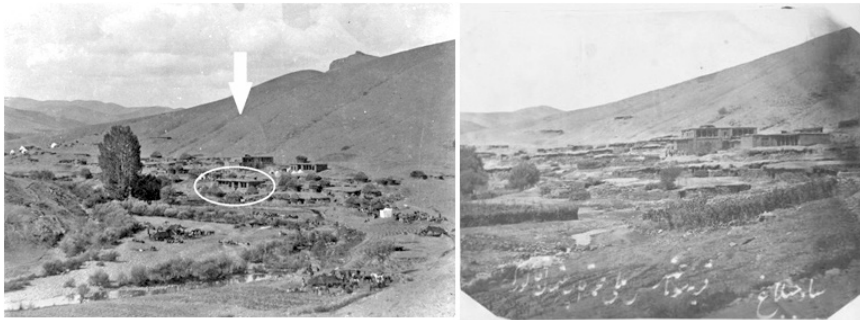
جدول شماره ۱: مشخصات و عناصر معماری مسجد روستای سوناس مهاباد
(سازمان میراث فرهنگی استان آذربایجان غربی، ۱۳۹۳).

ردیف	عنوان	تصویر	طرح
۱	پلان بنا		
۲	نمای جنوبی (ایوان ستون‌دار)		
۳	نمای شمالی		

ردیف	عنوان	تصویر	طرح
۴	نمای غربی		
۵	نمای شرقی		
۶	سرستون شبه ایونی		
۷	مقطع A.B		

تحلیل

قدیمی‌ترین بنای باقی‌مانده در روستای سویناس مسجد آن است که در اواخر دوره قاجار ساخته شده و در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسید و اکنون در تملک اداره کل اوقاف و امور خیریه استان آذربایجان غربی است. علی‌خان والی دو تصویر از روستای سویناس تهیه کرده است که برای مطالعه بافت روستا و بنای مسجد اهمیت دارند (والی، ۱۳۹۵: ۱۷۹). در تصاویر علی‌خان والی دو بازه زمانی مختلف عکس‌ها قابل توجه و تأمل است، بدین صورت که در تصویر اول بنای عمارت اربابی در میان بافت روستا مشاهده می‌شود در حالی که خبری از بنای مسجد نیست و در پایین از مالک روستا به عنوان «محمد آقا پسر عثمان آقا گورک» نام برده، اما در عکس دوم بنای مسجد قابل مشاهده و از مالک روستا به نام «قادر آقای گورک» یاد کرده است (تصویر شماره ۲). علی‌خان والی (۱۲۶۰-۱۳۲۰ ه.ق) از رجال عصر ناصری و مظفرالدین شاه بود (شمیم، ۱۳۸۷: ۲۶۶)، علی‌خان تا سال ۱۳۱۳ ه.ق حاکم اردبیل بوده و از این سال به ترتیب به حکومت‌های مهاباد، سنندج، کرمانشاه و همدان گماشته شده است (نظری، ۱۳۸۸: ۲۵). پس در نتیجه می‌توان با قاطعیت گفت که بنای مسجد در اواخر دوره قاجاریه و در بازه زمانی ۱۳۱۳ تا ۱۳۲۰ ه.ق در عصر مظفرالدین شاه و در زمان قادر آغا مالک روستای سویناس ساخته شده است.



تصویر شماره ۳: نمایی از موقعیت مسجد و بافت روستای سویناس در عصر قاجاریه (والی، ۱۳۹۵: ۱۷۹). از بارزترین ویژگی‌های مسجد سویناس به جزء سرستون‌ها، سادگی و نبود هرگونه تزیینات در عناصر معماری آن است، اما سبک معماری مسجد سویناس، سبک مساجد بومی دیگر نواحی کُردنشین از جمله؛ آذربایجان غربی، کردستان و کرمانشاه را ارائه می‌دهد. پلان مربع یا مستطیل شکل، سقف مسطح، ایوان ستون‌دار در ضلع جنوبی، نبود صحن یا حیاط مرکزی، استفاده از سنگ به عنوان



بارزترین مصالح و مهم‌تر آنکه سرستون‌های شبه‌ایونی^۱ از عناصری هستند که در معماری مساجد و عمارات اربابی عصر قاجاریه در کردستان مشاهده می‌شود. این نمونه سبک در بناهای خانقاه شیخ حسام‌الدین و شمزینان، مسجد سیدنظام و منزل میرزا رحمت شافعی، مسجد کانی‌سیو مهاباد و در مساجد دومنار، شیخ مظهر و ترجان سقز، نیز قابل مشاهده است (جدول شماره ۲، ردیف ۱-۴).

در شکل‌گیری معماری دوره قاجاریه دو عامل مهم داخلی و خارجی نقش اساسی داشته‌اند. رفت و آمد هیئت‌های دولت به اروپا و سفر ناصرالدین شاه به فرنگ، ورود اتومبیل در دستگاه حمل و نقل شهری، اعزام دانشجویان به اروپا و ورود معلمان اروپایی به دارالفنون از عوامل خارجی بود که در شکل‌گیری معماری دوره قاجار نقش اساسی داشت (کیانی، ۱۳۷۴: ۱۰۷). بدین صورت که در طراحی و تزیینات نقاشی، شیشه‌های الوان در داخل طاق‌ها یا درهای چوبی معروف به ارسی‌های مثبت‌کاری، ستون‌سازی چهارلنگه یا سه‌لنگه (سه‌دری و چهاردری) به صورت ساده یا متحرک، قوس‌های تمام‌دور رومی، پنجره‌های تزیینی، حوض‌خانه‌ها، سرستون‌های ایونی^۲ و آتشدان‌های ساسانی از بارزترین تلفیق عناصر معماری و تزیینی به سبک ایرانی و اروپایی است. مسجد سویناس همانند دیگر مساجد سیدنظام، ترجان، دوکچی، خانقاه‌های شیخ حسام‌الدین و شمزینان در مهاباد با سرستون‌های نوع ایونی، پلان مستطیل شکل با ایوان ستون‌دار در ضلع جنوبی آن در واقع نوعی سبک بومی مساجد عصر قاجاریه به لحاظ فرم پلان و تزیینات در منطقه مکریان ارائه می‌دهد.

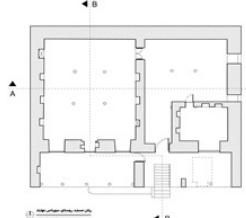
توجه خاصی به ساخت بنای این مسجد در منطقه‌ای کوهستانی شده است. بدین صورت که بنای مسجد سویناس صحن یا حیاط مرکزی ندارد، زیرا وجود آن در منطقه کوهستانی به دلیل ریزش نزولات جوی مشکلات و گاه مزاحمت زیادی برای نمازگزاران به وجود می‌آورد. مسجد سویناس با ایوان ستون‌دار به سمت جنوب و در جهت آفتاب قرار گرفته است. ایوان ستون‌دار از ورود مستقیم ریزش‌های جوی در فصل بارندگی به داخل مسجد ممانعت می‌کند. همچنین فضای مزبور در ایامی با آب و هوای مطلوب، مکان مناسبی برای تدریس و اقامه نماز است. واقع شدن به سمت جنوب همانند بافت روستا به شکل پلکانی موجب می‌شود تا بنای مسجد از حداقل نور آفتاب در فصل زمستان بهره گیرد، به طوری که در ورودی از ایوان به داخل شبستان و بازشوها نیز در این سمت قرار گرفته‌اند. محل احداث مسجد سویناس تا حدی شیب دارد به گونه‌ای که ضلع شمالی مسجد در زیرزمین فرو رفته که





۱. در اصلاح محلی به نوع سرستون‌های شبه ایونی فضای شبستان و کفش کن مسجد سویناس «کوتره» می‌گویند (سلیمی و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۲).

۲. در مسجد سویناس، متعلق به اواخر عصر قاجاریه، تنها این نوع عنصر معماری موجود است.

سطح تماس بدنه‌ها با محیط باز و در نتیجه تبادل حرارت کاهش می‌یابد. شبستان در مسجد سویناس دیوارهای ضخیم و حداقل سطح باز شو را دارند. فضاهای تودرتو و دسترسی از یک فضا به فضای دیگر (شبستان به کفش کن)، بدون نیاز به عبور از فضای باز میسر و سطح تماس با خارج محدود است. مصالح سنگ از بارزترین عناصر در معماری بنای مسجد سویناس است. در اکثر نقاط کردستان به دلیل شرایط سخت آب و هوایی سنگ بهترین مصالح در برابر شرایط آب و هوای کوهستانی است. همان طور که گفته شد، سنگ این بنا از رودخانه‌ی اطراف روستا است، همچنین از خاکی در مکانی با عنوان «گله‌جان» که درصد زیادی رُس دارد برای اندود کردن دیوار داخلی فضای شبستان، کاهگل کردن سقف بنا و... استفاده شده است. افزون بر سنگ، گل، چوب چنار، شاخ و برگ درختان، آجر (به صورت معدود فقط در مرمت‌های گذشته ایوان) از دیگر مصالحی است که در بنای مسجد به کار رفته، در نتیجه به علت کوهستانی و صعب‌العبور بودن راه‌های منطقه، استفاده از مواد و مصالح غیربومی مشکل بوده و هزینه‌های زیادی داشته است.

جدول شماره ۲: مطالعه تطبیقی مسجد سویناس با دیگر فضا‌های مذهبی عصر قاجاریه در کردستان (نگارنده).

ردیف	عناصر معماری و بنای مورد مقایسه	مسجد سویناس	بنای مورد مقایسه	منبع
۱	ایوان ستون‌دار خانقاه شمزینان مهاباد			سلیمی، ۱۳۹۶: ۱۵۲
۲	پلان مسجد ترجان سقز			سلیمی و صلح‌جو، ۱۳۹۷: ۹۰

منبع	بنای مورد مقایسه	مسجد سویناس	عناصر معماری و بنای مورد مقایسه	ردیف
همان، ۹۱			سرستون شبه ایونی شبستان مسجد ترجان	۳
سلیمی و دیگران، ۱۳۹۸: ۹			فضای شبستان خانقاه شیخ حسام‌الدین	۴

نتیجه‌گیری

اطلاعات موجود در ارتباط با شهرستان مهاباد به خصوص در مناطق کوهستانی به دلیل نبود بررسی‌های منسجم و روشمند باستان‌شناسی در این نواحی بسیار اندک و ناقص است. در حالی که این منطقه بر روی یکی از جاده‌های تبریز به بغداد واقع شده است و سیاحان و جهانگردان به نقش مبادلات تجاری و بازرگانی این منطقه اشاره کرده‌اند. همچنین آثار دیگری مانند کاروان‌سرای کوخ کورتک و پل سلطان متعلق به عصر صفویه که در آن شناسایی شده‌اند نشان از جایگاه آن در مطالعات باستان‌شناسی دوره اسلامی دارد. سویناس یکی از مهم‌ترین روستاهای شهرستان مهاباد است که در تقسیمات سیاسی یک سده پیش به عنوان مرکز منطقه گورک مکرری مهاباد، سردشت و بوکان محسوب می‌شد. خوانین روستا با احداث عمارت اربابی فاخر و بعدها ساخت مسجد آنچنان که در تصاویر علی‌خان والی مشاهده می‌شود، اهمیت سیاسی و مذهبی سویناس را دو چندان کرده‌اند. در حال حاضر، متأسفانه به دلیل منازعات بین دو ایل منگور و گورک از بنای نخستین عمارت آثار چندانی باقی نمانده و بنای مسجد نیز در چند دهه گذشته مرمت و بازسازی شده است. در دوره قاجاریه در اکثر روستاهای کردستان مساجدی وجود داشتند که از آنها به عنوان مدارس نیز استفاده می‌کردند و بقای آنها به حمایت مالی خوانین محلی بستگی داشت. تعدادی از این

خوانین به دلیل علاقه شخصی به امور مذهبی اقدام به بنا نهادن مساجدی با کارکرد تعلیم و تربیت می‌کردند و برای اداره آنها از روحانیون سرشناس و متنفذ محلی بهره می‌گرفتند. به طور کلی بنای مسجد سویناس کانون مذهبی و دینی اربابان گورک و مردم سویناس بوده است. این مسجد همانند مسجد ترجان سقز و با کمک مالی اربابان روستا به صورت مدرسه‌ای بوده که در آن طلاب و فقها به تحصیل علوم مذهبی می‌پرداختند. اصلاحات اراضی عصر پهلوی با هدف قرار دادن منابع مالی اربابان و خوانین محلی و ایجاد مدارس و دانشگاه‌هایی به سبک جدید، به تدریج از اهمیت و اعتبار مراکز آموزشی مانند سویناس کاست. با توجه به اینکه سویناس در منطقه‌ای با آب و هوایی کوهستانی واقع شده، الگوی ساخت بنای مسجد به تبعیت از اقلیم منطقه بنا گردیده است. در مجموع می‌توان گفت که ساختار معماری مسجد مزبور برگرفته از الگوهای بومی و منطقه‌ای کردستان و از جمله نواحی مَکریان است.

کتابنامه

- اعتماد السلطنه، محمد حسن بن علی و مترجمان وزارت انطباعات. (۱۳۶۸). *مرآة البلدان*. تصحیحات حواشی و فهارس از عبدالحسین نوائی و میرهاشم محدث. ج ۴. تهران: دانشگاه تهران.
- اوین، اوژن. (۱۳۶۲). *ایران امروز (۱۹۰۷-۱۹۰۶)*: سفرنامه و خاطرات اوژن اوین سفیر فرانسه در ایران در آستان جنبش مشروطیت. ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران: زوآر.
- ایگلتن جونیر، ویلیام. (۱۳۶۱). *جمهوری ۱۹۴۶ کردستان*. ترجمه سیدمحمد صمدی. مهاباد: سیدیان.
- پدرام، محمود. (۱۳۷۳). *تمدن مهاباد (مجموعه آثار باستانی از قلعه دمدم تا تخت سلیمان...)*. تهران: هور. تابانی، حبیب‌الله. (۱۳۴۵). *بررسی اوضاع طبیعی، اقتصادی و انسانی کردستان در نمونه کردستان مَکری*. تهران: وثوق.
- خالدی، شورش. (۱۳۹۵). *نقشه گردشگری شهرستان مهاباد*. مجری طرح: شرکت مهندسین مشاور سنور هیوای میدیا.
- دمورگان، ژاک. (۱۳۳۹). *جغرافیای غرب ایران*. ترجمه کاظم ودیعی. تبریز: شفق تبریز.
- روژیانی، محمد جمیل بندی. (۱۳۸۱). *فرمانروایی مَکریان در کردستان از دروان باستان تا عصر قاجار*. مترجم شهباز محسنی. تهران: آنا.
- ریاضی، محمدرضا. (۱۳۷۴). «جاده ابریشم: شکل‌گیری و پیشینه». *باستان‌شناسی و تاریخ*، سال ۹. ش ۲. صص ۴۸-۵۵.
- سازمان میراث فرهنگی استان آذربایجان غربی. (۱۳۹۳). *گزارش ثبتی پرونده مسجد سویناس*. ارومیه: بایگانی اداره میراث فرهنگی آذربایجان غربی.



- سجاذزاده، حسن؛ دریایی، رحمت؛ ابراهیمی، محمدحسین؛ مصری، سارا. (۱۳۹۵). «تعامل الگوی فضایی مسجد - مدرسه‌های دوره قاجار با معماری وارداتی غرب (نمونه موردی مسجد - مدرسه سپهسالار تهران)». پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران. دوره ۷. ش ۱۴. صص ۲۲۱-۲۴۰.
- سلیمی، اسماعیل. (۱۳۹۶). روند شکل‌یابی و توسعه شهر مهاباد با اتکاء بر داده‌های باستان‌شناسانه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران.
- سلیمی، اسماعیل. (۱۳۹۸). «نگاهی به روند و استمرار عناصر معماری عصر آهن III در روستای آغوتمان». فصلنامه کشکول (فصلنامه تخصصی اسناد و نسخه‌های خطی مناطق کردنشین). سال ۴. ش ۱. صص ۱۰۶-۱۲۶.
- سلیمی، اسماعیل؛ صلح‌جو، جمیله. (۱۳۹۷). «بررسی و معرفی مسجد روستای ترجان سقز». فصلنامه باستان‌شناسی ایران. سال ۸. ش ۱. صص ۷۸-۹۶.
- سلیمی، اسماعیل؛ صلح‌جو، جمیله؛ محمودنژاد، منصور. (۱۳۹۸). «بررسی باستان‌شناختی خانقاه شیخ حسام‌الدین مهاباد». چهارمین همایش ملی باستان‌شناسی ایران. بیرجند. صص ۲۰-۱.
- سویناسی، سلیم. (۱۳۹۸). مهاباد: مصاحبه. [نوار موجود].
- شمیم، علی‌اصغر. (۱۳۸۷). ایران در دوره سلطنت قاجار (قرن سیزدهم و نیمه اول قرن چهاردهم). تهران: بهزاد.
- صمدی، سیدمحمد. (۱۳۷۳). نگاهی به تاریخ مهاباد. مهاباد: رهرو.
- فلاندن، اوژن. (۱۳۲۶). سفرنامه اوژن فلاندن به ایران. ترجمه حسین نور صادقی. چ ۳. تهران: اشراقی.
- کرزن، جرج. ن. (۱۳۴۷). ایران و قضیه ایران. ترجمه وحید مازندرانی. ج ۱. تهران: علمی و فرهنگی.
- کریمی، بهمن. (۱۳۲۹). راه‌های باستانی و پایتخت‌های قدیمی غرب ایران. تهران: بینا.
- کریمیان، حسن؛ سلیمی، اسماعیل. (۱۳۹۸). مهاباد؛ شکل‌یابی، توسعه فضاهای شهری و بناهای تاریخی. تهران: جهاد دانشگاهی.
- کیانی، محمد یوسف. (۱۳۷۴). پایتخت‌های ایران. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- کیانی، محمد یوسف. (۱۳۹۰). معماری ایران دوره اسلامی. چ ۹. تهران: سمت.
- مامندی، سعید. (۱۳۹۵). ایل گورک (تاریخ و گستره ایل گورک در ایران). مهاباد: هیوا.
- مجیدزاده، یوسف. (۱۳۶۶). «سنگ لاجورد و جاده بزرگ خراسان». باستان‌شناسی و تاریخ. سال ۱. ش ۲. صص ۲-۱۲.
- مُلازاده، کاظم؛ محمدی، مریم. (۱۳۷۸). دایرة المعارف بناهای تاریخی دوره اسلامی (بناهای آرامگاهی). چ ۲. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی حوزه هنری.
- مُلازاده، کاظم؛ محمدی، مریم. (۱۳۷۹). بناهای عام المنفعه (آب‌انبار، بازار، پل، سد و حمام). تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.

- مینورسکی، ولادیمیر فنودوروویچ. (۱۳۷۸). نام‌های جغرافیایی و ریشه‌های تاریخی آنها در آذربایجان (ماد). ترجمه رقیه بهزادی. تهران: پژوهنده.
- مینورسکی، ولادیمیر فنودوروویچ. (۲۰۰۷). بنچینه‌کانی کورد و چهند و تاریکی کوردناسی، وه‌رگیر نه‌جات عه‌بدوللا، بخش ۱. سلیمانیه: مه‌کته‌بی بیر و هوشیاری.
- ناهید، عبدالله. (۱۳۶۲). *خاطرات من*. به کوشش احمد قاضی. تهران: نفیسی‌فر.
- نظری، فرهاد. (۱۳۸۸). «کتاب عکس علی‌خان والی». گلستان هنر. ش ۱۵. صص ۲۱-۳۵.
- نوحه‌خوان، حامد. (۱۳۹۱). «معیارهای تقسیمات کشوری در دورهٔ پهلوی»، خردنامه، سال ۴. ش ۹. پاییز. صص ۱۱۳-۱۳۷.
- نورسی، حامید. (۱۳۹۷). *بناهای تاریخی شهرستان مهاباد در ادوار صفویه و قاجار*. ویراستار علی صدرائی. تبریز: پروژه ترجمه حسنلو.
- هیلن براند، رابرت. (۱۳۸۰). *معماری اسلامی (شکل، کارکرد، معنی)*. ترجمه باقر آیت‌الله زاده شیرازی. تهران: روزنه.
- والی، علیخان (۱۳۹۵)، *آلبوم تصاویر تاریخی علی‌خان والی*، به کوشش: یوسف بیگ باباپورو مسعود غلامیه، تهران: منشور سمیر.
- Bishop, I. (1891). "Journays in Persia and Kurdistan". Vol II. London: John Murray.
- Kerporter, S. R., 1821, "Travels in Georgia, Persia, Armenia, Ancient Babylonia". Vol. 1. London: printed for Longman, Hurst, Rees, Orme, and Brown.
- Pfeiffer, I. (1948). "A Woman's Journey Round the World (from Vienna to Brazil, Chili, Tahiti, China, Hindostan, Persia, and Asia Minor)" London: Strand.
- Rawlinson. H. C. (1840). "Notes on Journey from Tabriz, through Persian Kurdistan, to the Ruins of Takhti- Soleiman, and fram Thence by Zenjan and Tarom, to October and November, 1838; With a Memoir on the Site of the Atropatenian Ecbatana". Journal of the Royal Geographical Society of London. Vol 10. PP 1-64.
- Wagner, M. (1856). "Travels in Persia, Georgia and Koordistan", With Shetches of the Cossacks and the Cossacks. Vol III. London: Pablshers Hurst and Blackett.

انتظارات ایرانیان از ایران‌شناسی روسیه^۱

محسن شجاعی^۲

چکیده

ایران‌شناسی روسیه همواره از سوی ایرانیان به عنوان منبعی برای طرح و بحث مسائل جدی و پرسش برانگیز درباره تمام جنبه‌های تاریخ و فرهنگ ایران مطرح بوده است. با وجود این پس از فروپاشی شوروی و پیشرفت‌های به دست آمده در این حوزه انتظار می‌رفت که ایران‌شناسان روسیه به بازاندیشی نظرات و داوری‌های پیشین خود بپردازند. از سوی دیگر با توجه به دسترسی این گروه از ایران‌شناسان به آرشیوها، اسناد و مدارک کمیاب که پیشتر دسترسی به آنها هیچ مقدور نبود، انجام پژوهش‌های بنیادین با تکیه بر این دست مدارک و اسناد خواسته دیگر جامعه علاقه‌مند ایران از آنان است. در این مقاله با ذکر نمونه‌های مشخص از هر یک از موارد پیش گفته، نویسنده انتظارات یاد شده را مطرح کرده و مورد بحث قرار داده است.

کلید واژگان: ایران‌شناسی روسیه، ایران‌شناسی شوروی، ترجمه آثار ایران‌شناسی.

۱. این مقاله همراه با برخی تغییرات و اضافات برگرفته از متن سخنرانی نگارنده در چهارمین همایش ایران‌شناسان روسیه در آذر ماه سال ۱۳۹۷ (مسکو) است.

۲. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی دپارتمان مترجمی زبان روسی واحد تهران شمال. m_shojaee@iau.tnb.ac.ir

مقدمه

در میان ایرانیانی که به جنبه‌های گوناگون تاریخ میهن خود علاقمند هستند، ایران‌شناسی روسیه (هم در دوران تزاری و هم در دوران شوروی) همواره یادآور پرسش‌های بحث‌انگیز بوده و هست. این نکته‌ای است که هم در مباحث تاریخی، هم در مطالب مربوط به دین و مذهب و هم در بحث‌های زبان‌شناسی ایرانی دیده می‌شود. تا چند دهه پیش ترجمه و انتشار هر یک از آثار ایران‌شناسان شوروی در ایران بحث‌های داغی به راه می‌انداخت، زیرا ژرفا و گستردگی پژوهش‌های آنان اجازه نمی‌داد تا نظرات ارائه شده در کتاب‌ها و مقالات‌شان نادیده گرفته شود. این وضعیت از یک سو ریشه در توان علمی محافل دانشگاهی روسیه داشت و از سوی دیگر از دسترسی بی‌واسطه ایران‌شناسان روس به منطقه گسترده‌ای ناشی می‌شد که در سده ۱۹ به قلمروی روسیه درآمده بود. این منطقه، قفقاز شمالی و جنوبی در غرب دریای مازندران و بسیاری از شهرها و مناطق ماوراءالنهر تاریخی در شرق این دریا را در برمی‌گرفت. به هر روی نام‌هایی همچون بارتولد^۱، ژوکوفسکی^۲، دیاکونوف^۳، لوکونین^۴، آرانسکی^۵، پتروشفسکی^۶ و بسیاری دیگر از نام‌های ایران‌شناسان روس و شوروی برای ایرانیان نام‌های آشنایی هستند. سهم این دانشمندان برجسته در خودشناسی تاریخی اقوام ایرانی بسیار است. اما با توجه به اصالت و نوگرایانه بودن بسیاری از آثار ایران‌شناسان روس و شوروی، ایرانیان انتظار دارند که در دوره پسا شوروی نیز ایران‌شناسی روسیه ضمن ادامه راه پرافتخار خود، در مسیر حذف کاستی‌ها، بازبینی پاره‌ای از نظرات ایدئولوژیک و پاسخ‌گویی به برخی مسائل که از گذشته و بدون پاسخ درخور باقی مانده‌اند، گام بردارد. به برخی از این مسائل در ذیل اشاره خواهد شد.

می‌توان مسئله خط میخی فارسی باستان را به عنوان نخستین نمونه مطرح کرد. آیا داریوش اول این خط را اختراع کرد یا تنها آن را اصلاح نمود و برخی نویسه‌ها را به منظور نشان دادن بهتر آواهای زبان فارسی باستان همگون‌سازی کرد؟ آیا کلام آخر در اینجا از آن واسیلی واسیلی یویچ استرووه^۷ است که نظراتش در مقاله‌ای پس از مرگش در سال ۱۹۶۸ منتشر شد (Struve, 1968) یا، آن گونه است که دکتر بدرالزمان قریب، زبان‌شناس برجسته ایرانی در یکی از سخنرانی‌هایش مطرح

1. Vasilii Vladimirovich Bartol'd
2. Valentin Zhukovskiy
3. Igor Mikhailovich D'iakonov
4. Vladimir Grigor'evich Lukonin
5. Iusif Mikhailovich Oranskiy
6. Ilya Pavlovich Petrushevskiy
7. Vasily Vasilievich Struve

ساخته است؟ (قریب، ۱۳۸۷). واسیلی استرووه در پایان مقاله یاد شده که با رجاعات و زیرنویس‌های فراوانی نیز همراه است، نتیجه می‌گیرد که خط میخی فارسی باستان به احتمال فراوان از ساخته‌های داریوش یکم نیست، بلکه به دوران دولت ماد باز می‌گردد، نکته‌ای که در عنوان مقاله نیز به آن اشاره می‌کند.^۱ امروز با در دست بودن داده‌های تازه این مسئله بی‌تردید نیازمند بررسی بیشتر است. نمونه دیگر مسئله‌ای است که پیوند تنگاتنگ با ایدئولوژی رسمی اتحاد شوروی داشته است. سخن از شیوه تولید آسیایی است. در این موضوع نیز تا چه اندازه واسیلی استرووه برحق است؟^۲ آیا در جوامع باستانی ایران و میان‌رودان نظام برده‌داری حاکم بوده است؟ آیا نیروی تولیدی اصلی در شرق باستان از برده‌ها تشکیل می‌شد؟ این مسئله نیازمند پاسخ مشخصی است. البته مقاله‌ای که اخیراً سرگی باریسوویچ کریخ^۳، تاریخدان دانشگاه دولتی امسک، با عنوان «تاریخ یک شکست: مبارزه آکادمیسین نیکولسکی در راه فهم ساختار اجتماعی جوامع شرق باستان» (Krikh, 2018) منتشر کرده، تا حدودی ابعاد شدیداً ایدئولوژیک این مسئله را روشن ساخته است. وی در این مقاله به شرح بحث‌ها و مجادلات نیکالای میخائیلوویچ نیکولسکی^۴ (۱۸۷۷-۱۹۵۹)، از شرق‌شناسان دانشگاه مینسک (بلاروس) و از مخالفان نظریه وجود شیوه تولید برده‌داری در شرق باستان، با واسیلی استرووه می‌پردازد. اما کریخ در کنار ضعف روش نیکولسکی، دور بودن وی از مراکز اصلی شرق‌شناسی در شوروی (مسکو و لنینگراد) را از عوامل اصلی شکست وی در این مجادله علمی-ایدئولوژیک به شمار می‌آورد.

نمونه دیگری که نیازمند روشن‌سازی است، در حوزه زبان‌های ایرانی جای می‌گیرد؛ در حالی که در شاهکار چندجلدی ایران‌شناسی شوروی و روسیه، یعنی مبانی زبان‌شناسی ایرانی (Osnovy, 1979) (2010) به روشنی بیان شده است که فارسی، لری و بختیاری را می‌توان گونه‌های گویشی یک زبان دانست (Kerimova, 1982: 287)، پس بر چه پایه‌ای ایران‌شناس فقید، روسلان لازاریویچ تسابولوف^۵ که فرهنگ ریشه‌شناسی زبان کردی را نیز نوشته است (TSabолоv, 2001, 2010)، گویش لری را به زبان کردی منسوب می‌کند که یک زبان ایرانی شمال غربی است (تسابولوف، ۱۹۹۷: ۱۶۶) و به این نکته توجه نمی‌کند که گویش لری نشانه‌های آشکاری از شاخه جنوب غربی زبان‌های ایرانی دارد.

۱. ترجمه عنوان مقاله استرووه چنین است: «اصلاح خط از سوی داریوش یکم (بند ۷۰ کتیبه بیستون) و دست‌آورد بزرگ فرهنگ قوم ماد».

۲. واسیلی واسیلی یویچ استرووه (۱۸۸۹-۱۹۶۵) از خاورشناسان به نام شوروی بود که در نوشته‌های خود به شدت از نظریه وجود نظام برده‌داری در شرق باستان جانبداری می‌کرد. برای نمونه ر. ک. به: (Struve, 1934).

3. Sergey Borisovich Krikh

4. Nikolay Mikhailovich Nikol'skiy

5. Ruslan Lazarevich TSabолоv



مسئله دیگر در حوزه زبان‌های ایرانی مربوط به تقطیع هجایی در زبان فارسی است. تمام زبان‌شناسان ایرانی با هم‌رایی، وجود واکه^۱ در آغاز هجا را در زبان فارسی رد می‌کنند. اما ایران‌شناسان روسیه همچنان به وجود هجاهای به اصطلاح «ناپوشیده»^۲ که با واکه آغاز می‌شوند (هجاهای V, VC, VCC) اعتقاد دارند.^۳

نکته دیگری که باید بدان پرداخت آن است که دسترسی نسبتاً آزادانه ایران‌شناسان روسیه به آرشیوها و مخزن‌های گوناگون کتابخانه‌ها به آنان این امکان را می‌دهد تا پیچیده‌ترین مسائل تاریخی را با تکیه بر مدارک آرشیوی باز بشکافند. از این رو انتظار می‌رود که ایران‌شناسان روسیه بیشتر پژوهش‌هایی را منتشر کنند که مبتنی بر اسناد و مدارک موجود در آرشیوها هستند. از جمله اینگونه پژوهش‌ها در دوره شوروی می‌توان اثر دو جلدی پتر پاولوویچ بوشیف^۴ را نام برد (Bushev, 1976; Bushev, 1987) که در آن «برپایه آرشیوهای روسی»^۵ به بررسی آغاز روابط دیپلماتیک میان ایران صفوی و روسیه سده‌های ۱۶ تا ۱۷ میلادی پرداخته شده است. این کتاب به بهترین شیوه مجموعه مطالب تاریخی مربوط به موضوع و تحلیل ژرف آنها را در خود گرد آورده که متأسفانه تاکنون به فارسی ترجمه نشده است.

اما پژوهش بنیادینی که در دوره شوروی انجام گرفته و برخلاف نمونه پیشین ترجمه‌های گوناگونی از آن در دست است، کتاب فرهنگ مسلمانان نوشته واسیلی ولادیمیروویچ بارتولد، شرق‌شناس بسیار پرآوازه روس است. اصل این اثر در سال ۱۹۱۸ در پتروگراد (سن پترزبورگ کنونی) منتشر شده و در جلد ششم مجموعه آثار^۶ جلدی این دانشمند نیز به چاپ رسیده است.^۶ این نوشته را نخستین بار علی‌اکبر دیانت ترجمه کرد و در سال ۱۳۳۷ در تبریز منتشر شد (بارتولد، ۱۳۳۷). سپس در سال ۱۳۸۳ بار دیگر عباس به‌نژاد ترجمه دیگری از آن ارائه کرد (بارتولد، ۱۳۸۳). و بار آخر نیز در سال ۱۳۸۹ ترجمه سوم این کتاب از لیلا ربن‌شه به چاپ رسیده است (بارتولد، ۱۳۸۹) که البته به دلیل ترجمه از اصل روسی، به دست مترجمی که آثار دیگری از ایران‌شناسان روس را از زبان روسی ترجمه کرده، انتظار می‌رود نسبت به دو ترجمه پیشین برتری داشته است.

۱. مصوت

۲. اصطلاح «هجای ناپوشیده» (неприкрытый слог) برگرفته از (Poliakov, 1988: 151) است.

۳. برای نمونه ر. ک به (Poliakov, 1988: 150-152; Rubinchik, 2001: 36).

4. Petr Pavlovich Bushev

۵. کلمات داخل گیومه برگرفته از عنوان همان کتاب است.

۶. ر. ک به (Bartol'd, 1966).

از دیگر پژوهش‌های بنیادینِ دوران شوروی که بر پایهٔ اسناد موجود در آرشیوها انجام شده بود، می‌توان از آثار اولگا آلکساندریونا سوخاریوا^۱ و آلکسی میخایلوویچ ماتوی یف^۲ نام برد که از مهاجران و اسیران ایرانی در شهرهای خان‌نشین آسیای میانه در پایان سدهٔ ۱۹ و آغاز سدهٔ ۲۰ میلادی می‌نوشتند.^۳ کتاب‌ها و مقالاتی که دو پژوهشگر یادشده در این زمینه نوشته‌اند، همانندی ندارد.

اما در دوران پساشوروی یکی از نخستین آثار ایران‌شناختی که «بر پایهٔ مطالب آرشیو‌هایی که بیشتر بسته بودند» (Persits, 1996: 4) نوشته شده و در میان کتاب‌خوان‌های ایرانی با استقبال روبه‌رو شد، کتاب کوچکی از مایسی آرونوویچ پرسیتس^۴ با عنوان گویای تجاوز خجولانه است. این کتاب دربارهٔ روابط پیچیدهٔ جنبش جنگل در شمال ایران در آغاز سدهٔ ۲۰ میلادی و حکومت جوان شوروی است. در ایران کتاب پرسیتس با دو ترجمه از دو مترجم گوناگون (پرسیتس، ۱۳۷۹؛ پرسیتس، ۱۳۸۴) چندین بار منتشر شده و در پیشاور پاکستان نیز به ترجمهٔ عزیز آریانفر، مترجم افغانستانی، به چاپ رسیده است (پرسیتس، ۲۰۰۰). همچنین به لطف نقدی که نینا میخایلوونا مامدووا^۵، رئیس بخش ایران در انستیتوی خاورشناسی روسیه، در مجلهٔ واستوک (شرق) نوشته است (Mamedova, 2018)، کتاب مستند جدیدی مطرح شد که در آن به یکی از بحث‌برانگیزترین مسائل در تاریخ روابط ایران و روسیه پرداخته شده است: جنگ‌های ایران و روس در سدهٔ ۱۹ میلادی. اما این کتاب را که در آن وضعیت سپاه ایران در این دورهٔ تاریخی حکایت شده است، نه ایران‌شناسان، بلکه دو تن از کارشناسان تاریخ روسیه در دانشگاه فدرال قفقاز شمالی نوشته‌اند (Krugov; Nechitailov, 2016).

از پژوهش‌های بسیار سودمند و مبتنی بر منابع آرشیوی که ایران‌شناسان روسیه انجام داده‌اند و باید از آن‌ها قدردانی شود، کتاب تاریخ شکل‌گیری مرزهای روسیه با ایران است که لیودمیل کولاگینا^۶ و یلنا دونایوا^۷، از ایران‌شناسان انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم روسیه آن را نوشته‌اند (Kulagina; Dunaeva, 1998). چگونگی شکل‌گیری مرزهای کنونی ایران با همسایگانش بی‌شک از پرطرفدارترین مباحث حوزهٔ ایران‌شناسی است. بهرام امیراحمدیان، پژوهشگر حوزهٔ اوراسیا،

1. Ol'ga Aleksanrovna Sukhareva

2. Aleksei Mikhailovich Matveev

۳. نگارنده پیش از این از آثار مربوط به ایرانیان شهرهای آسیای میانه در دورهٔ تاریخی یادشده یک اثر را ترجمه (ماتوی یف، ۱۳۷۱) و یک اثر را نیز بازنویسی و منتشر نموده است (عینی، ۱۳۷۲).

4. Moisei Aronovich Persits

5. Nina Mikhailovna Mamedova

6. Liudmila Kulagina

7. Elena Dunaeva

پس از آشنایی با این کتاب، آن را به دست آلکساندر چولوخادزه، دانشجوی گرجستانی دکترای زبان فارسی می‌سپارد تا آن را ترجمه کند (کولاگینا و دونایوا، ۱۳۸۸). سپس پیشگفتار مبسوطی به کتاب افزوده و برخی نکات مورد بحث در متن را نیز در زیرنویس‌ها توضیح داده است. با وجود این، به دلیل ذکر برخی مسائل تاریخی در این کتاب که از دید روسیه طرح شده و با آنچه پذیرفته ایران‌شناسان دیگر کشورهاست، تفاوت بسیار دارد، کتاب نیازمند نقدی جدی است که هنوز از سوی ایرانیان یا ایران‌شناسان کشورهای دیگر انجام نگرفته است.

اثر لانا راوندی فدایی، از پژوهشگران انستیتوی خاورشناسی مسکو و تورج اتابکی، پژوهشگر ارشد در پژوهشکده تاریخ اجتماعی دانشگاه لیدن هلند، با عنوان قربانیان زمانه (Atabaki & Ravandi Fadai, 2016) را که درباره کارگران مهاجر ایرانی در قفقاز در پایان سده ۱۹ و آغاز سده ۲۰ میلادی است، باید از زمره آثار بنیادین دانست. این دو نویسنده بر پایه جست و جوی‌های طولانی در آرشیوها موفق شده‌اند برخی از ناشناخته‌ترین گوشه‌های تاریخ روابط مردمان دو کشور ایران و روسیه در منطقه قفقاز را روشن سازند.^۱

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب بیان شده، می‌توان نتیجه گرفت که واکنش‌هایی مانند ترجمه دوباره و بازچاپ‌های متعدد کتاب مایسی پرسیتس یا ترجمه بی‌درنگ کتاب قربانیان زمانه نشان‌دهنده رویکرد مثبت جامعه ایرانی به پژوهش‌های بنیادینی است که از سوی ایران‌شناسان روسیه انجام می‌شود. سنت پربرابر ایران‌شناسی روسیه نیز نشان داده است که چشم داشت ایرانیان به پژوهش‌های جدید ژرف و همه‌جانبه درباره ایران از سوی دانشمندان روس بی‌شک تحقق خواهد یافت.

کتابنامه^۲

- اتابکی، تورج؛ راوندی فدایی، لانا. (۱۳۹۶). «همشهریان، مهاجران فصلی ایرانی در روسیه تزاری». ترجمه آبتین گلکار. نگاه نو. سال ۲۷. ش ۱۱۶. صص ۹۳-۱۱۰.
- بارتولد، واسیلی ولادیمیروویچ. (۱۳۳۷). فرهنگ و تمدن مسلمانان. ترجمه و توضیح علی‌اکبر دیانت. تبریز: ابن سینا.
- بارتولد، واسیلی ولادیمیروویچ. (۱۳۸۳). فرهنگ و تمدن اسلامی. مترجم عباس به‌نژاد. ویراسته

۱. این کتاب اکنون در حال ترجمه به زبان فارسی است و به زودی در ایران منتشر خواهد شد. رک. به: اتابکی، راوندی فدایی، ۱۳۹۶.

۲. نام و نام‌خانوادگی نویسندگان در منابع روسی برای جستجوی راحتتر خوانندگان نخست به زبان انگلیسی، سپس به زبان روسی نوشته شده است.

- مرتضی اسعدی. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- بارتولد، واسیلی ولادیمیروویچ. (۱۳۸۹). فرهنگ اسلامی. ترجمه لیلا ربن‌شه. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- پرسیتس، مایسی آرونوویچ. (۱۳۷۹). بلشویک‌ها و نهضت جنگل. ترجمه حمید احمدی. تهران: مؤسسه نشر و پژوهش شیرازه.
- پرسیتس، مایسی آرونوویچ. (۲۰۰۰). تجاوز بی‌آزرمانه (پیرامون تجاوز به ایران و بخارا در سال‌های ۱۹۲۰ - ۱۹۲۱). ترجمه عزیز آریانفر. پیشاور: سباکتابخانه، مرکز نشراتی میونه.
- پرسیتس، مایسی آرونوویچ. (۱۳۸۴). دخالت شوروی در جریان نهضت جنگل در سال‌های ۱۹۲۰-۱۹۲۱. ترجمه ابوالفضل کیانی بختیاری. زیر نظر کیانوش کیانی هفت لنگ. تهران: نشر شاهد.
- تسابولوف، روسلان. (۱۹۹۷). «تاریخ بعضی کلمات کردی». مقاله‌های پژوهشی در زبان‌ها و ادبیات ایران، افغانستان و تاجیکستان. شماره نخست. مسکو: انستیتوی کشورهای آسیا و آفریقا، وابسته به دانشگاه دولتی مسکو، کرسی زبان‌ها و ادبیات ایران، افغانستان و تاجیکستان. صص ۱۶۶-۱۷۳.
- عینی، صدرالدین. (۱۳۷۲). «نزاع شیعه و سنی در بخارا، یک توطئه». بازنویسی محسن شجاعی. مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز. سال ۲. ش ۲. صص ۳۷-۴۸.
- قریب، بدرالزمان. (۱۳۸۷). «خط میخی فارسی باستان». نخستین مجموعه سخنرانی‌های مشترک فرهنگستان زبان و ادب فارسی و بنیاد ایران‌شناسی. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی. صص ۴۳۵-۴۶۲.
- کولاگینا، لیودمیلا؛ دونایوا، یلنا. (۱۳۸۸). تاریخ شکل‌گیری مرزهای روسیه با ایران. به کوشش بهرام امیراحمدیان. تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- مائوی یف، آلکسی میخایلوویچ. (۱۳۷۱). «تاریخچه حضور ایرانیان مهاجر در آسیای مرکزی در نیمه دوم سده ۱۹ و آغاز سده ۲۰ میلادی». ترجمه محسن شجاعی. مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز. سال ۱. ش ۳. صص ۱۱۷-۱۴۹.
- (Atabaki, Turaj) Атабаки, Тураджд; (Ravandi Fadai, Lana) Раванди-Фадаи, Лана Меджидовна. (2016). *Жертвы времени*. Москва: Российская Академия Наук, Институт востоковедения.
- (Bartol'd, Vasilii Vladimirovich) Бартольд, Василий Владимирович. (1966). *Сочинения. T. VI. Работы по истории ислама и Арабского халифата*. Москва: Восточная литература.
- (Bushev, Piotr Pavlovich) Бушев, Пётр Павлович. (1976). *История посольств и дипломатических отношений Русского и Иранского государств в 1586-1612 гг.: По русским архивам*. Москва: Наука.
- (Bushev, Piotr Pavlovich) Бушев, Пётр Павлович. (1987). *История посольств и дипломатических отношений Русского и Иранского государств в 1613-1621 гг.: По русским архивам*. Москва: Наука.
- (Kerimova, Aza Alimovna) Керимова, Аза Алимовна. (1982). «Лурские и бахтиярские

диалекты». *Основы иранского языкознания; новоиранские языки; западная группа; прикаспийские языки*. Москва: Наука. с. 287-315.

- (Krikh, Sergei Borisovich) Крих, Сергей Борисович. (2018). «История поражения. Н. М. Никольский в борьбе за понимание общественного строя древневосточных обществ». *Восток (Oriens)*. № 1, с. 13-22.

- (Krugov, Aleksei Ivanovich); Кругов, Алексей Иванович; (Nechitailov, Maksim Vladimirovich) Нечитайлов, Максим Владимирович. (2016). *Персидская армия в войнах с Россией, 1796-1828*. Москва: Фонд «Русские витязи».

- (Kulagina, Liudmila Mikhailovna) Кулагина, Людмила Михайловна; (Dunaeva, Elena Viktorovna) Дунаева, Елена Викторовна. (1998). *Граница России и Ираном: история формирования*. Москва: ИВ РАН.

- (Mamedova, Nina Mikhailovna) Мамедова, Нина Михайловна. (2018). [Рецензия на книгу] А.И. Кругов, М.В. Нечитайлов. Персидская армия в войнах с Россией. 1796 – 1828гг.». *Восток (Oriens)*. № 2. с. 203-205.

- (*Osnovy iranskogo yazykozvaniya*) Основы иранского языкознания (серия). (1979-2010). Москва: Наука, Главная редакция восточной литературы.

- (Persits, Moisei Aronovich) Персиц, Моисей Аронович. (1996). *Застенчивая интервенция: о советском вторжении в Иран. 1920.1921 гг*. Москва: АИРО_XX.

- (Poliakov, Konstantin Ivanovich) Поляков, Константин Иванович. (1988). *Персидская фонетика: опыт системного исследования*. Москва: Наука, Главная редакция восточной литературы.

- (Rubinchik, Iurii Aronovich) Рубинчик, Юрий Аронович. (2001). *Грамматика современного персидского литературного языка*. Москва: «Восточная литература» РАН.

- (Struve, Vasilii Vasil'evich) Струве, Василий Васильевич. (1968). «Реформы письма Дария I (§ 70 Бехистунской надписи) и крупнейшие достижения культуры мидийского народа». *Этюды по истории Северного Причерноморья, Кавказа и Средней Азии*. Ленинград: Наука. с. 40-51, 225-228.

- (Struve, Vasilii Vasil'evich) Струве, Василий Васильевич. (1934). *Очерки социально-экономической истории древнего Востока*. Москва-Ленинград: ОГИЗ.

- (TSabolov, Ruslan Lazarevich) Цаболов, Руслан Лазаревич. (2001) *Этимологический словарь курдского языка. В 2 томах*. Москва: «Восточная литература» РАН.

- (TSabolov, Ruslan Lazarevich) Цаболов, Руслан Лазаревич. (2010) *Этимологический словарь курдского языка. В 2 томах*. Москва: «Восточная литература» РАН.

تأملی بر ساختار و محتوای اسناد عرایض بررسی موردی: عرایض اصناف در دوره ششم تا هشتم مجلس شورای ملی

زهره شیرین بخش^۱

چکیده

در میان منابع مورد اتکاء در مطالعات تاریخی، اسناد یکی از موارد مهم و قابل توجه به شمار می‌رود و در میان انبوهی از اسناد، عریضه‌ها که به نوعی انعکاس دهنده صدای مردم نیز هستند؛ به عنوان منبعی برای پژوهش‌های تاریخی به ویژه در زمینه تاریخ اجتماعی و اقتصادی مورد بررسی قرار می‌گیرند. این پژوهش با تکیه بر بررسی ساختار اسناد ارسالی اصناف مختلف به مجلس شورای ملی در خلال سال‌های ۱۳۰۵ تا ۱۳۱۱ش، مطالبات و انتظارات عارضین را مورد مطالعه قرار داده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که عریضه‌های مزبور از نظر ساختاری، ارکانی همانند سایر اسناد دارد و محتوای آنها دلالت دارد که مشکلات مالیاتی و چالش‌های بلدی مهم‌ترین موضوعات مورد شکایت اصناف در آن زمان به شمار می‌رفته است. داده‌های مورد نیاز برای این پژوهش به روش کتابخانه‌ای و خاصه آرشیوی جمع‌آوری شده است.

کلید واژگان: اسناد عرایض، اصناف، تاریخ اجتماعی، مجلس شورای ملی.

مقدمه

عریضه در لغت عبارت است از نامه‌ای که زیردستی به مافوق و یا کوچکی به بزرگی می‌نویسد، همچنین به معنی عرض حال و درخواست نامه است (دهخدا، ۱۳۴۱، ج ۳۴: ۲۱۳). نامه متضمن شکایت از کسی و نیز نامه‌ای که کسی به شخصیتی مهم و بلندمرتبه می‌نویسد (انوری، ۱۳۸۱، ج ۵: ۵۰۱۰). عریضه‌نویسی تا پیش از دوره صفوی و قاجار چندان رواج نداشت و بیشتر به صورت پراکنده و شامل موضوعات و درخواست‌های مختلف، از جمله تقاضاهای واگذاری زمین و یا شرح گرفتاری و یا مشکلی خاص بوده و از جریانی تابع روال مشخص پیروی نمی‌کرده است. اما این موضوع در خصوص عرایض کتبی صدق می‌کند؛ زیرا که رسم بیان شکایت و دادخواهی مردم به حکام همواره در حکومت‌های ایرانی وجود داشت، به طوری که حاکمان همواره دیوان مظالم را برپا می‌داشتند و به عرایض مردم رسیدگی می‌کردند. با توجه به روایت‌های تاریخی و گاه افسانه‌ای حمایت پادشاهان ایرانی و مشهورترین آنها انوشیروان عادل از روند اجرای عدالت و یا دست‌کم تلاش این حکمرانان برای متصف نمودن نام خود به صفت «عادل» و تداوم این رویه در شکل دیوان مظالم در حکومت‌های پس از اسلام، فرهنگ تظلم‌خواهی را می‌توان فرهنگی ریشه‌دار در ایران دانست و عریضه‌نویسی را رفتاری که در طول زمان به یک سنت فرهنگی پایدار تبدیل شده است (شوهانی، ۱۳۸۹: ۴۵-۴۷).

این رسم در دوره صفوی نیز ادامه پیدا کرد. از این دوره، عرایض مکتوب قابل توجهی برجا مانده است که در آرشیو مرکز اسناد آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود؛ اگرچه که سیر بروکراسی اداری و تشریفات فراوان ارسال عرایض از یک فرد معمولی به شاه در این دوره چنان طولانی بود که در عمل در بسیاری موارد شکایت از حکام ظالم غیرممکن می‌نمود (سانسون، ۱۳۴۶: ۱۸۵).

از آغاز دوره قاجار به تدریج عریضه‌نویسی و بیان شکایت به صورت کتبی مرسوم شد، به نحوی که اوج عریضه‌نویسی در دوره پیش از انقلاب مشروطیت و هم‌زمان با دوره میانی قاجار مشاهده می‌شود. گسترش انواع وسایل ارتباط جمعی، مانند روزنامه، تلگراف، رواج استفاده از کاغذ و چاپخانه‌ها از یک سو و افزایش مشکلات اجتماعی، اقتصادی و ناامنی‌ها از سوی دیگر از عوامل مؤثر بر رواج عریضه‌نویسی عنوان شده است (طبری، ۱۳۸۸: ۴۶۵-۴۶۷).

پس از نخستین سفر ناصرالدین شاه به اروپا، با تشکیل صندوق عدالت و مجلس تحقیق مظالم به دستور او، عریضه‌نویسی رونق پیدا کرد. شاه می‌خواست مردم بدون تملق و چاپلوسی از درباریان و پرداخت رشوه به کسی، عرایض خود را به وی بفرستند (دامغانی، ۱۳۵۷: ۹۹). استمداد مردم به این مجلس بیشتر در زمینه خدمات عمومی و شهری بود که البته فرجام کار آن به جایی نرسید؛ زیرا که

این تشکیلات نه مرجع قضایی صحیحی بود و نه قدرت اجرایی داشت (آدمیت و ناطق، ۱۳۵۶: ۴۱۳). تشکیل دارالشورای حکومتی نیز که به نوعی جایگزین دیوان‌های مظالم شد را می‌توان از عوامل مؤثر بر افزایش تعداد و کیفیت عریضه‌ها دانست (شوهانی، ۱۳۸۹: ۴۸).

پس از پیروزی مشروطه و تشکیل نهاد مجلس، با توجه به انتظارات مردم از آن به عنوان نهادی برای حل تمام مشکلات، عریضه‌نویسی دوباره رونق یافت. از نظر نویسندگان عرایض، در این زمان یک مرجع قانونی برای رسیدگی به خواسته‌ها و انتظارات مردم به وجود آمده بود. تشکیل کمیسیون مستقل در مجلس با نام «کمیسیون عرایض» و پیش‌بینی ساز و کار تعریف شده برای رسیدگی به عرایض مردمی در نظام‌نامه داخلی مجلس، نخست از حجم بالای عرایض و وصول شده به این نهاد خبر می‌داد؛ دوم، نشان می‌دهد که از زمان تشکیل رسمی کمیسیون عرایض به بعد، مجلس رسیدگی به عرایض و پاسخگویی به آنها را به عنوان یکی از وظایف اصلی خود می‌شمرد. حق ارسال عریضه از سوی مردم به مجلس و احقاق حق از این طریق در نخستین قانون اساسی نیز پیش‌بینی شده و مورد تصویب قرار گرفته بود: «هر کس از افراد ناس می‌تواند عرض حال یا ایرادات یا شکایات خود را کتباً به دفترخانه عرایض مجلس عرضه بدارد» (مجموعه مصوبات ادوار اول و دوم قانونگذاری مجلس شورای ملی، ۱۳۱۸: ۹).

بر اساس ماده هفدهم نظام‌نامه داخلی مجلس مصوب ۲۶ ذی‌الحجه ۱۳۲۷ قمری، در رأس هر سه ماه، هنگام تجدید شعبات، یک کمیسیون شش نفری موسوم به کمیسیون عرایض معین می‌شد (سامانه قوانین و مقررات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی). پس از تشکیل این کمیسیون، بخش عمده‌ای از زمان و کار دبیرخانه مجلس معطوف به بررسی، ارجاع و بایگانی عرایض شد و به این ترتیب مجموعه‌ای قابل توجه از عریضه‌ها در آرشیو مجلس جمع‌آوری گردید. البته بخش مهمی از این اسناد در حادثه به توپ بستن مجلس در سال ۱۳۲۵ ه.ق از بین رفت که اگر این اتفاق رخ نمی‌داد، اکنون آرشیو کامل‌تری از اسناد عرایض در دست بود. آرشیو مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی با حدود چهار تا پنج میلیون برگ سند عریضه دارای بیشترین حجم اسناد عرایض در کشور و مجموعه‌ای از انواع مختلف عریضه نامه‌های ارسالی به مجلس شورای ملی و مجلس سناست (ططری، ۱۳۸۸: ۴۶۸). در این نوشتار با توجه به موضوع آن، ۱۰۴ پرونده سند، مشتمل بر بیش از ۵۰۰ برگ سند، مورد بررسی قرار گرفته است.

۱. اهمیت عرایض در مطالعات تاریخی

اسناد تاریخی یکی از مهم‌ترین منابع برای پژوهش‌های تاریخی و شامل طیف وسیعی از فرمان‌ها و حکم‌ها، دست‌نوشته‌ها، گزارشات مالی، حقوقی و اجتماعی است. در صورت توجه به معیارهای نقد تاریخی، استفاده تحلیلی و همه‌جانبه و دوری جستن از نگاه‌گزینی، اسناد می‌توانند روشنگر بسیاری از نقاط مبهم و تاریک پژوهش باشند. در میان منابع تاریخ، اسناد اصالت و اعتبار بیشتری دارند. در این میان عرایض به عنوان یکی از انواع اسناد، نقش مهمی در مطالعات تاریخ اجتماعی ایفا می‌کنند. عرایض یکی از منابع بکر و درخور اهمیت برای مطالعات مربوط به اقشار وسیعی از جامعه هستند که از طریق آنها می‌توان طیف وسیعی از اطلاعات درباره جنبه‌های متنوعی از زندگی روزمره، کسب و کار و معیشت، شیوه مواجهه مردم با نهادهای دولتی، انواع دعاوی حقوقی، کیفری، ملکی و سایر داده‌های ارزشمند به دست آورد. این داده‌ها به ترسیم تصویری دقیق‌تر و نزدیک‌تر به واقعیت کمک خواهد کرد. عرایض، امکان دسترسی نزدیکتر و بهتر به دغدغه‌های مردمان عادی را فراهم می‌کند؛ کسانی که همواره در تحلیل‌ها و بررسی‌های سنتی تاریخ نگارانه نادیده گرفته شده‌اند. عریضه‌ها را می‌توان آینه‌ای تمام‌نما از نحوه معیشت و دلمشغولی‌های عمده گروه‌های مختلف مردم دانست و از آن در ترسیم شرایط اقتصادی و اجتماعی آنان بهره برد. در این تحقیق، نارضایی‌ها و مشکلات اصناف و پیشه‌وران از نگاه عرایض بررسی خواهند شد. یکی از اهداف اصلاحات سیاسی و اجتماعی این دوره تأثیرگذاری بر گروه‌های دیگر اجتماعی از جمله اصناف بوده که با یاری و رهنمون گروه‌های بالادست جامعه از جمله روشنفکران انجام شده است، بنابراین، بررسی واکنش و عکس‌العمل این گروه اجتماعی نسبت به سیاست‌های دوره پهلوی اول، از خلال اسناد عرایض در شناخت و ارائه تصویری بهتر و گویاتر از سیاست‌های ناظر بر روند اصلاحات دوره پهلوی و تحولات اقتصادی و اجتماعی این مقطع کمک خواهد کرد. تمرکز بر اسناد عرایضی به عنوان نمادی از توجه به تاریخ طبقات عادی مردم (فروستان) در جامعه مد نظر قرار خواهد گرفت. این اسناد به عنوان یک منبع مطالعاتی مهم در عرصه مطالعات تاریخ اجتماعی، پژوهشگران تاریخ را به موضوعات زیادی رهنمون می‌کند، از جمله مواردی که مردم عادی از آن تظلم کرده‌اند. بدین ترتیب به نوعی پژوهش را از نگاه غالب و رسمی طبقه حاکم و قانون‌گذار، به سمت صدای توده‌ها و طبقات فرودست جامعه برده و با ذهنیات و تفکرات این طبقه آشنا می‌سازد. عرایض اطلاعات ذی‌قیمتی درباره مسائل و دغدغه‌های اقشار پایین دست جامعه ارائه می‌دهد که در هیچ منبعی قابل دسترسی نیست. این اطلاعات، به ویژه در یک رویکرد جدید به تاریخ نگاری مد نظر و توجه قرار می‌گیرد؛ رویکردی که در آن، داده‌های مربوط به «زندگی روزمره» افراد نه

تنها کم اهمیت تلقی نمی‌شود، بلکه به مراتب از برخی اطلاعات مندرج در منابع رسمی اهمیت بیشتری می‌یابد و تحقیق را به سمت نگارش تاریخ روزمره و مردمی می‌برد.

طرح مباحث حوزه تاریخ اجتماعی و گرایش به تحقیق در این زمینه که در سال‌های اخیر گسترش یافته است، سبب شد که تاریخ توده مردم و یا به قول هوبزباون «تاریخ عامه» (Hobsawm, 1997: 201)، به عنوان زمینه‌ای فراخ و پیش از این مغفول، در مطالعات تاریخی مورد توجه قرار گیرد. تاریخ اجتماعی نگاهی از پایین به تاریخ دارد و به کارنامه و زمانه کسانی می‌پردازد که خودشان توانایی و ابزار بیان و تألیف تجربیات خود را نداشته‌اند. بنابراین، نوشتن از تاریخ گروه‌های این‌چنینی، راهی سخت و ناهموار است (اتابکی، ۱۳۹۰: ۳۸).

عریضه به دلیل آنکه ناظر به درخواست‌ها و نارضایی‌های افراد و گروه‌های پایین هرم قدرت، یعنی گروه فرودست یا غیرنخبه جامعه است، می‌تواند بازتاب شرایط گروه‌هایی باشد که تأثیر آنها در تحولات تاریخی نادیده انگاشته شده است. توجه به عرایض به عنوان نمادی از توجه به تاریخ فرودستان^۱ به عنوان افرادی بی‌نام و نشان در مقابل روال دیرپای تمرکز بر تاریخ سلسله‌ها، حکومت‌ها و فرادستی‌ها مطرح است. هر آنچه تا پیش از این دوره در زندگی روزمره مردمان عادی بی‌اهمیت تلقی می‌شد، در عرایض نمود می‌یابد و به عنوان منبعی برای گشودن افق‌های تازه، موضوعات مغفول و حتی بازنگری نوشته‌های پیشین مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد.^۲ البته در بررسی و استفاده از اسناد عرایض توجه به چند نکته ضروری است:

1. Subaltern History

۲. اصطلاح «فرودست» را آنتونیو گرامشی (Antonio Gramsci) - نظریه‌پرداز ایتالیایی - در شرح و بسط مفهوم «هژمونی» (Hegemony) طبقه حاکم در جامعه سرمایه‌داری معاصر مطرح کرد. وی اعتقاد داشت طبقه حاکم نمی‌تواند به‌سادگی افکار و عقاید خود را بر طبقات فرودست تحمیل کند؛ فرودستان هژمونی را به صورت انفعالی نمی‌پذیرند، طبقه حاکم باید با در نظر گرفتن منافع و نیازهای طبقات فرودست به مصالحه دست بزنند و آراء و عقاید این طبقه باید مورد گفت و گو قرار گیرد و تعدیل شوند تا با تجربه زندگی روزمره طبقات فرودست سازگار شوند (ادگار و پیترسج: ۱۳۸۷: ۲۹۲). مطالعات فرودستان ابتدا در زمینه تاریخ‌نگاری پسااستعماری در هند پا گرفت. مورخ اجتماعی هند با مطالعه تاریخ استقلال هند با تاریخی ملی مواجه شد که در آن نقش عاملانی برجسته شده بود که با طرح تاریخ‌نگاری ملی هند هم‌خوانی داشته و در مقابل برخی رویدادهای دوره استعمار به عمد حذف شده بود؛ یعنی همان روشی که تاریخ‌نگاری استعماری به کار می‌بست. در تاریخ‌نگاری استعماری، نخبه استعمارگر و در تاریخ‌نگاری ملی، نخبه ناسیونالیست عاملیت دارد. اما شیوه حذف عوامل در اینجا یکسان عمل می‌کند. مطالعات ساب‌آلترن به سرعت از حوزه جغرافیایی هند فراتر رفته و در آمریکای لاتین و حتی اروپا مورد توجه مورخین واقع شد. در این مطالعات، نگاه تازه‌ای از طبقه، قدرت و سلطه در فهم عام مطرح می‌شود و عاملیت گروه‌های فرودست و نه الزاماً تهیدست در تحولات تاریخی مورد بازنگری قرار می‌گیرد (اتابکی، ۱۳۹۴: ۸۲-۸۳). طرح این پرسش که آیا «فرودستان می‌توانند سخن بگویند؟» از سوی اسپواک (Spivak) - مورخ اجتماعی هندی - به دیدگاهی نوین اشاره داشت که معطوف به خارج کردن تاریخ‌نگاری از انحصار فرادستان بود. وی مقاله جنجال برانگیزش را با این پاسخ به پرسش فوق به پایان برد که شخص فرودست نمی‌تواند سخن بگوید؛ زیرا او نمی‌تواند منصفانه وضعیت خود را مورد بررسی قرار دهد (Spivak, 1998: 271-313).

نخست آنکه در تحقیقات تاریخی متمرکز بر اسناد عرایض، همواره باید از یکسونگری دوری جست و به این نکته واقف بود که یکسویه دیدن شکایات و عدم توجه به مواردی چون انگیزه‌ها و اهداف قانون‌گذار در وضع و نحوه اجرای قوانین، پژوهش را از مسیر درست دور خواهد ساخت. دیگر آنکه با وجود پیوند زدن موضوع اسناد عرایض در پژوهش‌های اخیر به بحث فرودستان و تاریخ آنها که در همین تحقیق نیز اشاره‌ای گذرا به آن شد، در مواردی اطلاق عریضه‌ها به اسناد فرودستان مورد انتقاد قرار گرفته است. از این رو که بخش قابل توجهی از این اسناد به جامعه شهرنشین تعلق دارد؛ در حالی که تعداد زیادی از جمعیت ایران در این دوره، کوچ‌نشین و روستانشین بوده‌اند. بنابراین، مصداق اطلاق جزء به کل و محل اشکال است (شیرین کام، ۱۳۹۳: ۱۳۴). با این حال اصناف را می‌توان دست‌کم به عنوان گروهی که اغلب در پژوهش‌های تاریخی نادیده گرفته شده‌اند، مورد توجه قرار داد. در ضمن اگر فرودستان، افرادی نه لزوماً تهیدست، بلکه گروهی ناتوان از اعمال قدرت در جامعه دانسته شوند، به نظر می‌رسد که می‌توان اصناف را دست‌کم در این دوره تاریخی در زمره این گروه جای داد.

۲. ساختار و محتوای عرایض

درباره اسناد عرایضی پژوهش‌چندانی انجام نشده است. این کمبود منابع، به ویژه در عرصه ساختار و سندشناسی این نوع از اسناد بیشتر احساس می‌شود. بنابراین، برای بررسی اجمالی ساختار عرایض ناگزیر باید به تحقیقات پیشین استناد جست که درباره کلیات اسناد انجام شده است. بر اساس تعریفی که از چهار دسته کلی اسناد تاریخی، یعنی سلطانیات، اخوانیات، دیوانیات و اسناد مالی و حقوقی شده است، عرایض را می‌توان با توجه به محتوای آنها و با اغماض در گروه اسناد مالی و حقوقی جای داد. بر اساس پژوهش‌ها، اسناد مالی طیف وسیعی از مضامین، از جمله عرض حال‌ها را در برمی‌گیرد (قائم‌مقامی، ۱۳۵۰: ۴۱-۴۳). ساختار کلی اسناد تاریخی مشتمل بر دو قسمت متن و اضافات است. متن سند شامل قسمت‌های ۱. رکن مطلع (مقدمه) خطاب، القاب، دعا؛ ۲. رکن حال؛ ۳. رکن خاتمه و اضافات نیز شامل تحمیدیه، توفیق، طغرا، توشیح، مهر و تاریخ است (همان: ۱۴۷-۲۴۳). عرایض مورد بررسی نیز کم و بیش چنین ساختاری دارند که در ادامه شیوه نگارش و محتوای آنان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲.۱. رکن مطلع

همان طور که اشاره شد، مقدمهٔ سند عموماً با عبارات خطاب و القاب به کار رفته نسبت به گیرندهٔ سند و عبارات دعایی آغاز می‌شود. از آنجا که گیرندهٔ اسناد عریضه مجلس است، خطاب نسبت به این نهاد در عرایض با عباراتی چون «مجلس مقدس دارالشورای ملی شیدالله ارکانه» و نظیر این شروع می‌شود؛ عبارت دعایی «شیدالله ارکانه» در بسیاری عرایض عمومیت دارد. اما عبارات دعایی دیگر نظیر دامت برکاته، دامت بقاءه و شرافته، دامت شوکته العالی و دامت عظمته نیز به کار رفته است. همچنین کلماتی چون مقام (منیع، رفیع، مقدس، محترم) ریاست / وکلای مجلس و نامیدن مجلس با عناوین اغراق شده‌ای مانند «کعبهٔ آمال» و نمایندگان با عنوان «رب النوع» (کمام: ۹۴/ج ۲/۱۴/۱۰۲/۷).^۱ نیز در این اسناد مصطلح است. معمولاً مجلس به طور کلی مورد خطاب قرار گرفته است، اما گاه رؤسای مجلس به نام و نمایندگان مجلس نیز مورد خطاب قرار گرفته‌اند: مانند مقام منیع حضرت مستطاب اجل اکرم ارفع اشرف آقای مؤتمن الملک رئیس مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه (کمام: ۷۰/۱/۶/۵/۶) و مواردی مثل «خطاب عموم نمایندگان صالح ایران» (کمام: ۵/۱/۴/۳/۶) و «عرض حال و استغاثهٔ مظلومین بی‌پناه» (کمام: ۴۵/۱/۱۹/۴۱/۶).

۲.۲. رکن حال

بیان موضوع سند است که در مورد عریضه‌ها بخش اصلی طرح شکایات را دربر می‌گیرد. در طرح شکایات عرایض تلاش برای نشان دادن وخامت شرایطی که عارضین در آن قرار دارند، قابل توجه است. کیفیت بیان مشکل به شکلی کاملاً خاضعانه و فرودستانه، استفاده از عباراتی چون «عرض حال و استغاثهٔ مظلومین بی‌پناه» (کمام: ۴۲/۱/۱۹/۴۱/۶) و «صنف زحمتکشان پریشان» (کمام: ۵/۱/۴/۳/۶)، استعمال چند بارهٔ کلمهٔ «استرحام» در یک سند (کمام: ۴۹/ج ۶/۱۶/۲۸/۶) و به کار بردن لحنی کاملاً خاضعانه در موارد احقاق حق شاکیان از یک وزارتخانه (کمام: ۵۳/۱/۱۸/۳۴/۶)، آشکار می‌کند که عارض یا عارضین در جست و جوی دلسوزی و به رحم آوردن مقام بالادستی برای رسیدگی به خواسته‌های‌شان بوده‌اند. استفاده از عبارات این‌چنینی به موضع ضعیف نگارندگان اشاره دارد: «از مقام مقدس استرحاماً تقاضا داریم که توجهی به موقعیت ضعیف بندگان و عائلهٔ پریشان ماها بفرمائید» (کمام: ۱۰۶/۲/۱۴/۱۰۲/۷). در این میان عرایضی مشاهده می‌شود که نویسندگان

۱. در این مقاله برای اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی، نام اختصاری «کمام» استفاده شده است.



آن نهایت استیصال و اضطراب صنف خود برای رفع مشکل، با چنین عبارتی نشان می‌دهند: «یا رسیدگی در امور ماها بفرمایند یا حکم اعدام ماها را بدهید از این زنده‌گانی بدتر از مرگ خلاص شویم» (کمام: ۹۴/ج ۲/۱۴/۲۰۲/۷). این عبارات به ویژه در مواردی به کار رفته که کسب یک صنف با خطر جدی مواجه شده است؛ یا در مواقعی که صنفی تلاش کرده برای رسیدن به تخفیف مالیاتی و مواردی از این دست، با تنزل جایگاه اقتصادی و اجتماعی شغل خود به هدف برسد (کمام: ۷۹/۳۱/۱/۱۴۸/۷). البته نباید این مسئله را نادیده گرفت که در برخی موارد نیز لحن عریضه متفاوت است و عارضین به گونه‌ای دیگر علیه ظلمی که به زعم‌شان در حق آنها روا شده اعتراض می‌کنند، به کار بردن عباراتی چون «با صدای رسا عرض می‌کنیم دولت حق مداخله به کسب را ندارد» (کمام: ۲/۱/۲۲/۴۶/۶)، نوعی بیان حق طلبانه را در موضع عارضین نشان می‌دهد. در یک مورد حتی صنف عارض، نماینده شهر خود را به کوتاهی در انجام وظایف خود و عدم شایستگی برای حضور در مجلس متهم کرد: «حضرت عالی [که] نتوانید که رفع همچنین تعدی به ما بیچاره‌ها می‌نمایند، رفع نمایند وکالت حضرت اجل چه فایده دارد» (کمام: ۲۷/۱/۲۴/۵۱/۶). نویسندگان عریضه‌ای دیگر با لحنی تند و تهدیدآمیز در مذمت سربازی اجباری خطاب به نمایندگان می‌نویسند: «این قبیل انتشارات را موقوف و قدغن فرموده ممالک اسلام را آشوب فرمائید و الا با صدای بلند می‌گوئیم آنچه را فعلاً نباید گفت و قبول نداریم آنچه را که بخلاف قانون اسلام و تصویب علمای مذهب اثناعشری بوده باشد» (کمام: ۶/۴۸۹/۱۶/۲۸/۶).

به نظر می‌رسد در مواردی استفاده از عباراتی را که بر تعلق عارض یا عارضین به خاک ایران و یا دین اسلام تأکید دارد، می‌توان به نوعی با روحیه «حق طلبی» عارضین مرتبط دانست. گویی عارضین درصددند به مجلس یادآوری کنند که رسیدگی به خواسته‌های عارضین از وظایف مجلس است. چنانکه در عریضه‌ای، رسیدگی به دعاوی عارضین جزو «مطالبات حقه» آنها عنوان شده است (کمام: ۵۲/۱/۲۳/۴۸/۶) و در موردی دیگر آشکارا خطاب به مجلس تأکید شده که «حفظ و صیانت حقوق افراد ملت از وظایف مختصه» نمایندگان است (کمام: ۷۰/۱/۶/۵/۶).

با توجه به فلسفه ارسال عریضه که اصولاً برای احقاق حق نوشته می‌شد، شاید بتوان هدف محوری عرایض را اجرای عدالت و همچنین عریضه‌نویسی را تکاپویی در جست و جوی آن و رفع ظلم دانست؛ به ویژه که عدالت از مطالبات اصلی انقلاب مشروطیت و شروع مبارزه مردم علیه استبداد با تقاضای تأسیس عدالتخانه گره خورده بود. اشاراتی که در اسناد به انقلاب مشروطه و انتظاراتی که برای احقاق حق عموم طبقات پس از آن به وجود آمد و گاه لحن طعنه‌آمیز برخی عرایض؛ مانند «آیا

این است معنای مشروطیت...» (کمام: ۶/۵۱/۲۴/۱/۳۰)، به انتظارات صاحبان عریضه از مجلس به عنوان نهادی برآمده از مشروطه اشاره دارد. نهادی که وظیفه و کارکرد اصلی و عمده آن رفع ظلم از مظلوم انگاشته می‌شود. همچنین انتساب شاه و مجلس به عدل و داد انوشیروانی (کمام: ۶/۴۷/۲۲/۲/۱۲۴)، به نوعی نشان دهنده توقع عارضین به رسیدگی به عرایض و خواسته‌ها و اجرای عدالت است.

در عرایض مورد بررسی از نظر نوع نگارش، می‌توان به گفتار واحد در اغلب موارد اشاره کرد. شباهت عریضه‌ها به یکدیگر از لحاظ نوع نگارش را می‌توان به نوعی فضای عمومی در خصوص عریضه‌نویسی نسبت داد که کاتبان عرایض را به پیروی از آن و نگاشتن عریضه در یک قالب نسبتاً مشابه سوق می‌داد (شوهانی، ۱۳۸۹: ۷۳). همچنین از آنجا که افراد باسواد و مطلع هر صنف طبیعتاً عریضه‌ها را می‌نوشتند، می‌توان تصور کرد که سطح سواد و تسلط نویسندگان عرایض به ادبیات عریضه‌نویسی شباهت‌های زیادی به یکدیگر داشته است، افزون بر آن، در این عرایض نویسندگان از نظر شغلی نیز همگونی‌های زیادی داشتند؛ به همین سبب حتی از لحاظ نحوه اظهار عجز و شوربختی، غلط‌های املائی و بیان خواسته‌ها، این تشابهات قابل توجه است.

ارسال عریضه در مواردی پس از مراجعه به وزارتخانه ذیربط انجام می‌شد. در این موارد عموماً عدم دریافت پاسخ مناسب از سوی متشاک و یا باور به عدم رسیدگی عادلانه به مورد شکایت، صنف را ترغیب به ارسال عریضه به مجلس می‌کرد. در موارد این‌چنینی گاه حتی به وضوح اشاره شده که با توجه به نتیجه نگرفتن و حمایت متصدیان امر از یکدیگر عریضه نگاشته شده است (کمام: ۶/۴۶/۲۲/۱/۲۵). در مواردی به کار بردن چنین عباراتی: «خواهشمند است جواب عریضه را بخود دعاگویان مراجعه بدهید که دست مأمور هستم»، نشان از احساس فشار و هراس در عارض دارد که مبادا از سوی مأمورین محلی برای شکایت و اظهار نارضایتی در مورد عملکرد آنها مورد بازخواست قرار گیرند (کمام: ج ۳۶ / ۶/۴۶/۲۲/۱). جز مواردی اندک که پاسخ عرایض در پرونده موجود نبود و نمی‌توانستند در مورد آن اظهار نظر کنند، به اغلب عرایض بر اساس مورد شکایت پاسخ داده شده است. البته مواردی نیز وجود دارد که کمیسیون برای عریضه پاسخ در خوری نمی‌یابد و اذعان دارد که در موردی چون اختلاف بین مالک و مستأجر اقدامی نمی‌توان کرد (کمام: ۶/۲۸/۱۶/۶/۵۱۰).

۳.۲. رکن خاتمه

بخش پایانی اسناد با تأکید و درخواست رسیدگی به خواسته عارضین به پایان می‌رسد. در این قسمت ضمن ابراز امیدواری برای عطف توجه به خواسته عارضین و ترتیب اثر دادن به آن از سوی



مجلس، با عباراتی چون مُسْتَدَعی، مُتَمَنی و دعاگویی برای مجلس و نمایندگان آن و استفاده از عبارات دعایی همچون امر امر مبارک است، یا امرکم مطاع، یا عدل و یا حکیم الغوث الغوث، زیاده جسارت است و... معمول است. همچنین قسم دادن برای ترتیب اثر دادن به عریضه نیز در برخی اسناد دیده می‌شود. مواردی نیز وجود دارد که در آن اعضای یک صنف در خاتمه عریضه خود اشاره کرده‌اند که در صورت عدم تحقق خواسته‌های شان ناچارند به اتفاق خانواده و اهل و عیال به تحصن در مجلس متوسل شده و یا دسته جمعی از کسب خود انصراف دهند (کمام: ۶/۳/۴/۱/۹). گاه امضای دسته جمعی در پایان عریضه با عباراتی چون «فدویان عموم اصناف و کسبه» را می‌توان دید (کمام: ۹۴/ج/۲/۱۴/۱۰۲/۷).

۲.۴. تاریخ عرایض

در عریضه‌ها معمولاً پیش از یک تاریخ مشاهده می‌شود. تاریخ اصلی که به هر دو شکل قمری و شمسی و مربوط به اصل عریضه و عارض است، معمولاً در حاشیه بالای سمت راست وجود دارد. غیر از آن، تاریخ‌های مربوط به بایگانی‌ها نیز در سند وجود دارد.

۲.۵. اضافات

استفاده از عبارات مخصوص حمد و سپاس خداوند که در فرامین به نام «تحمیدیه» مشهور است، در آغاز تعداد کمی از اسناد وجود دارد. عباراتی چون یا هو، بسم الله تعالی شانه و... و کلماتی چون مستحضر می‌داریم (کمام: ۶/۸/۷/۱/۵)، به عرض می‌رسانیم (کمام: ۶/۶/۶/۲/۹۸)، عرض می‌نمائیم (کمام: ۶/۳/۴/۱/۲۹)، نظر به آنکه (کمام: ۶/۵/۶/۱/۷۰)، معمولاً در ابتدای عرایض و برای آغاز مطلب به کار می‌رود.

۲.۶. نام، مهر و امضای عارضان

نام فرد یا افراد ارسال کننده عریضه معمولاً در پایان عریضه نوشته می‌شده است؛ البته گاهی نیز در ابتدای عریضه، نویسنده آن خود را معرفی و سپس مطلب مورد نظر خود را عنوان می‌کرد. اگر عریضه از سوی جمعی از افراد یک صنف فرستاده می‌شد، در آغاز نام صنف فرستنده را ذکر می‌کردند. اما چنانکه اشاره شد، در اغلب عرایض نام و مهر عارضان در پایان دیده می‌شود. در مواردی اندک، واژه عریضه به شکل کشیده نوشته شده و ذیل آن نام عارض نوشته شده است. این شکل از نگارش واژه عریضه در برخی موارد به صورت یک خط صاف درآمده که عارض نام خود را زیر آن نوشته است (کمام: ۶/۵/۶/۱/۷۰). در برخی عرایض که اتحادیه‌ها و یا هیأت اصناف

یک منطقه ارسال کرده‌اند، مهر آن هیأت یا اتحادیه نیز قابل رؤیت است. مهرهای هیأت‌ها و اتحادیه‌های اصناف به شکل دو دست است که یکدیگر را می‌فشارند (کمام: ۶/۴۹/۲۳/۲/۱۳۱). در برخی دیگر فرستادگان عریضه مهر شخصی خود را با نام خود در پای نامه زده‌اند.

۲.۷. حاشیه سند

حاشیه اسناد عرایض معمولاً شامل نوشته‌ها و مهرهای کمیسیون عرایض است. نوشته‌هایی که بر ارجاع یک عریضه به دولت و یا وزارتخانه ذیربط و یا اقدامات مقتضی برای یک عریضه دلالت دارد و همچنین مهرهای ورود به دفتر، کابینه مجلس، نام و مهر پاک‌نویس کننده‌های عرایض به این دلیل اهمیت دارد که روند رسیدگی به یک عریضه، در مواردی نتیجه، در واقع مراحل اداری گردش سند و بایگانی آن را نشان می‌دهد.

هشت ماده نظام‌نامه داخلی مجلس شورای ملی مصوب ۲۶ ذی‌الحجه ۱۳۲۷ به گردش اسناد و روال آن در کمیسیون عرایض اشاره دارد. بر اساس روال قانونی ارسال عرایض، شکایات به اسم ریاست مجلس نگاشته و به کمیسیون ارسال می‌شد. در مواردی نیز نمایندگان هر منطقه عرایض را به مجلس ارسال می‌کردند. مشخص بودن محل اقامت عارض یا عارضین بر اساس قوانین الزامی بود. و در این قوانین تصریح شده بود به عرایض ارسالی از سوی اجتماعات معابر، ترتیب اثر داده نمی‌شود (سامانه قوانین و مقررات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۸). بنابراین، نویسندگان عریضه عموماً آدرسی برای ارسال پاسخ در پاکت درج می‌کردند که در اغلب موارد نشانی محل کسب عارضین در بازار بود. گاه آدرس در پایان عریضه و پس از نام عارض درج می‌شد.

بر اساس ماده ۶۷ نظام‌نامه داخلی مجلس، عرایض پس از ثبت در دایره صورت مجلس و ثبت خلاصه عرایض به کمیسیون عرایض فرستاده می‌شد (همان). در اغلب آنها، برگه خلاصه عرایض نیز موجود است که اتفاقاً در فهم بهتر آنها کمک می‌کند. سپس عریضه‌ها به کمیسیون عرایض ارسال می‌شد و در آنجا مورد بررسی قرار می‌گرفت. بنابراین، مهرهای «ورود به دفتر کمیسیون عرایض» و حاشیه‌هایی مانند نوشته‌های آن کمیسیون که بر اساس روند گردش عرایض می‌نگاشتند مشاهده می‌شود. مهر ورود به کمیسیون عرایض، نشان از وصول عریضه به دست کمیسیون عرایض دارد. جملاتی چون «فوری است»، «دستور اقدام داده شده است»، «این مراسله اقدامی ندارد» به نوعی به تقسیم عرایض در کمیسیون بر اساس محتوا و اقدامات قابل انجام اشاره دارد.

ارجاع عرایض به وزارتخانه مربوطه و در مواردی به ریاست وزرا، مرحله بعدی اقدام در مورد

عرایض بود که در این مورد رئیس کابینه عریضه را به وزارتخانه متبوع خود ارسال و پاسخ نیز به همین روال به مجلس بازمی‌گشت. این روند در نظام‌نامه داخلی مجلس نیز پیش‌بینی شده است، بر اساس ماده ۶۹ نظام‌نامه داخلی مجلس، کمیسیون عرایض به ترتیب زیر در ارسال عرایض اقدام می‌کرد:

«ماده شصت و نهم- کمیسیون پس از رسیدگی به عرایض آنها را به ترتیب ذیل مرتب می‌نماید:

۱. عرایضی که رجوع آنها را به یکی از وزارتخانه‌ها صلاح می‌داند.
۲. عرایضی که علاوه بر ارجاع به یکی از وزارتخانه‌ها کمیسیون صلاح می‌داند که به ملاحظه مجلس برسد.

۳. عرایضی که رجوع آنها را به مجلس و وزراء بی‌فایده می‌داند.

دایره صورت مجلس صاحب عریضه را از هر یک از این سه قراری که کمیسیون درباره عریضه او داده است، مسبق داشته و نمره عریضه را به او می‌دهد» (سامانه قوانین و مقررات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۸).

اما اینکه این روش رسیدگی به عرایض تا چه حد کارآمد بوده؛ خود بحثی مفصل است و نیاز به پژوهش و بررسی جداگانه‌ای دارد. اما با مراجعه به اسناد، جدا از اظهار ناخرسندی نسبت به تأخیر در پاسخگویی به عارضین، در مواردی معدود به چگونگی ساز و کار و روند معمول رسیدگی به عرایض از سوی عارضین اشکال وارد شده است. در یکی از این عرایض در اشاره به روند پاسخگویی آمده است: «بدبختی ما از اینجاست که مجلس از وزارت توضیح می‌خواهد وزارت هم از مالیه یعنی از کسی که از او تظلم شده البته آن هم که بر علیه خود توضیح نمی‌دهد البته مدعی و حاکم که یک نفر شد تظلم ما نتیجه نمی‌دهد» (کمام: ج ۱۳/۱/۲۲/۴۶/۶) این عریضه از معدود مواردی است که عارضین چنین روشی را برای پاسخگویی از اساس مورد سؤال قرار داده‌اند.

روال ارجاع شکایات به وزارتخانه ذی‌ربط رویه‌ای درست به نظر می‌رسد، اما از سویی این امکان نیز وجود داشت که وزارتخانه مورد نظر پاسخی به سود خود و یا کارکنانش دهد؛ کما اینکه در مواردی که فردی به نمایندگی از یک صنف شکایتی را مطرح می‌کرد، شکایت تنها با این توجیه که فرد مورد نظر نماینده صنف نیست، بدون پاسخ می‌ماند و صحت و سقم اصل شکایت بررسی نمی‌شد (مختاری اصفهانی، ۱۳۸۰: ۲۶۰-۲۶۲).

در اغلب موارد، عارض در صورت عدم احقاق حق عریضه‌ای دیگر می‌نوشت. در برخی عرایض از عدم رسیدگی به خواسته عارض، با وجود چند بار ارسال عریضه اظهار نارضایتی شده و در مواردی عارض عدم پرداخت رشوه (کمام: ۷/۸۶/۹/۱/۴۰) و یا شکایت از یک فرد بانفوذ

را (کمام: ۷/۱۱۵/۱۷/۱/۷۵) علت احتمالی عدم رسیدگی به عریضه خود دانسته است. از نظر محتوایی، بیشترین تعداد عریضه‌ها به ترتیب به موارد زیر اختصاص دارد:

الف. انواع مالیات‌ها، اعتراض به عدم توان مالی برای پرداخت انواع مالیات‌ها به ویژه مالیات‌های صنفی، عدم آگاهی نسبت به ساز و کار پرداخت مالیات، مشکلات با مأمورین مالیاتی در مورد پرداخت مالیات‌ها، بی‌توجهی مالیه به نظام بنیچه‌بندی^۱ اصناف و ...

ب. بلدیة و چالش‌های اصناف مختلف با این نهاد نوپا در مواردی چون تنظیم بازار ارزاق، عوارض بلدی، صدور جواز کسب، نظارت بر بهداشت عمومی اصناف.

ج. انحصار دخانیات و تهدیدات معیشتی ناشی از آن برای اصناف خرده‌پا و دست‌فروشان و موضوع قاچاق دخانیات.

د. واردات کالاهای خارجی (به ویژه منسوجات و کفش)، ناتوانی اصناف بومی در این رقابت و بی‌رونقی کسب و کار آنان.

ه. ورود تکنولوژی جدید حمل و نقل (اتومبیل) و ناتوانی و تهدید مشاغل سنتی حمل و نقل از جمله مکاری‌ها.

بنابراین می‌توان گفت، ورود نهادهای نوین مانند بلدیة به عرصه مدیریت شهری، واردات کالاهای خارجی و ناتوانی تولید کنندگان بومی در رقابت با این کالاها، اتخاذ سیاست‌ها و قوانین مالیاتی جدید و مواجهه جامعه ایران با تکنولوژی جدید، تنها بخشی از حجم عظیم تحولات تاریخی این دوره است که موجب دگرگونی‌هایی در موقعیت شغلی و اجتماعی اصناف بود. از جمله در پی این تحولات برخی مشاغل دچار رکود شده و برخی دیگر رونق گرفت.

نتیجه‌گیری

عرایض به عنوان یکی از منابع مهم مطالعاتی، به ویژه در حوزه تاریخ اجتماعی دربردارنده اطلاعات گسترده‌ای از جنبه‌های گوناگون زندگی مردمان عادی و فرودستان در جامعه را ارائه می‌دهد که بهره‌گیری از آن برای ترسیم تصویری واقعی و همه‌جانبه از جامعه در دوره‌های تاریخی و به مثابه یک منبع مهم برای بررسی کنش‌های افراد و گروه‌های اجتماعی لازم و ضروری به

۱. بنیچه‌بندی سنتی کهن برای تعیین مقدار مالیات اصناف محسوب می‌شد. در این شیوه حکومت با کمک روسای اتحادیه‌های صنفی مبلغ کل مالیات و سهم پرداختی هر اتحادیه را تعیین می‌کرد. سپس هر یک از روسای اصناف مبلغ تعیین شده را میان اعضای اتحادیه تقسیم می‌کرد (فلور، ۱۳۹۲: ۴۷-۴۸).

نظر می‌رسد. لحن نوشته‌ها در طرح مطالبات در عرایض مورد بررسی، گاه خاضعانه و از موضع ضعف و گاه حق طلبانه است؛ اما در تمام موارد، عدالت و نیل به آن را می‌توان مطالبه اصلی این عرایض دانست. با این حال بی‌تردید، آنچه از مفهوم عدالت و انصاف مدنظر عارضین بوده است؛ در بسیاری موارد با برداشت متولیان امر از جمله در مجلس شورای ملی متفاوت است. همچنین مالیات، بلدیه، انحصار دخانیات، واردات و ورود ابزارهای جدید موضوعات اصلی شکایات را دربرمی‌گیرد که با توجه به تحولات گسترده این دوره باید مورد ارزیابی قرار گیرد.

کتابنامه

- آدمیت، فریدون؛ ناطق، هما. (۱۳۵۶). *افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوره قاجار*. تهران: آگه.
- آرشیو اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره‌های:
- ج ۹۴ - ۷/۱۰۲/۱۴/۲ - ۶/۵/۶/۱/۷۰ - ۶/۴۱/۱۹/۱/۴۵ - ۶/۴۱/۱۹/۱/۴۲ - ۶/۳/۴/۱/۵ - ۶/۵۴۹/۱۶/۶/۶ - ۶/۲۸/۱۶/۶/۱۰۶ - ۶/۳۴/۱۸/۱/۵۳ - ۶/۱۰۲/۱۴/۲/۱۰۶ - ۶/۹۴/۷/۱۰۲/۱۴/۲/۱۰۶ - ۶/۱۰۲/۱۴/۲/۷۹ - ۷/۱۴۸/۳۱/۱/۷۹ - ۶/۵/۶/۱/۷۰ - ۶/۴۸/۲۳/۱/۵۲ - ۶/۲۸/۱۶/۶/۴۸۹ - ۶/۵۱/۲۴/۱/۲۷ - ۶/۴۶/۲۲/۱/۲ - ۶/۲۸/۱۶/۶/۵۱۰ - ۶/۴۶/۲۲/۱/۳۶ - ۶/۴۶/۲۲/۱/۲۵ - ۶/۴۷/۲۲/۲/۱۲۴ - ۶/۵۱/۲۴/۱/۳۰ - ۶/۳/۴/۱/۹ - ۶/۳/۴/۱/۹۴ - ۷/۱۰۲/۱۴/۲/۱۰۶ - ۶/۸/۷/۱/۵ - ۶/۶/۶/۲/۹۸ - ۶/۳/۴/۱/۲۹ - ۶/۵/۶/۱/۷۰ - ۶/۴۶/۲۲/۱/۱۳۱ - ۶/۴۹/۲۳/۲/۱۳۱ - ۶/۵/۶/۱/۷۰ - ۷/۱۱۵/۱۷/۱/۷۵ - ۷/۸۶/۹/۱/۴۰ - ۶/۴۶/۲۲/۱/۱۳۰.
- اتابکی، تورج. (۱۳۹۰). «صدای خاموشان». ماهنامه مهرنامه. سال ۲. ش ۱۷. آذر.
- اتابکی، تورج. (۱۳۹۴). «زایش طبقه کارگر و شکل‌گیری خودآگاهی طبقاتی». ماهنامه اندیشه پویا. سال ۴. ش ۲۵. اردیبهشت. صص ۸۲ - ۸۳.
- ادگار، اندرو؛ ویک، پیترسج. (۱۳۸۷). *مفاهیم بنیادی نظریه‌های فرهنگی*. ترجمه مهرا مہاجر و محمد نبوی. تهران: آگه.
- انوری، حسن. (۱۳۸۱). *فرهنگ بزرگ سخن*. ج ۵. تهران: سخن.
- دامغانی، محمدتقی. (۱۳۵۷). *صد سال پیش از این*. تهران: شبگیر.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۴۱). *لغت‌نامه دهخدا*. زیر نظر محمد معین. ج ۳۴. تهران: دانشگاه تهران.
- سامانه قوانین و مقررات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. نظام‌نامه داخلی مجلس مصوب ۲۶ ذی‌الحجه ۱۳۲۷ قمری. وب‌سایت تخصصی. (دسترسی در تاریخ ۱۸ آذر ۱۳۹۸).
- <<https://rc.majlis.ir/fa/law/show/90165>>
- سانسون. (۱۳۴۶). *سفرنامه سانسون (وضع کشور شاهنشاهی ایران در زمان شاه سلیمان صفوی، تحقیق و مطالعه دقیق درباره آداب و اخلاق و حکومت ایران)*. ترجمه تقی تفضلی. تهران: ابن‌سینا.

- شوهانی، سیاوش. (۱۳۸۹)، «عرایض رهیافتی به تاریخ فردستان (بررسی اسناد عرایض مجلس شورای ملی)»، گنجینه اسناد. سال ۲۰. ش ۷۹. صص ۴۲-۷۹.
- شیرین کام، فریدون. (۱۳۹۳). «کالبدشکافی کمیسیون عرایض در جامعه ایران؛ با نگاهی به کتاب اسناد قم در دوره پهلوی اول (مجلس ششم تا دوازدهم ملی)». فصلنامه اسناد بهارستان. دوره جدید. ش ۴. بهار - تابستان. صص ۱۲۹-۱۴۲.
- ططری، علی. (۱۳۸۸). «بررسی جایگاه عریضه در پژوهش های اسنادی». پیام بهارستان. دوره دوم. ش ۴. تابستان. صص ۴۶۵-۴۷۶.
- فلور، ویلم. (۱۳۹۲). «جایگاه اصناف در نظام سیاسی اقتصادی و اجتماعی ایران از دوران صفویه تا انقلاب اسلامی». ترجمه حمید حاجیان پور و زینب تاجداری. پارسه، س ۱۳. ش ۲۰. صص ۳۵-۶۲.
- قائم مقامی، جهانگیر. (۱۳۵۰). مقدمه ای بر شناخت اسناد تاریخی. تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.
- مجموعه مصوبات ادوار اول و دوم قانونگذاری مجلس شورای ملی. (۱۳۱۸). تهران: مجلس شورای ملی، اداره قوانین و مذاکرات.
- مختاری اصفهانی، رضا. (۱۳۸۰). اسنادی از انجمن های بلدی تجار و اصناف ۱۳۲۰-۳۰. تهران: خدمات مدیریت و اطلاع رسانی دفتر ریاست جمهوری.
- Hobsbawm, Eric John. (1997). *On History*. United Kingdom London: Weidenfeld & Nicolson.
- Spivak, Gayatri Chakravorty. (1998). "Can the Subaltern Speak?". In C. Nelson & L. Grossberg. *Marxist Interpretations of Culture*. Basingstoke: Macmillan Education.

بنای سرخه دیزه، قلعه‌ای ساسانی بر سر شاهراه خراسان

صبا غلامی^۱

سید رسول موسوی حاجی^۲

چکیده

در روستای سرخه دیزه از توابع کرند غرب بقایای بنایی باستانی قرار دارد که گاهنگاری آن احتمالاً مربوط به دوران ساسانی است. در متون تاریخی و سفرنامه‌های دوران اسلامی اشاره‌های بسیاری به قلعه‌ای نظامی در منطقه‌ای به نام مَرَجُ القلعه و روستای مورد بحث شده است. غرب ایران در اواخر دوران ساسانی اهمیت فراوانی پیدا کرد. کرمانشاه در این دوران مورد توجه شاهان ساسانی قرار گرفت. یکی از عواملی که این منطقه را مورد توجه قرار داد عبور شاهراه خراسان از کرمانشاه است، این جاده تجاری در واقع مسیر اصلی ورود از بین‌النهرین به نجد ایران است که مسیر تجاری پراهمیتی را به وجود آورده بود و از چند هزار سال پیش از میلاد مورد توجه بوده است. بنای مورد بحث درست در گردنه پاتاق قرار گرفته، این گردنه موقعیت استراتژیک و فوق‌العاده حساسی دارد و در طول تاریخ ارزش نظامی بسیاری داشته است. این نوشتار بر آن است تا با رویکرد جغرافیای تاریخی و تحلیل و تطبیق داده‌های باستان‌شناسی با اطلاعات ذکر شده در منابع صحت اطلاعات جغرافیایانویسان در ارتباط با قلعه سرخه دیزه و مرج‌القلعه را بررسی کند و گاهنگاری و کاربری احتمالی آن را بیان کند.

واژگان کلیدی: قلعه سرخه دیزه، کرند، مرج‌القلعه، ساسانی، رویکرد جغرافیای تاریخی.

۱. دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول). saba_gholami69@yahoo.com

۲. استاد گروه باستان‌شناسی دانشگاه مازندران. seyeyed_rasool@yahoo.com

مقدمه

کند غرب یکی از شهرهایی است که در مسیر تجاری خراسان ساخته و در منابع تاریخی و کتاب‌های سیاحان و جغرافیانویسان از آن به عنوان مرج‌القلعه یاد شده است؛ در بسیاری از آن متون به ماهیت قلعه‌ای ساسانی نیز در این منطقه اشاره کرده‌اند. در روستای سرخه دیزه بقایای یک بنای باستانی وجود دارد که احتمال دارد مربوط به دوره ساسانیان باشد. روستای سرخه دیزه نخستین روستا پس از خروج از شهر کرد است. بنا بر سر راه مهم و استراتژیک سرپل ذهاب به قصر شیرین، نزدیک بنای سنگی پاتاق و مجموعه قلعه یزدگرد و بنای زیج منیژه قرار گرفته است، نزدیکی این اثر در کنار آثار دیگر ساسانی پراکنده در دشت اهمیت این بنا را می‌رساند. فاصله بسیار اندک این بناها با شهر حلوان در دوران ساسانی تأکیدی بر نقش پر رنگ این ابنیه است. حلوان در دوران ساسانیان اهمیت چشمگیری پیدا کرد و به یکی از مهم‌ترین شهرهای امپراطوری تبدیل گردید. در این دوران، حلوان و شهرهای آن در آخرین حد از ایالت جبال و به عنوان دروازه عراق توصیف شده‌اند. در منابع ساسانی بنای آن را به قباد ساسانی نسبت می‌دهند، در واقع این شهر مرکز استانی بهنامشاد فیروز است که پنج طسوجبه «پیروز کواز»، «جبال»، «صیمره»، «ارییل» و «خانقین» را در برداشته است (قنبری و خسروی‌زاده، ۱۳۸۹: ۲).

مسیر شاهراه خراسان به عنوان محور ساسانی قصرشیرین- کرمانشاه ثبت و شناخته شده است، متأسفانه آثار موجود در این مسیر کمتر مورد مطالعه باستان‌شناسان قرار گرفته است. بنای مذکور در سال ۱۳۸۳ در فهرست آثار ملی ثبت گردیده (پرونده ثبتی بقایای بنای تپه شماره ۱ و ۲ سرخه دیزه، ۱۳۸۴: ۱۶)، اما تاکنون هیچ مطالعه علمی باستان‌شناسی بر روی آن انجام نشده است. بنابراین، ارائه گاهنگاری دقیقی برای آن تا زمان انجام کاوش‌های باستان‌شناسی امکان‌پذیر نیست. در این پژوهش سعی شده تا با مطالعه اشاره‌هایی که به شهر و بنای مذکور در منابع مکتوب سیاحان و جغرافیانویسان صدر اسلام شده است و پس از تطبیق، مطالعه و تحلیل مواد فرهنگی به دست آمده از محوطه سرخه دیزه گاهنگاری آن مشخص شود. در این مقاله به این موضوع که «آیا مرج‌القلعه همان شهر کرد امروزی است؟» و به قلعه‌ای که در منابع از آن یاد شده و برخی آن را قلعه نظامی، برخی دیگر کاروانسرا و گاه کاخ می‌دانند پرداخته می‌شود. بر اساس مطالعات جغرافیای تاریخی و شواهد معماری احتمال دارد این قلعه، همان قلعه ساسانی واقع در مرج‌القلعه باشد که تا دوران عباسی نیز از آن استفاده می‌شد.

موقعیت قرارگیری اثر

بقایای بنای سرخه دیزه در استان کرمانشاه، شهرکرد غرب، در سمت راست جاده‌ی کرند به سرپل ذهاب، در روستای سرخه دیزه به فاصله‌ی ۶ کیلومتری پاتاق، در ۶۰ کیلومتری اسلام‌آباد غرب، در فاصله‌ی ۲۵ کیلومتری شهر سرپل ذهاب، ۳۰ کیلومتری کرند غرب و ۱۲۵ کیلومتری کرمانشاه قرار دارد. در موقعیت طول جغرافیایی ۳۲،۴۶ و عرض ۳۲،۳۴ در ارتفاع ۱۲۱۶ متری از سطح دریا قرار گرفته است. بنای مذکور در میان مردم بومی با عنوان بنای سنگی نیز شناخته می‌شود. روستای سرخه دیزه در شمال و شمال‌شرقی این محوطه قرار دارد و در اثر مرور زمان و فعالیت‌های راه‌سازی آسیب شدید دیده است. جاده‌ی شنی و ماشین‌رو از سمت جنوبی تپه تا روی تپه و در ضلع جنوب و جنوب‌شرقی آن نیز جاده‌ی دیگری به طرف روستا کشیده شده است. اهالی روستا به علت احداث باغ خصوصی ضلع شرقی تپه را تخریب کرده‌اند. با توجه به شیوه‌ی ساخت و نوع مصالح به کار رفته در ساخت و ساز، بنا احتمالاً مربوط به دوره‌ی ساسانی است (پرونده‌ی ثبتی بقایای بنای تپه‌ی شماره‌ی ۱ و ۲ سرخه دیزه، ۱۳۸۴: ۱۶). این بنا در طی دوران‌های اسلامی قرن ۸ هجری به عنوان یک بنای مسکونی استفاده می‌شده است. بقایای آجرهای قرمز رنگ در سطح تپه و محوطه پراکنده است. در ضلع جنوب‌شرقی بنا بقایای دیواری سنگچین با ملاط گچ وجود دارد که به دلیل ساخت و ساز و تغییرات زیاد بر سر این سازه در طی زمان آسیب زیادی دیده است^۱ (پرونده‌ی ثبتی بقایای بنای تپه‌ی شماره‌ی ۱ و ۲ سرخه دیزه، ۱۳۸۴).

قلعه‌ی ساسانی سرخه دیزه

خارج از شهر کرند، در روستای سرخه دیزه، بقایای قلعه‌ی عظیمی از روزگار ساسانیان قرار دارد. امروزه به جزء بقایای ناچیزی از معماری و مصالح قلعه‌ی چیزی بر جای نمانده است. این قلعه از مصالح قلوه سنگ و ملاط ساخته شده است. یکی از دیوارهای قلعه که سالم مانده عرضی حدود ۵/۷۰ متر دارد. در ساختمان این قلعه از قلوه سنگ و ملاط از دو نوع آجر با دو رنگ مختلف به رنگ نخودی و با ابعاد ۸×۳۰×۳۶ سانتی‌متر و رنگ قرمز به ابعاد ۷×۳۰×۳۶ سانتی‌متر استفاده و قسمتی از روستای سرخه دیزه بر روی این بنای عظیم ساسانی ساخته شده است (جلیل کرمانشاهی و گلزاری، ۱۳۴۶: ۹۳). در ضلع شمال غربی دیوار سنگی، بقایای سازه‌ای سنگی شبیه به پله وجود دارد

۱. تصویر پرونده ثبتی اثر در پیوست مقاله قابل مشاهده است.

که از این حیث به بناهای عمارت خسرو و بان قلعه شباهت دارد که مسیر دسترسی به آن از طریق پلکان میسر می شده است.

ابن حوقل اعتقاد دارد مرج القلعه شهری است با بارویی مهم و حول و حوش آن روستاهای پرجمعیتی وجود دارد. یعقوبی پس از اشاره به موقعیت منطقه و استفاده از مراتع آن برای خلفای عباسی ذکر می کند، آثاری از یک قصر ساسانی در آن وجود داشته است (لسترنج، ۱۳۷۷: ۲۰۷). ابودلف خزرچی بنای مذکور را با عنوان دژی شگفت‌انگیز از قوم عاد معرفی می کند «در مرج القلعه شهر زیبایی وجود دارد، در آنجا قلعه ویرانی مشرف بر باغ‌های شهر موجود است که گفته می شود پرویز یکی از پسران خود را در آن جا به قتل رسانیده است و دژ مزبور در اثر این اتفاق ویران شده است» (ابودلف خزرچی، ۱۳۵۴: ۵۹). از توضیحات او می توان برداشت کرد که هنگام مشاهده اش در سال ۳۴۱ هجری، بنا رو به ویرانی نهاده بود و او به دنبال توجیهی برای تخریب آن بوده است.

همچنین او در کتاب سفرنامه خود از جاده خراسان و مرج القلعه چنین یاد می کند «جاده خراسان و مکه از آن می گذرد، این راه به قصر شیرین منتهی می شود». از حلوان به طاق گرا، از آنجا به مازورستان و از آنجا به مرج القلعه و آن مرغزار وسیعی است که دژ و آثار شگفت‌انگیزی در آن وجود دارد. در ادامه ذکر می کند در مرج القلعه شهر زیبایی وجود دارد که هوای آن بسیار سرد است (همان، ۵۸). بر اساس تطبیق با شرایط جوی کنونی منطقه، شهر کنند تنها شهر قرار گرفته بر سر راه خراسان از کرمانشاه تا قصر شیرین است که آب و هوای سرد و میزان بارش برف و باران بالایی دارد. ابن الرسته در *العلاق النفیسه* پس از توضیح مسافت طی کرده چنین حکایت می کند «راه از میان دره‌ای پر درخت می گذرد تا به مرج القلعه منتهی شود که در آن قلعه بزرگی است» (ابن الرسته، ۱۳۸۰: ۱۹۴). یاقوت حموی نیز بیان می کند «و هی مدینه فی مرج القلعه بینها و بین سابله خراسان» که اشاره به قرارگیری مرج القلعه بر سر شاهراه خراسان دارد (حموی، ۱۳۸۰: ۳۴).

همان طور که گفته شد، مصالح مورد استفاده برای ساخت بنای سرخه دیزه قلوه سنگ و آجر است، ابعاد آجرهای مورد استفاده در بنا نیز ذکر شد. ابعاد آجرهای سرخه دیزه در جدول شماره ۱ با ابعاد آجرهای به کار رفته در بناهای دیگر اشکانی و ساسانی مقایسه شده است.

جدول شماره ۱: مقایسه ابعاد آجرهای سرخه دیزه با آجرهای بناهای اشکانی و ساسانی (نوراللهی، ۱۳۹۶: ۹۷).

نام محوطه	اندازه (سانتی‌متر)	گاهنگاری	منابع
سرخه دیزه	$۸۷ \times ۳۰ \times ۳۶$	ساسانی [؟]	-
دلبرجان افغانستان	$۱۰ \times ۲۵-۳۰ \times ۳۸$	اشکانی	بزنوال، ۱۳۷۹: ۱۸۳
قلعه یزدگرد	$۶/۵ \times ۳۱ \times ۳۱$ $۶/۵ \times ۳۰ \times ۳۰$	اشکانی و ساسانی	Keal, 1967: 109
دشت قلعه گرگان	$۹ \times ۳۷ \times ۳۷$ $۸ \times ۳۲ \times ۳۲$	اشکانی و ساسانی	Kiani, 1982: 52
کیش	$۹ \times ۳۶ \times ۳۶$	ساسانی	Longdon, 1933: 122
طاق کسری	$۷/۵ \times ۳۰ \times ۳۰$ $۱۲ \times ۳۹ \times ۳۹$	ساسانی	Keal, 1967: 109 Longdon, 1933: 117
آشور	$۶ \times ۳۰ \times ۳۵$	اشکانی	بزنوال، ۱۳۷۹: ۱۶۰
ایوان کرخه	$۸ \times ۳۲ \times ۳۷$	ساسانی	Keal, 1967: 109
دامغان	$۸ \times ۳۷ \times ۳۷$	ساسانی	Keal, 1967: 109
هگمتانه	$۷ \times ۳۶ \times ۳۶$ $۹-۸ \times ۳۳ \times ۳۳$	اواخر اشکانی	مازیار، ۱۳۹۱: ۴۰۶
اولتان قالاسی	$۱۰ \times ۳۶ \times ۳۶$ $۱۰ \times ۳۲ \times ۳۲$	ساسانی	علیزاده، ۱۳۸۶: ۶۰
قلعه ضحاک	$۳۲ \times ۳۲ \times ۶$ $۳۳ \times ۳۳ \times ۶$	اشکانی	Kleiss, 1973: 171

هدف از این مقایسه یافتن ابعاد تقریبی و نزدیک به ابعاد آجرهای سرخه دیزه است. در میان محوطه‌هایی که در جدول ذکر شده‌اند، ابعاد آجرها با یکدیگر قرابت دارد، محوطه طاق کسری و ایوان کرخه نزدیک‌ترین عدد را برای ابعاد آجر نسبت به سرخه دیزه دارد. این محوطه از بعد جغرافیایی اهمیت استراتژیک بسیار بالایی دارد. این قلعه درست در گردنه پاتاق که نخستین ارتفاع سخت و تقریباً صعب‌العبور پس از پستی‌های بین‌النهرین و قصرشیرین در زاگرس است قرار دارد. این روستا در نقطه انتهایی ایالت جبال قرار گرفته است.



چنان که پیشتر ذکر شد، این بنا از بعد جغرافیایی بسیار به محوطه‌های شاخص اشکانی و ساسانی نزدیک است، بنای معروف زیج منیژه که هنوز کاربری آن مورد بحث است (غلامی، ۱۳۹۸: ۱۷)، دشت قلعه شاهین و در نهایت بنای یادمانی طاق گرا که در ۶ کیلومتری این اثر قرار گرفته است. همچنین مجموعه عظیم قلعه یزدگرد در روستای بان زرده که در شمال مجموعه قرار دارد.

اهمیت این ناحیه و شاهراه‌های ارتباطی آن افزون بر جنبه نظامی و استفاده آن، منافع اقتصادی نیز داشته است، به همین علت مسأله دیگری که با توجه به موقعیت قرارگیری این قلعه اهمیت پیدا می‌کند ساخت آن بر سر راه تجاری خراسان بوده است. این جاده، بخشی از مسیر جاده ابریشم، که مسیر حرکت کاروانیان را از تیسفون به خانقین، حلوان، کرمانشاه، نهاوند همدان و... متصل می‌کرده، از دوران اشکانیان اهمیت فراوان داشته است. پارتیان دو جاده بسیار مهم را تحت نظارت خود داشتند: یکی جاده‌ای که از فرات شروع می‌شد و امروزه با نام محور ساسانی قصرشیرین- کرمانشاه ثبت شده است، پس از عبور از سوریه و شمال بین‌النهرین، از دجله می‌گذشت و وارد تیسفون و ولاشگرد می‌شد. پس از آن به طرف جبال حرکت می‌کرد، از بیستون می‌گذشت و وارد اکباتان می‌شد (میرزایی، ۱۳۸۴: ۲۶). اهمیت این مسیر در دوران ساسانی نسبت به دوره پیش بیشتر می‌شود، گزارش‌های جغرافیانویسان ایرانی و عرب در صدر اسلام و تاریخ‌نویسان رومی بر اهمیت این منطقه و توجه ویژه پادشاهان ساسانی به آن تأکید می‌کند (محمدی‌فر، ۱۳۸۵: ۱۸۱). افزون بر راه باستانی جاده ابریشم، این منطقه به عنوان بیلاق پادشاهان ساسانی اهمیت پیدا کرد. در گفتار نویسندگان و جغرافیانویسان به شهرها و مکان‌های بسیاری اشاره شده است (همان). حلوان در اوایل دوره ساسانیان، تجدید بنا شد و به عنوان دروازه شرقی تیسفون، پایتخت ساسانیان، مطرح گشت. با توجه به این اهمیت می‌توان جمعیت فراوان شهر را تصور کرد (قنبری و خسروی‌زاده، ۱۳۸۹: ۲). رونق و شکوفایی اقتصادی شهر، نتیجه عبور کاروان‌های تجاری از آن بود. این مسیر تجاری و اهمیت بسیار آن در طی دوران اشکانی و ساسانی می‌تواند دلیلی برای ساختن مجموعه بناهای واقع در مسیر و همچنین موقعیت بنای سرخه دیزه با قرار گرفتن بر سر این راه تجاری می‌تواند گویای کاربری آن باشد.

وجه تسمیه مرج القلعه

در منابع جغرافیانویسان و سیاحان اسلامی از منطقه مورد بحث با نام مرج القلعه یاد می‌شود. به تعبیر لغت نامه دهخدا واژه مرج در زبان عربی به معنی زمین بایری است که علف و خاربن در آن می‌روید، به معنی چمن‌زار، چراگاه و علفزار نیز آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۳: ۲۰۶۱۷). همچنین ذکر می‌کند «مرج معرب مرغ است، جایی که دواب در آن چرا می‌کنند» (همان). بر اساس اشاراتی که در متون نوشته شده در دوران اسلامی از این منطقه شده است، این منطقه پوشش جنگلی‌ای از درختان بلوط دارد که با تطبیق اشاره‌های شده در متون و نوع پوشش گیاهی‌ای که امروزه در منطقه مشاهده می‌گردد همخوانی دارد. در قرون نخستین اسلامی این نقطه به علت موقعیت طبیعی که جنگل آن را محصور کرده است، مرج القلعه نامیده می‌شده یعنی علفزاری که قلعه درون آن است (جلیلی کرمانشاهی و گلزاری، ۱۳۴۶: ۹۳).

ویژگی سفال‌های دوران تاریخی سرخه دیزه

سفال‌های مشخص از دوران تاریخی در این تپه به دو دسته سفال معمولی و سفال لعابدار طبقه‌بندی می‌شوند. سفال‌های معمولی شامل قطعات کوچک به رنگ کرم و نخودی مایل به نارنجی یا قهوه‌ای است. بافت سفال‌ها مستحکم و فشرده است، چرخ‌ساز هستند و از حرارت کافی برخوردار بوده‌اند. تنها یک نمونه سفال لعابدار بر سطح تپه پیدا شده که قطعه‌ای کرم رنگ و چرخ‌ساز و مربوط به بدنه و لبه ظرفی بزرگ است. رنگ خمیره هم‌رنگ سطح سفال است، قسمت داخلی ظرف لعاب دارد. این سفال متعلق به دوره اشکانی است. از سطح تپه سفال‌های مربوط به دوران پیش از تاریخ، تاریخی و اسلامی خصوصاً قرن ۶ هجری یافت شده است. بر اساس مطالعه‌ای که بر روی سفال‌های محوطه سرخه دیزه انجام شده است سفال‌ها با سفال‌های چند محوطه شاخص اشکانی و ساسانی، قلعه یزدگرد، حاجی آباد، قلعه سیرم شاه، ماه نشان زنجان مقایسه شده‌اند که بر اساس نوع تزئین و ویژگی‌های فنی سفال‌ها اعم از فرم لبه و دسته، می‌توان مشابهت زیادی میان سفال‌های محوطه سرخه دیزه با دیگر محوطه‌های نام برده یافت. بنابراین، چنین تطبیقی می‌تواند دلیل بر گاهنگاری سفال‌های سرخه دیزه باشد و نشان می‌دهد که سفال‌ها، ویژگی سفال‌های دوران ساسانی را دارند.

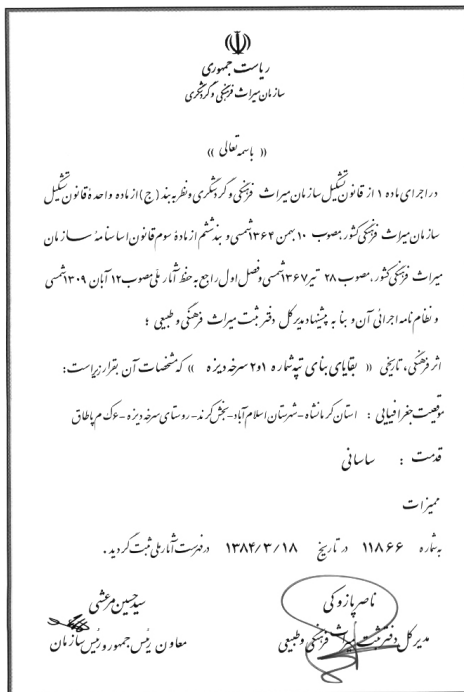
جدول شماره ۲: سفال‌های ساسانی یافت شده در سطح تپه و مقایسه با دیگر محوطه‌های ساسانی

منابع	طرح سفال	ویژگی سفال	سفال یافت شده در سرخه دیزه
Keall; Keall, 1981; fig 8 خسروزاده و عالی، ۱۳۸۴: ۷۰ محمدی فر و طهماسبی، ۱۳۹۳: ۱۴۸		لبه ضخیم متمایل به بیرون	
Keall; Keall, 1981, fig 12, no: 7-8 محمدی فر و طهماسبی، ۱۳۹۳: تصویر ۳۷، طرح ۱		لبه دندان‌دار و چند شیار بر روی لبه	
Keall; Keall, 1981, fig 27, no: 27-35 Azamosh: 1994, fig 180, no: t محمدی فر و طهماسبی، ۱۳۹۳: ۱۴۷		تزیین کنده با شیار ریز	
خسروزاده و عالی، ۱۳۸۴: ۶۶			

نتیجه‌گیری

بنای واقع در روستای سرخه دیزه به علت تخریب فراوان افزایش ساخت ساز باغات و خانه‌های مردم روستا، همچنین جاده‌کشی در اطراف آن آسیب بسیار شدیدی دیده است و قابلیت مطالعات جزئیات معماری را ندارد. همچنین به علت نبود کاوش‌های باستان‌شناسی ارائه‌طرحی برای پلان و سبک معماری آن امکان‌پذیر نیست. با این حال با مطالعه بقایای معماری بر جای مانده از آن مانند مصالح استفاده شده آن و مقایسه ابعاد آجرهای بر جای مانده با آجرهای به کار رفته در بناهای ساخته شده در دوره اشکانی و دوران ساسانی مشابهت بسیاری مشاهده می‌شود. این مشابهت در ابعاد، بیشتر در بناهای قلعه یزدگرد، دشت قلعه گرگان، کیش، طاق کسری، کاخ آشور و ایوان کرخه مشهود است که می‌تواند دلیلی بر تأیید گاهنگاری ارائه شده جغرافیایونیسان باشد. افزون بر آن با تطبیق اطلاعات ارائه شده از مرجع‌القلعه اعم از شرایط جوی، منظر و چشم‌انداز توصیف شده از دشت، فواصل میان شهرها نشان می‌دهد که مرجع‌القلعه بیان شده در منابع می‌تواند همان کنند امروزی باشد که روستای سرخه دیزه چند کیلومتر بالاتر از آن قرار گرفته و قلعه در آن،

همان قلعه مشهور ساسانی است. با توجه به محل قرارگیری آن در گردنه پاتاق و مسیر تجاری راه خراسان احتمال دارد بنا کاربری نظامی داشته است. هدف این قلعه حفاظت از کاروانیانی است که از آن مسیر رد می‌شده‌اند، همچنین کنترل و دیده‌بانی دشت قلعه شاهین که در مقابل آن است و آثار ساسانی متعددی در آن قرار دارد.



کتابنامه

- ابن الرسته، احمد بن عمر. (۱۳۸۰). *الاعلاق النفیسه*. ترجمه و تعلیق حسین قره‌چانلو. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- ابودلف خزرچی، مسعر بن مهلهل. (۱۳۵۴). *سفرنامه ابودلف در ایران (در سال ۳۴۱ هجری)*. با تعلیقات و تحقیقات ولادیمیر مینورسکی. ترجمه سید ابوالفضل طباطبایی. تهران: نشر زوار.
- بزنوان، رولان. (۱۳۷۹). *فن آوری تاق در خاور کهن*. ترجمه سیدمحسن حبیبی. برای معاونت حفظ و احیا سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه). تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه).
- «پرونده ثبتی بقایای بنای تپه شماره ۱ و ۲ سرخه دیزه». (۱۳۸۴). شماره ثبت ۱۱۸۶۶. سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمانشاه.
- جلیلی کرمانشاهی، محمد حسین؛ گلزاری، مسعود. (۱۳۴۶). *کرمانشاهان باستان (از آغاز تا سده سیزدهم هجری قمری)*. [تهران]: وزارت فرهنگ و هنر.
- خسروزاده، علیرضا؛ عالی، ابوالفضل. (۱۳۸۳). «توصیف، طبقه‌بندی و تحلیل گونه‌شناختی سفال دوران اشکانی و ساسانی منطقه ماه‌نشان (زنجان)». مجموعه مقالات همایش بین‌المللی باستان‌شناسی ایران (حوزه شمال‌غرب). به کوشش مسعود آذرنوش. تهران: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری-پژوهشکده باستان‌شناسی.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت‌نامه. ج ۱۳. چ دوم از دوره جدید. تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- علیزاده، کریم. (۱۳۸۶). گزارش مقدماتی کاوش‌های باستان‌شناختی در اوتان قالاسی، دشت مغان اردبیل فصل اول و دوم ۱۳۸۲-۱۳۸۳. تهران: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، پژوهشکده باستان‌شناسی.
- غلامی، صبا. (۱۳۹۸). «پیشنهادی بر کاربری بنای زیچ منیژه در ایالت خالویتیس». عمران، معماری و شهرسازی. ش ۱۵. صص ۱۵-۲۴.
- قنبری، صباح؛ خسروی‌زاده، صباح. (۱۳۸۹). «جغرافیای تاریخی حلوان». پژوهش در تاریخ. ش ۱. زمستان. صص ۱-۱۸.
- لسترنج، گای. (۱۳۷۷). *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی*. ترجمه محمود عرفان. چ ۸. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- مازیار، سپیده. (۱۳۹۱). «معرفی خشت‌های به کار رفته در سازه‌های تپه هگمتانه». نامورنامه (مقاله‌هایی در پاسداشت یاد مسعود آذرنوش). به کوشش حمید فهیمی و کریم علیزاده. تهران: ایران نگار. صص ۳۹۹-۴۱۰.
- محمدی‌فر، یعقوب. (۱۳۸۵). «مروری بر کلیات جغرافیای تاریخی منطقه زاگرس مرکزی در دوران پیش از اسلام». مطالعات ایرانی. ش ۹. بهار. صص ۱۷۳-۱۹۰.
- محمدی‌فر، یعقوب؛ طهماسبی، الناز. (۱۳۹۳). «طبقه‌بندی سفال ساسانی دره سیمره، مطالعه موردی: قلعه سیرم شاه». پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران. ش ۷. پاییز و زمستان. صص ۱۳۳-۱۵۲.
- میرزایی، علی‌اصغر. (۱۳۸۴). «جغرافیای تاریخی امپراطوری پارتیان». رشد آموزش تاریخ. ش ۲۱. صص ۲۱-۲۷.

- نوراللهی، علی. (۱۳۹۶). «توصیف و تحلیل بقایای معماری و آجرهای اشکانی محوطه تشویر طارم زنجان». فصلنامه اثر. ش ۷۶. بهار. صص ۸۹-۱۰۱.
- یاقوت، حموی. (۱۳۸۰). *معجم البلدان*. ترجمه علینقی منزوی. ویراستار محمد جوزی، نادر کریمیان سردشتی. برای معاونت پژوهشی سازمان میراث فرهنگی (پژوهشگاه). تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه).
- Azarnoush, M. (1994). *The Sasanian manor house at Hājābād*. Iran: Lettere
- Keall, E. (1967). "Qaleh_I yazdigird: A Sasanian place stronghold in Persian Kurdistan". In Iran. vol. V. pp. 99- 121.
- Keall, E. J; Keall, M. J. (1981). *The Qal'eh_I Yazdigird Pottery: A Statistical Approach Reviewed works*. Vol. 19: 33-80. Iran: Published by British Institute of Persian Studies.
- Kiani, M. Y. (1982). *Parthian sites in Hyrcania: the Gurgan plain*. Berlin: Dietrich Reimer.
- Kleiss, W. (1973). "QalehZohak in Azarbaijan". AMI. N. F 6. PP: 163-188.
- Longdon, S. (1934). "Excavation at Kish and Baraguthiat 1933". In Iraq. Vol. I. pp. 113-123.

Sorkhah Dizah: A Sassanid Castle on Khorasan Highway

Saba Gholami¹

Seyyed Rasool Mousavi Haji²

In Sorkhah Dizah Village in West Kerend District, there are the remains of an ancient structure which possibly dates back to the Sassanid Period. In historical texts and travelogues of the Islamic period, several references have been made to a military castle in Sorkhah Dizah village in a region called Murj al-Qalah. The western regions of Iran, particularly Kermanshah, were of great importance during the late Sassanid period and attracted the attention of Sassanid Kings. One of the reasons prompting this attention was the existence of Khorasan Highway, which was the main route connecting Mesopotamia to the Plateau of Iran. Moreover, it was an important commercial road, which has been a center of attention since several thousand years before Christ. The mentioned ancient structure is along Patagh mountain pass, which has a strategic and extremely sensitive location and has always enjoyed great military value in the course of history. Following a historical approach to geography and through analyzing archaeological data and comparing them with the existing data in related sources, this study is intended to examine the truth of the data provided by geographers in relation to Sorkhah Dizah Castle and Murj al-Qalah and investigate the chronology and potential functions of the castle.

Key Terms

Sorkhah Dizah Castle, Kernald, Murj al-Qalah, Sassanid Period, historical geography

1. PhD candidate of archaeology, University of Mazandaran (corresponding author). saba_gholami69@yahoo.com

2. Professor at the archaeology Department, University of Mazandaran. seyyed_rasool@yahoo.com



A deliberation over the Structure and Content of Petition Documents A Case Study: Petitions of Trades during the 6th- 8th Terms of the National Consultative Assembly

Zohreh Shirinbakhsh¹

Documents are among the most important and reliable resources in historical studies and, among the mass of documents, petitions, as voices of people, could be explored as a rich source for historical studies, particularly in the field of social and economic history. Through a study of the structure of the petitions sent to the National Consultative Assembly between 1926 and 1932 by various trades and craftsmen, the author examines the demands and expectations of the petition writers. The findings of this study demonstrate that the examined petitions are similar to other documents with respect to their structural elements. Moreover, the study of their content reveals that tax-related problems and challenges with municipality offices were the most important themes of craftsmen's and trader's complaints.

Key Terms

petition documents, trades, social history, National Consultative Assembly

1. PhD in post-Islam history and researcher at the Iranology Foundation. zohreh.shirinbakhsh@gmail.com

Iranians' Expectations from Russian Iranology¹

Mohsen Shojaee²

Iranians have always viewed Russian Iranology as a source of some seriously questionable issues regarding all aspects of Iranian history and culture. However, after the disintegration of the former Soviet Union and the recent advancements in the field of Iranology, Russian Iranologists were expected to reconsider their previous theories and judgments. On the other hand, given their access to a number of rare archives and documents which were previously inaccessible to other researchers, the interested Iranian society also expects them to conduct some fundamental studies based on such documents. In this paper, through referring to some examples of these archives and documents, the author propounds the existing expectations and discusses them in detail.

Key Terms

Russian Iranology, Soviet Iranology, translation of Iranology works

1. This paper, along with some modifications and additions, is based on a speech delivered by the author in the 4th Annual Conference of Russian Iranologists in 14 December 2018 in Moscow.

2. Assistant Professor, Department of Russian Translation, Islamic Azad University, Tehran North Branch.
m_shojaee@iau.tnb.ac.ir

A Study of the Historical Mosque of Savinas Village in Mahabad

Esmacil Salimi¹

Kurdistan Province is one of the regions in Iran which has remained almost unknown in terms of its architecture, particularly during the Islamic period. The study of the architecture of this province can provide a more profound understanding of Iranian architecture during this period. The purpose of the present paper is to introduce and explore the architectural features of the historical mosque of Savinas village, as a native-style mosque, in Mahabad and compare them with the features of similar examples of the Qajar period in Kurdish-residing regions. The photos taken by Ali Khan Vali, the ruler of Mokryan, which was a Muslim Kurdish emirate centered at Mahabad, from Savinas village during the reign of Qajar kings indicate that this mosque was constructed by Qadir Agha, the owner of the village, during the late Qajar period. Moreover, historical documents reveal that, because of the attention of local rulers, Savinas village turned into a greatly important place after the construction of the ruler's mansion there, and the mosque was officially recognized as the religious and political center of Mokri Gavarak District in the Qajar period. The findings of this study, which was conducted following the library and field methods, demonstrate that the architectural style of Qajar mosques is of a local and native nature and is greatly different from the style of other Iranian mosques, particularly those in the central regions.

Key Terms

Mahabad, Savinas, Kurdistan, mosque, Qajar period

1. MA in archaeology, University of Tehran. salimi.esmaeil@yahoo.com

Landscapes of Naz Vanak Spring (Semirom County)

Hassan Dadashi Arani¹

Naz Vanak Spring and the small river it has created are among the most fascinating landscape in Semirom County. This spring is located in a mountainous region in the Zagros Mountain range, which is considered to be one of the cold areas of Isfahan Province. The Karun River originates in this region. It enjoys diverse vegetation and a moderate to cold climate. Naz Vanak Spring and river are located 10 km to the southwest of the city of Vanak. Vanak and Naz Vanak spring are both located at the northern hillsides of Dālānkūh. The water of this spring is clear and limpid and after flowing into a narrow and short local river joins the Ab Vanak River, which is effluent but narrow and shallow. The mountains surrounding the city of Vanak are made of sedimentary rocks and the terrains and valleys created as a result of geological processes and erosions in the rocks have granted a beautiful view to the region, which attracts the attention of onlookers. The natural sites of this region can function as appropriate environments for scientific, sport-related, recreational, and economic activities. This study was conducted following a descriptive-analytic method and based on library sources.

Key Terms

Naz Vanak Spring, river, Vanak, Semirom, landscapes

1. Lecturer at the Geology Department of Payame Noor University, Isfahan Branch. dadashi_h2003@yahoo.com

Travelogues and Travelogue Writers of the Safavid Period

Mohammad Bahramzadeh¹

Masoud Dadbakhsh²

Upon the rise of the Safavid government to power in Iran, the boundaries of the country were gradually specified and, after many centuries, the whole geographical realm of Iran was finally ruled by a single government. Through establishing security in different regions and trade routes of Iran and declaring *Shiism* as the official state religion, the Safavid government succeeded in bringing all Iranian people together under a single flag once again. During this period, because of the expansion of political and business relationships between Iran and other countries, foreign ambassadors had a vast presence in the country and, as a result, several travelogues were written by some travelers such as Shirley brothers, Charden, Tavernier, and Kaempfer. Following a descriptive-analytic method, the present paper examines the travelogues of this periods and explores the biography of their writers, the reasons for their presence in Iran, and the significant points in their travelogues. The findings of this study indicate that political and trade purposes were among the most important reasons behind the presence of travelers in Iran during the Safavid period.

Key Terms

Safavid Period, travelogues, Charden, Tavernier, Shirley Brothers, Kaempfer

1. PhD in archeology, Research Deputy and Faculty Member at the Iranology foundation.
mohammadbahramzadeh@gmail.com

2. PhD in History of Iran-Islamic Period from Kharazmi University, Lecturer at the University of Applied Science and Technology and Researcher at the Iranology Foundation (corresponding author). dadbakhsh.masoud@gmail.com

Table of Contents

Editorial	4
Hekmatollah Molla Salehi	
Travelogues and Travelogue Writers of the Safavid Period	5-22
Mohammad Bahramzadeh and Masoud Dadbakhsh	
Landscapes of Naz Vanak Spring (Semiroom County)	23-34
Hassan Dadashi Arani	
A Study of the Historical Mosque of Savinas Village in Mahabad	35-52
Esmaeil Salimi	
Iranians' Expectations from Russian Iranology	53-60
Mohsen Shojaee	
A deliberation over the Structure and Content of Petition Documents A Case Study: Petitions of Trades during the 6th - 8th Terms of the National Consultative Assembly	61-76
Zohreh Shirinbakhsh	
Sorkhah Dizah: A Sassanid Castle on Khorasan Highway	77-87
Saba Gholami and Seyyed Rasool Mousavi Haji	

Iranian Studies

(Interdisciplinary Journal, Scientific - Specialized)
(Motale'āt-e Iranshenāsi)

ISSN: 2476 - 2989

Vol. 5, No. 15, Winter 2020

License Holder (Publisher): Iranology Foundation

Director_in_Charge: Dr. Mohammad Bahramzadeh

Editor_in_Chief: Dr. Hekmatollah Molla Salehi

Manager: Dr. Masoud Dadbakhsh

Editorial Board

Dr. Mehri Baqeri	Tabriz University
Dr. Naser Takmil Homayoun	Academy of Humanities and Cultural Studies
Dr. Mahmoud Jafari Dehaqi	University of Tehran
Dr. Zohreh Zarshenas	Academy of Humanities and Cultural Studies
Dr. Fathollah Mojtabaei	University of Tehran
Dr. Hekmatollah Molla Salehi	University of Tehran
Dr. Mohammad Bahramzadeh	Research Deputy and Faculty Member at the Iranology Foundation
Dr. Mahmood Tavusi	Tarbiyat Modares University

Issue Editor: Zohreh Dowlati

Translator: Roya Khoii

Design & Type Latin: Monica Toosi

Publisher: Iranology Foundation

Address: Iranology Foundation, Iranshenasi st., Southern Sheikh Bahae, Tehran, Iran.

Tel: 0098_21_88608925

Fax: 0098_21_88608922

Email: Fasnameh@iranology.ir